



اپورتوئیسم

چهره می‌گشاید

"از این گذشته "هگل" پیرو مدتها پیش گفته است: بک‌حزب از این طریق بصورت حزبی پیروز نمیشود که در آن انشعاب صورت گیرد و قادر به تحمل این انشعاب باشد. جنبش پرولتری الزاما مراحل تکامل مختلفی را طی میکند - در هر مرحله‌ای عده‌ای افراد از حرکت میمانند و به راه ادامه نمیدهند." (نامه انگلس به بیسل لندن ۲۰ روئن ۱۸۴۳)

رژیم

از درگیریهای طایفه‌ای سود می‌جوید

بورژوازی جهت ادامه سلطه طبقاتی خود، استثمار و کیندن غیرهجان کارگران و زحمتکشان، برای جلوگیری از اتحاد آنها به انواع ناسیس توسل می‌جوید و بهر جنابیتی دست میزند تا پراکندگی را میان اقشار خلقی دیرپا سازد. عداوت ملی را میان ملیتها رسوخ دهد، ملیتها را تحت‌ستم را حقیرو بی کفایت جلوه دهد، تخم نفاق را میان دستهای مختلف محنت‌کنان اهل بلوچستان در مناطقی مانند بلوچستان که فرهنگ عیانی و طایفه‌ای در محدوده‌هایی عمل می‌کند، درگیری بین طوایف را دامنه بزند و از این راه برای تداوم نظام ستمگرانه و جاودانگی سونهای حاصله از استثمار کارگران و سایر زحمتکشان بهره برد.

درک از انقلاب دمکراتیک بعنوان یک مرحله و یک گام ضروری که تبیین خود را از ملزومات عینی رشد مبارزه طبقاتی و شکوفائی آتی آن می‌گیرد، مفهومی بجز نیاز تاریخی جامعه ما در گذار از چنین مرحله و بخت‌ساز گذاردن یک اتحاد وسیع طبقاتی در میان توده‌ها را دربر ندارد. لذا برنامه پرولتاریا برای این مرحله متضمن پاسخ هرچه دقیق‌تر و روشن‌تر به چنین الزام عینی و عملی است. هرکس این واقعیت را درک نکند خود را در چهارچوب تحولات نهی سردرگم می‌نماید.

بقیه در صفحه ۳

اطلاعیه‌های شماره ۶۵

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در صفحه ۱۰ و ۶

چنگ

و منافع جناحهای مختلف حاکمیت

چگونگی بهره‌برداری امپریالیسم جهانی و رژیم جمهوری اسلامی از چنگ ایران و عراق در خطوط کلی در بامسی استار شماره ۳۸ ترسیم شد. حال به منافع خاص جناحهای درون حاکمیت هرچند مختصر بپردازیم.

سرکوب جنبش رو به رشد که سرمایه را مورد آماج قرار داده بود و بازسازی نظام ضربه خورده سرمایه‌داری اسام و وحدت جناحی مختلف بورژوازی را در بریانی چنگ تشکیل میداد.

جناحهای مختلف بورژوازی که مجموعا در افروختن و دامن زدن به چنگ تمایل داشتند آیا باز در ادامه چنگ منافع مشترکی دارند؟ منافع سیاسی و اقتصادی جناحهای مختلف از ادامه بقیه در صفحه ۱۲

جمع‌بندی تضادهای

درونی رژیم

سرگشت رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای تولدش، سرگشت کفاکشها و تضادهای میان جناحهای مختلف بورژوازی ایران بوده است. در مراحل اولیه پس از قیام شکاف درون هیئت حاکمه، در تضادهای و تقابلهای میان جناحهای

ضمیمه خبری همراه

این شماره است ★

بحران اقتصادی رژیم

صفحه آخر

پروشات اسلامی جمهوری ادبیت راجی دمکراتیک جمهوری



رژیم ...

این سیاست بورژوازی است که در صفوف متحدین علیه خودش تفرقه و جدائی بیاندازد و سعی در از هم پاشیدن صفوف متحد آنها بنماید. عداوت ملی و شونیس را دامن بزنده قبایل و طوایف را روبروی هم قرار نهد، همانطور که اخیراً درگیری خونینی میان طوایف ریگی و شهنوازی منحصراً از سوی رژیم راه انداخته شد و با حمایت از ریگیها به سرکوب شهنوازیها پرداخت. رژیم جمهوری اسلامی از ایجاد این درگیریها اهدافی را دنبال میکند و آنهم عبارت است از سرکوب مخالفین مسلح حکومت بوسیله بخش دیگر از بومیان چرا که خود رژیم توان چنین امری را ندارد. و از سوی دیگر نفاق و کینه را میان خود اهالی میاندازد و خود از اختلافات سود میجوید. چگونه رژیم قادر میگردد از اختلافات سود جوید؟ و منشا این اختلافات چیست؟ برای یافتن پاسخی مناسب لازم است به زمینههای اجتماعی بروز این اختلافات نظری بیندازیم. در روزگاران قدیم که مناسبات تولیدی قبیلهای حاکم بوده است، در این نظام هر طایفه سرزمین مشترکی داشته که در آنجا بکار کشاورزی یا دامداری میپرداخته است. محصول برای طایفه بود و تمام افراد برای طایفه کار میکردند و از یکجا ارتزاق میکردند. افراد در چارچوب سازمانهای قبیلهای زیست کرده و از سران طایفه اتوریته پذیری داشتند، تصمیمات در یکشورا که متشکل از سالندان بود اتخاذ میشد و جوانان معمولاً به دفاع نظامی و کار اشتغال داشتند. هر عضو قبیله موظف بود در مقابل خطراتی که طایفه را تهدید میکرد، از منافع طایفه دفاع نماید. طوایف مختلف بر سر مسائل گوناگون با هم میچنگیدند و این درگیریهای طایفه‌ای سالها بطول نمیانجامید. در آن زمان دولت بعنوان آلست سلطه طبقاتی وجود نداشت و اختلافات طایفه‌ای بین دو قبیله یا با جنک و مقهور شدن یک طایفه و یا بوسیله صلح و بستن قرارداد و پرداخت غرامت حل میگردد. طوایف بر سر مسائلی از قبیل چراگاه، زمین، درخت، اهانت و ... درگیری پیدا میکردند و در این صورت طرفین با هم به نزاع میپرداختند.

درگیریهای قبیله‌ای و طایفه‌ای جزئی از مناسبات نظام قبیله‌ای بود و اجتناب از آن لفظ در اندیشه خیرخواهان کوبه‌بین و مسیح مانند می‌گنجد. درگیریهای طایفه‌ای در مناسبات اجتماعی آن زمان ریشه دارد و غیر از اینهم نمی‌توانست باشد. طبق قانونمندیهای اجتماعی این مناسبات باید بوسیله انقلاب یعنی راه حل تضادی که بین مناسبات سدکننده رشد نیروهای مولد وجود داشت، تغییر می‌یافت. و روبنای فرهنگی، حقوقی، سازمانی که تابعی از زیربنای اقتصادی می‌باشد به تبع از تغییرات حاصله در زیربنای متناسب با شیوه تولید جدید پدیدار شوند. بگونه‌ای انقلابی و سریع تغییر می‌یافتند. اما چنانچه تغییرات در زیربنای بصورتی بطئی و متاثر از جوامع همجوار و بصورت فرمیتی وارد جامعه دیگر کردند، بقایای روبنای قدیم و حتی مناسبات تولیدی قدیم برای مدت‌ها در جوار مناسبات جدید بصورت مغلوب به حیات خود ادامه میدهند و این امر در بلوچستان به علت عدم تغییر مناسبات عشیرتی وسیله انقلابات اجتماعی بر اساس رشد نیروهای مولد، بوسیله تغییر مناسبات و شیوه تولید عشیرتی بصورتی بطئی و تأثیرپذیری از تحولات جوامع همجوار و حاکم شدن تولید کالاهای و مناسبات سرمایه‌داری که خود نیز از پتانسیل انقلابی کافی برخوردار نبوده‌اند تا مناسبات ما قبل خود را رقیب و روبرو نمایند، انجام شده است. بقایای روبنای عشیرتی خود را در وجود تفکرات عشیرتی و پاره‌ای روابط قبیله‌ای مانند وابسته دانستن به یک طایفه، تمکین به اتوریته رئیس‌سفیدان دفاع از افراد و حیثیت طایفه‌ای، ازدواجی نرون گروهی، مردسالاری عیاشی، خواست برتری طایفه‌ای و دفاع از طایفه و افراد آن در برخوردها نشان میدهد. با توسعه مناسبات کالایی و میزان ثروتی که در دست افراد متمرکز گشته است، افراد وابسته به یک طایفه به طبقات جوامع کنونی پرتاب شده‌اند. توده‌های پائین قبیله در صفوف زحمتکشان و عده‌ای از روسای قبیله در صفوف طبقات ستمگر جای گرفته‌اند. اما وابستگیهای طایفه‌ای و پایبندی به این وابستگیها گاهی آنقدر عمیق است که به عدم تجزیه طبقاتی و مجزا شدن صفوف طبقاتی در قبایل کمک کرده است.

بارها مشاهده شده است که در اختلافات میان طوایف زحمتکشان بر علیه زحمتکشان بر اساس وابستگیهای قبیله‌ای بلند شده‌اند و حتی از منافع سران ثروتمند قبیله خود بر علیه زحمتکشان قبایل دیگر دفاع کرده‌اند و هنوز هم میکنند. که این امر همیشه مورد سوء استفاده خوانین و رژیمهای ستمگر شاه و جمهوری اسلامی بوده است. رژیمهای ستمگر بر اساس این خصوصیت باقی مانده روابط عشیرتی قادر بوده‌اند با ایجاد سپه و توطئه میان طوایف اختلاف پیدا کنند و خود بهره‌برداری کنند و از اختلافات بوجود آمده نیز بنفع خود سودجویند. حکومت ننگین پهلوی برای استثمار و به افتیاد نر آوردن خلق بلوچ به نام زدن خصومتها، قبیله‌ای و خریدن سرداران و سرکوب شدید زحمتکشان قبایل و درگیری کردن آنها به جنک طایفه‌ای دست میزد که خوانین عامل اصلی اجرای این توطئه‌ها بر علیه خلق بودند. تا از این طریق مبارزات زحمتکشان را بر علیه حاکمیت متحرف ساخته و از طرح خواستهای طبقاتی توده‌ها جلوگیری شود و زحمتکشان در جهل و نادانی باقی بمانند. جمهوری اسلامی جانشین و وارث سیاستهای فئدالی و پاسدار نظم سرمایه‌داری نیز همان روشهای قدیمی را پیشه کرده است. رژیم بی‌اعتبار برای کسب حیثیت بدون هیچ پوششی علناً درگیری ایجاد می‌کند. افراد مستعد و مزدور را به خدمت درمی‌آورد به آنها اسلحه و پول میدهد، به جاسوسی و امیدارد و بر علیه خلق گسیل می‌کند. حمایت از کریم خان نظرزی جاسوس و پاسدار تمام وقت در قصرند که امروزه با عده‌ای از افراد طایفه‌ای مسلح است و بر علیه انقلاب می‌چنگد. قبلاً با طایفه دیگری بر سر مسائلی اختلاف پیدا می‌کنند. رژیم که در آن منطقه هیچ نفوذی نداشت با خریدن نظرزی و تحریک وی به قتل و غارت طایفه دیگر نرسد آن بود که جای پائی برای خود باز کند. حمایت از افراد کوه‌نشین اطراف ایرانشهر و حمایت از جاسوئی‌مانند شیرک همه و همه در خدمت اهداف ضد انقلابی رژیم و ستیابی به مناطقی است که از نظر نظامی استراتژیک بود و محل اصلی نیروهای مسلح بلوچ این منطقه بحساب می‌آید. و پیوسته کانونهای شورش بوده‌اند.



اپورتونیسیم...

ما با درک چنین واقعیتی و با توجه به وضعیت اقتصادی - سیاسی جامعه، با توجه به دوران انقلابی کنونی هرگونه اتحاد و ائتلاف جبهه‌ای با نیروهای غیرپرولتر را تنها بر اساس چهارچوب برنامه حداقل پرولتاریا میسر میدانیم و نه چیزی کمتر از آن. لنینیسم بما می‌آموزد که هیچ کمونیستی مجاز نیست در یک دوران انقلابی بر مبنای بجز چهارچوب برنامه حداقل با نیروهای دیگر وارد ائتلاف شود. اما پوپولیسمی که از پیوند مبارزه ضد امپریالیستی با مبارزه ضد سرمایه‌داری عاجز بوده و هست بین انقلاب دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی دیوار چین می‌کشد و می‌کشد. محدوده فکری از محدوده انقلاب دمکراتیک فراتر نمی‌رود و نمی‌رود اما تجربیات عمیق همین چند سال انقلابی پرولتاریای ایران را به این حد از آگاهی رسانده است که بفهمد چه برنامه‌ای و با کدام اصول قادر خواهد بود دمکراسی پرولتری و جهت‌گیری بسمنست سوسیالیسم را متحقق کند. پرولتاریای ایران در تجربه اخیر آموخته است که همانهایی که هرگونه تفاوت بین انقلاب دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی را به صورت مکانیکی نفی می‌کنند، همانکسانی که تداخل دیالکتیکی این دو انقلاب را مخدوش می‌سازند، همانهایی هستند که درهای عمیق جلوی پای طبقه کارگر حفر می‌کنند. دیواری عظیم‌تر از دیوار چین میان تحقق دمکراسی و سوسیالیسم می‌کنند و پیروزی قطعی را از طبقه کارگر سلب می‌کنند و جای تعجب نیست که همه اینها بعد از مدت‌ها کنکاسی و دودلی از یک‌جا سردر می‌آورند، از نفی برنامه حداقل، از نفی شعار جمهوری دمکراتیک توده‌ای، از پوپولیسم ناب از تشکیل جبهه براندازی، از نزدیکی با بورژوازی، با نند مدنی که تاکنون از اظهار نظر خودداری می‌کنند، بالاخره مجبور به سخن گفتن شد، اعضای این باند که همواره بر نظریات خویش

در تشکیلات سرپوش می‌گذاشتند در اعلامیه - ای که بمناسبت ۲۲ بهمن و رستاخیز - سیاهکل داده‌اند می‌نویسند:

" ما تمامی نیروهای مبارز و تمامی کسانی را که تحت ستم نظام حاکم قرار گرفته‌اند، تمام کسانی را که برای دمکراسی واقعی و رهایی توده‌های کارگر و زحمتکش از بندگی سیاسی کوشش میکنند، برای اقدامات مشترک و مبارزه هرچه گسترده‌تر علیه رژیم جمهوری اسلامی و افتای جنایات ننگین آن فراموش نمی‌خواهیم (اطلاعیه ۶۴/۱۱/۲۲ بمناسبت ۲۲ بهمن - تاکید از ماست)

این باند درک خود را از مرحله انقلاب و برنامه سازمان پوشیده نگه می‌دارد اما در لابلای ابهامات یک چیز را پنهان نمی‌کند: عدول از نقطه نظرات ادعائی گذشته و تلاش برای ایجاد جبهه نفی یا (جبهه براندازی) مرکب از همه " کسانی که تحت ستم نظام حاکم قرار گرفته‌اند " علیه رژیم جمهوری اسلامی.

عقب‌گرد به پوپولیسم، نزدیکیهای فکری در تنظیم شعارها، واحد، انطباق قابل توجهی بین دیدگاه‌های این باند و راه کارگر ایجاد کرده است.

بخاطر آوریم زمانیکه راه کارگر نوشت " در حالی که پیروزی این انقلاب در گرو دمکراسی پرولتری است، رژیم خمینی حتی ابتدائی‌ترین عناصر دمکراسی بورژوازی را تحمل نمی‌کند. انقلاب توده‌ای ضد سرمایه‌داری ایران بر سر راه خود با حفر هولناکی روبرو است. ولایت فقیه ... در وضعیت حاضر هم دمکراسی بورژوازی هر دو زیر ضربه این رژیم قرار دارند و برای همین در مبارزه برای سرنگونی رژیم تا حد معینی امکان تداخل و سازش دارند... بورژوازی متوسط و کوچک نه فقط در دوره گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم بلکه در هر مقطع و لحظه‌ای از این دوره و از جمله در لحظه حاضر نخیره بورژوازی بزرگند و در سنگر مقابل طبقه کارگر و زحمتکش قرار دارند و با اینحال در جنبش علیه رژیم خمینی ما میتوانیم به

سازشهایی با آنها دست بزنیم زیرا در آزادی سیاسی زمین‌نمود... (عورای ملی، مقاومت و سیاست ائتلافی چپ - تاکیداز ما) و در پی شوربزه کردن چنین سیاستی از هرکس که قلمی و قدمی دارد خواست تا به جبهه واحد کارگری این پیوندند حال این آقایان عقب مانده تحت پوشش اینک مواضع ما مواضع اعلام شده در نشریات سازمان است. بیست‌هزار تشکیلات جبهه‌ای مرکب از " تمام کسانی که تحت ستم نظام قرار گرفته‌اند " میدهند جبهه‌ای بی در و بیکر و بدون مضمون و محتوا. بلکه آقایان مهم نیست که شما با چه بیانی و چگونه بخواهید نظرتان را بیان کنید مهم این است که نظر شما دایره بر چه مضمونی است و این بیسان چه هدفی را دنبال میکند، این هدف هرچه باشد، نتیجه عملی‌اش بی‌هدف کردن طبقه کارگر و خیانت به آن است.

یک مقایسه ساده بین برنامه عورای ملی، مقاومت " ضد ارتجاع " و جبهه متحد کارگری راه کارگر با جبهه‌ای که شما پیشنهاد میکنید البته در بخش نفی برنامه یعنی سرنگونی نشان میدهد که در مبانی تحلیلی و نزدیکی با بورژوازی مشابهت عجیبی بین شما و آنها وجود دارد نه آقایان: کمونیستها باید وضعیت نیروهای اجتماعی را بطور عینی بشناسند، چگونگی ترکیب آنها را با یکدیگر درک کنند و از لحاظ تئوری خصلت اجتماعی این نیروها را روشن کنند. این خصلت بوسیله اقدامات آشکار طبقات و نمایندگان سیاسی آنها در جریان انقلاب و از لحاظ عملی است که معین میگردد.

بسط جریان انقلاب و شدت مبارزه طبقاتی در ایران کنونی تا حد بسیار زیادی این کیفیت را مشخص کرده است. ما در ایران نه چهل زندگی نمی‌کنیم که در مقابل حکومت شاه با " صف ناراضی " یا ناراضیان و مخالفین روبرو باشیم. بسط مبارزه طبقاتی، بسط مناسبات حزبی را تا مقام بالائی ارتقاء داده است. همانطور که دوران محفلی را جنبش کمونیستی پشت سر می‌گذارد.

شما و هر نیروی سیاسی دیگر اگر امروز در جامعه ایران یک زندگی مبار-

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

اپورتونیسیم ...

زاتی فعال میداشتید در نخستین برخورد به سازماندهی کارگران و زحمتکشان به این حقیقت انکارناپذیر برخورد میکردید که مسائل امروز توده‌ها، با مسائل دهه گذشته تفاوت قابل تأملی دارد، امروز حتی توده‌های عام نیز از نیروهای سیاسی سیاست و هویت مشخص را طلب می‌کنند. هرکس که امروز بخواهد با توده‌ها سخن بگوید می‌باید پرچم مهر و نشان یکی از نیروهای شکل گرفته موجود را با خود حمل کند و بر اساس این یا آن سیاست و هویت معین با آنها سخن بگوید. این شاید برای شما واقعیت تلخی باشد ولی هرچه باشد واقعیت است و با واقعیت نسیز باید بصورت واقعی برخورد کرد. گریز از واقعیت تغییری در واقعی بودن آن نخواهد داد. عقب ماندن از واقعیتها یا رها کردن واقعیتها یعنی زنده امروز و سیرو سلوک در واقعیتها یعنی دیروز چیزی از معضلات امروز را حل نخواهد کرد و گریز را نخواهد گنود. اما شما که با اراده گرائی محض خود اصول شورویک و میانی عام مارکسیسم لنینیسم را نادیده گرفته و تصور می‌کنید میشود طبقه کارگر خرد بورژوازی، بورژوازی متوسط و بزرگ و سلطنت طلبان را علیه رژیم متحد و متشکل ساخت.

شما تصور میکنید برای براندازی رژیم میباید از "تمام کسانی که تحت ستم نظام حاکم قرار گرفته‌اند" دعوت بعمل آورید تا در جبهه شما شرکت کنند اما برخلاف لطفی که افلا راه کارگر نسبت به طبقه کارگر کرده است و اسم آنرا جبهه متحد کارگری گذاشته است شما برای خط و مرز کشیدن با راه کارگر این کم لطفی را نیز مرتکب شده‌اید و اسم نوزاد خود را مشخص نکرده‌اید. مارکسیسم شما، مارکسیستی است با برقی مجدد و قالب تن لیبرالیسم بورژوازی. مطمئناً تمام کسانی که با ادبیات مارکسیستی آشنائی دارند به اهمیت ترنما و وزن لغات برای تعریف شما

توضیح يك مطلب واقتند. کلمات نه از روی ذوق و سلیقه بلکه دقیقاً برای بیان دیدگاه خاص بکار برده میشوند و با چنین ترکی منطقاً آقایان نویسنده اطلاعیه از بمیان کشیدن "تمام کسانی که تحت ستم نظام حاکم قرار گرفته‌اند" حامل دیدگاه مشخص می‌باشند که مجبورند آنها بمرور اعلام کنند هرچند که اپورتونیستها بین نظریات ناسخ و منسوخ چون مار بخود می‌پیچند.

آری آقایان "حفره هولناک ولایت فقیه" راه کارگر هیچ فرقی با "ارتجاع" "مجاهدین" یا "استبداد مذهبی" سلطنت طلبان و "نوزاد" شما ندارد، بنا بر این جبهه شما همان "شورای ملی مقاومت" و "جبهه متحد کارگری" راه کارگر است و چه بسا در بعضی زمینه‌ها رقیق تر از آنها نیز هست. شورای ملی مقاومت" اقلاً با واقع بینی بیشتر و هوشیارتر از شما حرکت کرده زیرا برای شورائیان يك حداقل مرزبندی مشخص است. آنها بهتر از شما میدانند که "تمام کسانی را که تحت ستم نظام حاکم قرار گرفته‌اند" علیه رژیم خمینی نمیتوان متحد کرد. آنها اقل "جبهه انقلابی" را رسماً و عملاً کنار گذاشته و سلطنت طلبان را رسماً در جبهه خود جای نمیدهند، اما شما صندلی برای آنها خالی نگذاشته‌اید. ما همانگونه که بارها اعلام کرده‌ایم (شما مدعی هستید که اعتقاد شما نیز میباشد) عمیقاً اعتقاد داریم که هر ائتلافی در وهله نخست متضمن آنست که روشن گردد يك ائتلاف علیه چه نیروئی و چه نظامی ضرورت پیدا می‌کند، بر اساس چه ضرورتی مطرح میگردد، چه هدفی را در این صف آرائی الزاماً طبقاتی دنبال میکند و باید دنبال کند. با چنین برخوردی به مسئله ائتلاف است که میتوانیم می‌باید نیروهای تشکیل دهنده آنها مشخص کرده در جهت جنب آنها و طرد غیر آنها حرکت نمائیم هیچ ائتلافی نیست که از چنین قانونمندی پیروی نکند و لنین چه بجا علیه لایبر و یلخانف که طرفدار توافقیها گاه بگاه بودند گفت: "هم لایبر و هم یلخانف هر بار به طرق مختلف جمله توافقی‌های گاه به گاه" را در گوش ما تکرار می‌کنند... از اینها گذشته

رفقا، ما هم تحت شرایط معینی و صرفاً گاه به گاه مطلقاً گاه به گاه اجازه توافقی‌ها با ترودویکها را میدهیم... اما مسئله این نیست. مسئله اینست که چه اعمال مشترکی، با چه کسی و برای چه مقاصدی، گاه به گاه مجاز است... این يك سؤال ثنوریك نیست، يك مسئله عملی بی‌نهایت حیاتی است. ما به تجربه دریافته‌ایم که توافقی‌های معروف گاه به گاه، (تاکید از ماست)

توافقی‌های معروف "تکنیکی" نسیز منشویکها به چه معنا است، معنایش سیاست اتکا طبقه کارگر به لیبرالها است و لاغیر. جمله "گاه به گاه" هم قیای کهنه‌ای است بر تن این سیاست اپورتونیستی ("آخرین تذکرات درباره گزارش پیرامون شیوه برخورد به احزاب بورژوازی، مه ۱۹۰۷ - لنین)

آری آقایان تشکیل جبهه واحد توده‌ای را ما قبول داریم اما مسئله این نیست، دبگر برای ما روشن شده و از لحاظ عملی این تجربه را کسب نموده‌ایم که بدانیم تشکیل جبهه ضد امپریالیستی حزب توده و اکثریت و جبهه واحد کارگری راه کارگر و جبهه شما به چه معنایی است. معنایش سیاست اتکا طبقه کارگر به بورژوازی است و آن ارزانی خودتان باشد.

شما که با اعمال جنایتکارانه خود در حمله به مقر رادیو موجب شهادت تنی چند از رفقای تشکیلات گردیدید و در جزوه مبارزه ایدئولوژیك خود در مهرماه نوشتید که "برنامه‌ای که تنها بریده‌ای از این یا آن برنامه موجود در جنبش کمونیستی جهانی باشد و فاقد هرگونه تحلیل عینی از جامعه بعنوان میانی تحلیلی خود، تنها بر اساس کلی گوئی‌های رایج تدوین شود مسلم است

که نمیتواند تشکیلات را ارتقا دهد و تبدیل به اراده شود... طرح برنامه ما بجای میانی تحلیلی خود در بسیاری موارد اتوریته لنین و سوسیال دمکراسی را جایگزین کرده است... این شیوه ارائه برنامه و تدوین ثنوری انقلابی نه تنها نمیتواند خلافتی را دامن



اپورتونیسیم...

بزند بلکه سیرا ارتقا جنیش که هیچ تدکیلات نیز میگردد" حال چگونه است

پس از این مدت مجددا تمام مواضع و مطالب نشریات سازمان را مواضع خود اعلام میکنید و مینویسید: "بر اساس مواضع تاکنونی سازمان حرکت خواهد نمود" یا "با حفظ مواضع تاکنونی خویش" (همان اطلاعیه)

ما قسم حضرت عباس شما را باور کنیم یا دم خروس را؟

به اینکه برنامه سازمان را سد راه جنیش که هیچ سد راه تدکیلات میدانید را باور کنیم یا اینکه مواضع شما مواضع منتشره در نشریات سازمان است؟

اشما اپورتونیسیتها

در جای دیگری اعلام می کنید که: "...

اتحاد عمل انقلابی با تمام نیروهای

مبارز و انقلابی علیه رژیم ارتجاعی

جمهوری اسلامی را یک ضرورت حتمی و

قطعی تلقی کرده از هیچ کوششی برای

دستیابی به این اتحادها بر بنیان

اصل اساسی برنامه حداقل پرولتاریای

ایران یعنی نرم شکستن ماشین ارتجاعی

پروورکراتیک حاکم و جایگزینی آن با

ارگانهای اقتدار توده ای دریغ نخواهیم

ورزید." (نقل از اطلاعیه بهمن ۶۴ -

تأکید از ماست)

آیا شما از تمام کسانی که تحت

ستم نظام حاکم واقع شده اند و شامل

سلطنت طلبان و راه کارگری ها و توده ایها

و ... میباشد میخواهید ماشین دولتی

را داغان کنند این تناقض را چگونه

حل خواهید کرد؟ آیا خواسته و منافع

این گروهها توان آنها را اینگونه

ارزیابی میکنید و از آنها چنین انتظار

دارید که در جبهه شما متشکل شده و

ماشین دولتی را نابود کنند. نه آقا یا

رونویسی را باید کنار بگذارید، این

بند در برنامه حداقل سازمان آمده

است و درست و بجا و بر پایه تحلیلی،

مبنای ائتلاف و اتحاد با دیگر گروهها

قرار گرفته است.

در طرح برنامه سازمان آمده است:

"سازمان ... در راه مبارزه بغاطس

مطالبات فوق الذکر از هر جنبش انقلابی

که مخالف سیستم اجتماعی و سیاسی

موجود ایران باشد پشتیبانی میداند."

تحلیلی جدا از تحلیل

شما و ترکی جدا از ترکی شما، بارها

در نشریات سازمان این ترکی و این

تحلیل بیان گردیده است و گفته شده

است که طبقه کارگر اهداف مشخص طبقاتی

در انقلاب ایران دارد و عملا با نیروهای

طبقاتی مشخص نیز ائتلاف انجام میدهد و

با نیروهای اجتماعی معینی نیز وارد

چنین ائتلاف هائی میگردد.

"حزب کارگر سوسیال دمکرات روسیه در

کوشش برای دستیابی به هدفهای نسوری

خود از همه جنبشهای اپوزیسیون بسا

انقلابی علیه نظم اجتماعی و سیاسی

موجود در روسیه پشتیبانی میکند، در عین

حال، تمام طرحهای رفرمیستی را که

درصد گسترش یا تقویت قیمومت پلیسی

یا پروورکراتیک بر طبقات زحمتکش

باشند، قاطعانه رد میکند."

(کتاب قطعاتها و تصمیحات حزب کارگر

سوسیال دمکرات روسیه - تأکید از ما)

طبقه کارگر

بر علیه موجودی عینی طبقه معین که از

منافع طبقه معین و نظام مشخص پاسداری

میکند مبارزه میکند و آن همانا

بورژوازی و نظام سرمایه داری ایران

است که دقیقا بر یک موجود عینی یعنی

ماشین دولتی سرمایه داری سوار گشته

است و هدف طبقه کارگر در پیوند بسا

نیروهای اجتماعی معینی نرم شکستن

چنین ماشین و مبارزه علیه چنین

نیرویی است بدینگونه است که برای او

نه تنها ائتلاف مضمون روشن و مشخص

دارد و کلی نیست بلکه نیروهای تشکیل

دهنده آن متشکل زمینی و موقعیست

اجتماعی - اقتصادی معینی دارند و

"کسانی که تحت ستم نظام حاکم قرار

گرفته اند" بطور کلی جیرا نمیتوانند در

درون چنین ائتلافی قرار گیرند. شما

آقایان بهتر است نسبت به تدوین ثغوری

انقلاب جداگانه اقدام کنید و از بریده

این یا آن مقاله و برنامه استفاده

نکنید. بندهند برنامه سازمان و مبنای

اصول وحدت و ائتلاف بر خلاف نظر شما بر

تحلیل عینی از جامعه استوار گشته است

و شما بدون در نظر گرفتن تحلیل آن

نمیتوانید از آنها استفاده کنید و

مطمئنا در صورت استفاده مانند این

اطلاعیه بچار تناقض و سردرگمی خواهید

عد از یکطرف از "تمام کسانی که تحت

ستم نظام حاکم" هستند میخواهید بر

علیه رژیم جمهوری اسلامی متحد شوند
از طرف دیگر توان آنها را تا حد
ناپودی ماشین دولتی بورژوازی ارتقا
میدهد خلاصه اینکه وضع سلطنت طلبان
و راه کارگری ها و توده ایها و ... را
و بطور کلی کسانی که تحت ستم نظام
حاکم هستند را لطفا مشخص کنید تا
بدانند آیا میتوانند در جبهه شما
شرکت کنند یا نه و کدام قسمت نوشته
شما را باور کنند دعوت شما را یا
قطعه ای که از برنامه سازمان به عاریت
گرفته اید لطفا آنها را اقل از سردرگمی
نجات دهید. ما قبلا از شما تفکر میکنیم.
ما نوشته خود را با نقل قولی
از نامه مارکس و انگلس به بیسل و
دیگران به پایان می رسانیم:

"به دلخواه میتوان میانجیگری کرده
ائتلاف نمود و نودوستی پیشه کرد. در
مورد مبارزه طبقاتی بین پرولتاریا
و بورژوازی نیز به همین - بر روی
کاغذ، مبارزه طبقاتی تأیید میشود،
چون دیگر نمیتوان آنها نادیده گرفت.
در عمل اما، ماست مالی اش می کنند
در پرده ابهام فرو می برند و تضعیفش
می نمایند." (سپتامبر ۱۸۴۹)

بحران...

من سوال خواهد کرد. اگر دولت کمر
بوده خود را به نصف تقلیل دهد،
میزان بیکاری از بیست و یک درصد
تجاوز نخواهد کرد. شواهد تجربی
شکست اقتصادی (مکتب عینکاگو) بسیار
است. در پایان سال ۱۹۷۵ میزان تورم
سالانه شیلی به ۳۴۱ درصد رسید که
بالاترین میزان تورم در سرتاسر جهان
بود. دو کشور دیگر آرژانتین با ۳۱۲٪
واروگوئه با ۲۸۱٪ اینها مالکسی
هستند با اقتصاد وابسته که الگوهای
اختناق سیاسی و "آزادی اقتصادی"
نسخه فریدمن را به اجرا درآورده اند
ولی حیرت انگیزترین نتیجه اجرای
سیاستهای اقتصادی فریدمن که در عیلسی
به مرحله اجرا گذاشته شد. افزایش
سریع بیکاری بوده است طبق آمار
صندوق بین المللی پول در پایان سال
۱۹۷۵ بیکاری در پایتخت شیلی به
۲۸۷٪ رسید (قبل از کودتا در عیلسی
۳۲٪ بوده) و در دیگر نقاط بیس
از ۲۲٪ بوده است.
خلاصه کنیم: اقتصاد مختلط دولتی
بقره در صفحه ۱۱



اطلاعیه شماره ۵ کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان

و موضوعگیری اتحادیه میهنی کردستان

کارگران و زحمتکشان سراسرایران!

سازمانهای انقلابی و مترقی!

در بی شوطه خاشانه باند شیکار معظی مدنی - حماد شیبانی علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، و حمله مسلحانه این دار دسته به مرکز فرستنده صدای فدایی که در اثر مقاومت قهرمانانه رفقای مستقر در مرکز رادیویی سازمان با شکست مفتضحانه‌ای روبرو گردید، تمام سازمانها و گروههایی که هریک بنحوی از انحاء مستقیم و غیر مستقیم در این ماجرا دست داشتند، تلاش نمودند با سازماندهی یک تبلیغات همه جانبه علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، بر شوطه خاشانه این باند سرپوش بگذارند.

چه جای تعجب است وقتی که سازمان مجاهدین خلق، حزب دمکرات کردستان ایران، راه کارگر و سازمانهایی امثال کومله و اشرف دهقانی، و خلاصه کلام همه نمایندگان و عوامل رنگارنگ بورژوازی در یک جبهه واحد علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران متحد میشوند و مشترکاً علیه سازمان موضع میگیرند. این جبهه واحد چه چیزی جز رعب و هراس بورژوازی زلفیه کارگر ایران و دشمنی بی حد و حصر آنها با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نشان میدهد؟ اگر جز این بود تعجب آور بود اما همانگونه که در گذشته تلاشهای مایوسانه تمامی این سازمانها و گروهها نقش بر آب شده است، این بار نیز چیزی جز رسوایی بیشتر عاید آنها نخواهد شد، چرا که ماهیت طبقاتی این سازمانها و عملکرد سیاستهای آنها بر رویه‌های مردم ایران کاملاً فاش و برملا گشته است و هر چه آنها برداشته فعالیتها و تبلیغات فدایی خود بیافزایند، خود را در میان توده‌های مردم ایران بیشتر رسوا و مفتضح می‌سازند.

در این میان، و در هنگام کارزار تبلیغاتی گروههای فوق الذکر علیه سازمان، اخیراً کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی کردستان با جعل و تحریف تمام حقایق مربوط به حمله مسلحانه دار دسته مدنی - شیبانی دست به انتشار اطلاعیه‌ای علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران زده و طی آن تلاش نموده است با تیرش توطئه‌گران ارتحویل آنها به سازمان سر باز زند.

موضعی که کمیسیون اتحادیه میهنی کردستان اتخاذ نموده است آشکارا نشانگر تحریف نموده است تا حتی با ایجاد و مدارک جمع آوری شده توسط خود این کمیسیون که بعضاً بر روی نوار ضبط شده است در شناقش آشکار قرار دارد. این سیاست اتحادیه میهنی از همان نخستین روز درگیری هنگامیکه پس از شکست توطئه‌گران، پیشمرگان اتحادیه میهنی به مرکز فرستنده رادیویی سازمان وارد شدند و مانع پخش برنامه‌های رادیویی سازمان گردیدند و معظی مدنی را که بعنوان طراح اصلی توطئه در بازداشت رفقای ما قرار داشت، با خود بردند، کاملاً آشکار بود، اما برخلاف موضعگیری کمیسیون اتحادیه میهنی، حتی با استناد به اظهارات خود توطئه‌گران که بر روی نوار ضبط شده است، کاملاً سنج میگردد که توطئه خاشانه حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان بر طبق یک نقشه از پیش طرحریزی شده، در روز چهارم بهمن ماه مرحله اجرا درآمده است.

دلایل و شواهد موجود نشان میدهد که باند توطئه‌گر معظی مدنی - حماد شیبانی پیش از اجرای توطئه مسلحانه خود، مخفیانه دست به تشکیل ارگان غیر تشکیلاتی بنام "شورای عالی سازمان" زده و سپس از طریق عوامل خود در کمیته کردستان سازمان، طرح تسخیر مرکز رادیویی سازمان را در دستور کار خود قرار دادند. طبق گزارش رفقای کمیته کردستان از صبح روز چهارم بهمن ماه عوامل توطئه‌گر این باند ضد تشکیلاتی در تشکیلات کردستان، خود را از جهت نظامی کاملاً آماده و مجهز نموده بودند. توطئه‌گران سلاحهای خود را تمیز کرده و روغن کاری نموده بودند. تمام خنایهای خود را بر از فشنگ نموده و علاوه بر این مقادیری خناب و فشنگ و نارنجک افغانی نیز با خود برداشته بودند. برخی افراد، سلاح سازمانی خود را تمویج نموده، همگی به کلاشینکف مسلح شده بودند و یک قبضه مسلسل آر.پی.کا نیز با خود حمل میکردند. توطئه‌گران سلاحهای رفقای را که مخالف این اقدام خاشانه بودند، با ریختن خاک و برداشتن سوزن از کار انداخته بودند و مهمتر از همه لحظاتی قبل از برقراری تماس ثابت بی سیم بین مقر کمیته کردستان و مرکز رادیویی سازمان بی سیم را قطع و سیم مخصوص آنها بریده و سوزاندند. تا در موعد مقرر تماس بی سیم برقرار نشود، حتی خود توطئه‌گران در جریان تحقیق کمیسیون اتحادیه میهنی ناگزیر شدند، به بسیاری از این واقعهها از جمله قطع بی سیم اعتراف کنند.

علاوه بر یکی از افراد این باند توطئه‌گر عمر روز سوم بهمن ماه به مقر اشرف دهقانی که یکی از مراکز فعالیت این باند علیه سازمان بوده است، مراجعه میکنند، و با مادر صلاحیها که در این مقر اسکان داشته است قرار رفتن به مقر کمیته کردستان را برای روز بعد میگذارد. همین فرد صبح روز چهارم بهمن به همراه یکی دیگر از افراد این دارو دسته که از مقر رادیو ناپدید شده بود به شهرک سیم راه مقر رادیو و مقر کمیته کردستان رفت و طبق قرار از پیش تعیین شده به همراه مادر صلاحیها توسط عباس مسئول قبلی کمیته کردستان که در روز دوم بهمن ماه بعلمت فعالیتهای ضد تشکیلاتی از مسئولیت و عضویت در کمیته عزل شده بود، به مقر کمیته کردستان برده می‌شوند.



بردن این افراد بویژه آوردن مادر سلاهی‌ها از مقر اشرف‌دهقانی به مقر کمیته کردستان سازمان بمنظور قریب و شهبیح بیشترگان مخالف این عمل توطئه‌گرا نه صورت گرفت تا تعداد هرچه بیشتری از بیشترگان را بسیج کنند. توطئه‌گران سرانجام پس از فرارسیدن ساعت شماسی سیم مخصوص بی سیم را میوزانند و سپس با دو دستگاه لند کسرور که از پیش آماده کرده بودند بسوی مرکز فرستنده رادیوئی سازمان حرکت میکنند.

حماد شیبانی یکی از سران طرح توطئه حمله به مقر رادیو که روز قبل از واقعه بدلیل فعالیت‌های ضد تشکیلاتی و تلاش در جهت بسیج نظامی علیه سازمان اخراج شده بود و در محل روابط عمومی سر میرسد. پس از شماس با یکی از افسران حزب دمکرات بنام بهرام کسسه ظاهراً برای گرفتن نشریه جهان اما در واقع جهت شماس با او به مقر رادیو آمده بود، به همراه وی عازم روستای نزدیک مقر میگردد و در انتظار رسیدن افراد مسلح میماند. همزمان یکی دیگر از عناصر وابسته به این باند با اسلحه خود از مقر رادیو فرار کرده و در روستا به وی می پیوندد. حماد شیبانی در یکی از منازل روستا مخفی شده و به فردی که همزمان با وی از مقر فرار کرده بود و در روستا به او پیوسته بود (بر طبق احترافات خود آنها که بر روی نوار ضبط شده است) میگوید که رسیدن دارو دسته را که از مقر کمیته کردستان به سوی مقر رادیو در حرکت بودند به وی اطلاع دهد. در این حین، دوشن از بیشترگان سناهای محمود و حمید که زودتر از دیگران به روستا میرسند، با حماد شیبانی صحبت میکنند. او در محبت‌های خود به محمود و حمید میگوید که: "شورای عالی سازمان تشکیل شده است. باید مقر رادیو تسخیر شود و دوشن از اعضاء کمیته مرکزی که در مرکز فرستنده رادیوئی سازمان مستقر هستند، زنده دستگیر شوند." این دو به حماد میگویند که آنها راهمراهی نمیکنند و سپس به طرف مقر رادیو حرکت میکنند. همین گزارش مکالمات شفاهی بین حماد شیبانی و محمود و حمید توسط محمود که پس از این واقعه به کومه‌له پیوسته است، کتبا در اختیار یکی از اعضاء ناظر کمیسیون اتحادیه میهنی کومه‌له قرار داده شده و نزد سازمان نیز موجود است. اما کومه‌له بنا بر ماهیت طبقاتی و از روی حس و هراس در موضعگیری خود از علنی کردن این مسئله خودداری نموده است.

اما همزمان با حرکت توطئه‌گران از مقر کمیته کردستان به مقر رادیو، رفقای کمیته کردستان سربماً بی سیم را ترمیم میکنند، و با مرکز فرستنده رادیوئی سازمان شماس میگیرند و حرکت توطئه‌گران را بسوی مقر رادیو اطلاع میدهند. رفقای مستقر در مرکز رادیوئی سازمان تدابیر دفاعی لازم را بعمل میآورند و به رفقای که در روابط عمومی مستقر شده بودند دستور اکید داده میشود که هیچکس مسلحانه حق ورود به محوطه ایستگاه رادیوئی را ندارد و اگر افرادی که عازم مقر رادیو هستند قصد ورود به محوطه ایستگاه رادیوئی را داشتند باید اسلحه خود را در روابط عمومی تحویل دهند و بدون اسلحه وارد مقر شوند. نزدیک ساعت ۳ بعد از ظهر دارو دسته مسلح توطئه‌گر به روستای مجاور مقر رادیو میرسند و پس از پیوستن حماد شیبانی و دو بیشترگر فراری از مقر رادیو به آنها، توطئه‌گران در فاصله بین روستا و مقر رادیو خارج از دید نگهبانان مقر پیاده میشوند و پیاده بسوی مقر حرکت میکنند. طرح اولیه توطئه‌گران این بود که رأس ساعت ۳ بعد از ظهر بی سروصدا وارد محوطه مرکز رادیوئی سازمان گردند. انتخاب ساعت ۳ بعد از ظهر باین علت بود که همه روزه در این ساعت بطور معمول رفقای مرکز فرستنده رادیوئی در مقر عمومی جمع میشدند، توطئه‌گران قصد داشتند کلیه رفقای را که در مقر عمومی جمع بودند نافلگیر کنند و توطئه خائنانه خود را عملی سازند. اما با اطلاع رفقای مقر رادیو از آمدن توطئه‌گران این نقشه برهم خورده بود. دقیقاً قبل از ورود دارو دسته مسلح، حمید و محمود به محل روابط عمومی میرسند. در روابط عمومی رفیق کاوه از آنها میخواهد که چنانچه قصد ورود به مقر رادیو را دارند، اسلحه خود را تحویل دهند اما آنها از دادن اسلحه سرباز میزنند و باز میگردند. در بین راه به دارو دسته مسلح توطئه‌گر میرسند و ماقع را برای آنها توضیح میدهند. در این لحظه چند تن از افراد ورزیده این باند با آمادگی نظامی قبیل از همه خود را به روابط عمومی میرسانند. رفیق کاوه به آنها اطلاع میدهد که طبق دستور تشکیلات هیچکس مسلح حق ورود به مقر رادیو را ندارد و اگر قصد ورود به مقر را دارند، باید اسلحه خود را در روابط عمومی تحویل دهند. اما آنها در حالیکه آرایش نظامی بخود گرفته بودند، بدون توجه به اظهارهای کاوه بسوی مقر پیش میروند. کاوه مجدداً به آنها دستور توقف میدهد و یک رگبار هوایی شلیک میکند. در این لحظه قادر یکی از افراد مسلح وابسته به این باند که مدتی پیش ظاهراً از سازمان مجاهدین خلق جدا شده و به تشکیلات بیشترگر کمیته کردستان پیوسته بود، به قصد محبت با کاوه به وی نزدیک میشود و بر طبق گفته‌های خود او که بر روی نوار ضبط شده است، لوله اسلحه کاوه را در دست میگیرد و همزمان با او فرد دیگری بنام مسعود که در کنار قادر بوده است کاوه را به رگبار می بندد. طبق گفته همین فرد یعنی مسعود که بر روی نوار ضبط شده است کاوه حتی یک تیر نیز بسوی توطئه‌گران شلیک نکرد بلکه مداوماً از آنها میخواهد که اسلحه خود را زمین بگذارند. بعضی اینکه جنایتکاران توطئه‌گر کاوه را رگبار می بندند، یکی از رفقا بنام اسکندر که دورتر از کاوه قرار داشته است بمقابل با توطئه‌گران سربمخیزد. که احتمالاً عباس یکی از افراد اصلی این باند در همین لحظات شلیک میرسد. یکی از جنایتکاران بنام فزاد که در نزدیکی اسکندر سنگر گرفته بود، او را به رگبار می بندد و همزمان با آن مسعود و قادر سیر بیکر رحمی کاوه و اسکندر را به رگبار می بندند که در این لحظه درگیری همه جاییه میشود و فی حدود سیم ساعت که درگیری ادامه داشت دوشن از توطئه‌گران کشته، چند تن از آنها رحمی و سینه باستانی به المی چهار نفر که خود وابست سنگها مخفی کرده بودند سنواری می شوند. در این هنگام بیشترگان اتحادیه میهنی کردستان وارد صحنه میشوند. توطئه‌گران را در روستای نزدیک مقر رادیو اسکان میدهند و با دخالت آشکار در امور داخلی سازمان، مانع از بخش برنامه رادیوئی سازمان میگردد.

تمام این حقایق و اسنادی که موجود است، از جمله گفته‌های خود توطئه‌گران، که در جریان تحقیق کمیسیون اتحادیه میهنی سروری نوار ضبط شده است، نشان دهنده این واقعیت است که کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی کردستان در اطلاعیه خود حقایق را وارونه نموده و کوشیده است چنین واضع کند که گویا توطئه‌گران قصد حمله مسلحانه به مرکز رادیوئی



سازمان و شخص مقرر رادیو رانداشته بلکه قصد نداشتند.

درباره بی پایه بودن این ادعای اتحادیه میهنی کردستان همین بس که گفته شود، فرصت طلبانی امثال راه کارگر که در کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی کردستان بعنوان ناظر حضور داشته‌اند علیرغم هم‌رأسی با اتحادیه میهنی کردستان در موضع گیری خود می نویسند :

" شهادت بیانگر این است که گلاله ایها (منظور توطئه‌گران است) گرچه قصد اقدام نظامی نداشتند ولی تصمیم گرفته بودند که بپوشیده شده و وارد مقرر رادیو شوند و حاضر به شن دادن به دستورات گاو و یا کس دیگری از جناح نوکسل نبوده‌اند. نحوه بالا رفتن آنها که چند بیشتر که ورزیده جلو می افتند نمایش قدرتی بوده برای طرف مقابل ، علاوه بر این وقتی گاو آنها را از وارد شدن منع می نماید به گفته‌های او توجهی نمی کنند." یکی از جنایتکاران بنام مسعود که گاو را برگیار می بندد، در صحبت‌های خود که بر روی نوار ضبط شده است اعتراف میکند که بهیچوجه حاضر نبوده است اسلحه خود را در روابط عمومی تحویل دهد. اما با تمام این شواهد و دلائل، کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی مدعی است که " تحقیق و بررسی و همه اسناد و مدارک این واقعه را روشن و آشکار میسازد که شبهه آمدن کاک حماد - شیبانی و همراهانش به مقرر که آقای توکل و رفقایش در حالیکه کاک مصطفی مدنی هم در آن لحظه در آن مقرر حضور داشته بطرف بستن منشن و اعتماد بوده و بهیچ عنوان قصد حمله به این مقرر رانداشته و چنین فکری هرگز به خیالشان هم خطور نکرده است. " این ادعای کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی حتی با صحبت‌های حماد شیبانی که بر روی نوار ضبط شده است، در تناقض قرار دارد. حماد شیبانی آشکارا به مسئله شنخیر مرکز فرستنده رادیوئی اعتراف میکند. او هنگامیکه چگونگی فرار را از صحنه درگیری و تلاش را برای کمک گرفتن از پیشمرگان اتحادیه میهنی و اشرف دهفانی توضیح میدهد، میگوید: " من رفتم بپرف مقرر رفقای چریک ... من رفتم مقرر و رفیق " ت " را دیدم . رفیق " ت " را گفتم که بچه‌ها اینجوری بوده‌اند، نمیدانم یا بچه‌ها کشته شده‌اند یا توانسته‌اند شنخیر بکنند مقرر را. با این همه چیزهایی که پیش آمده هیچ خبر ندارم ."

سوی این اعترافات و دلائل فوق الذکر که همگی علیه موضع گیری اتحادیه میهنی است ، هر انسان اندک آگاه و باشعوری میدانند که در یک تشکیلات کمونیستی چیزی بنام بستن منشن هرگز وجود نداشته و نخواهد داشت و این اولین باری است که ساند توطئه‌گر شیبانی - مدنی و کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی ، بستن منشن را اختراع میکنند .

برای هر انسانی که بخواهد منعطفانه قضاوت کند علاوه بر آنچه که گفته شد این سئوالات طرح میشود که اگر این افراد به فرض قصد نداشتند چرا مرکز رادیوئی سازمان را برای بستن منشنی انتخاب کرده‌اند؟ چرا قبل از عزیمت خود بسوی مرکز فرستنده رادیوئی سازمان هیچگونه اطلاعی به رفقای مستقر در این مرکز نداده‌اند؟ چرا قبل از عزیمت خود بسیم را از کار انداخته‌اند؟ چرا سلاحهای خود را کاملاً آماده کرده ، فشنگ و خشاب اضافی برداشته‌اند؟ چرا مسلسل آر. پی. گا یا خود حمل میکردند؟ چرا سلاحهای رفقای مستقر در مرکز میته کردستان را از کار میانداختند؟ چرا هنگامیکه به محل روابط عمومی مرکز فرستنده رادیوئی سازمان میرسند و به آنها اطلاع داده میشود که هرکس قصد وزود به مقرر رادیو را دارد باید سلاح خود را در روابط عمومی تحویل دهد، از پذیرش این دستور تشکیلاتی سرباز میزنند؟ چرا گاو را برگیار می بندند؟ و دهها سئوال دیگر ، همه این حقایق پوچ بودن ادعای اتحادیه میهنی را مبنی بر بستن منشنی نشان میدهد.

علاوه بر این کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی موضع جانبدارانه خود را نسبت به توطئه‌گران در موارد متعدد نشان داده - است .

کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی کردستان طی تمام تحقیقات خود هیچگونه تحقیقی از رفقای مستقر در مقرر کمیته کردستان که توطئه‌گران در آنجا تدارک نظامی دیدند، بعمل نیاورد.

کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی مسئله یافتن افراد مجهول الهویتی را که در لحظه درگیری از جاده روبروی مقرر بسا است، قنایه بسوی رفقای مستقر در مرکز رادیوئی سازمان تلیک میکردند و سپس بایک لند کروزر سفید رنگ فرار کردند مسکرت گذاشت .

کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی هیچگونه تحقیقی از محمود که اطلاعات خود را در مورد این توطئه به نماینده کومه‌له در کمیسیون اتحادیه میهنی ارائه داد بعمل نیاورد.

وبالاخره کمیسیون تحقیق وقتیکه متوجه میشود سناقتات و مسائل عنوان شده از سوی افراد باند توطئه‌گر افشاگر سازی از واقعات است ، کفایت کار تحقیق را اعلام میکند.

جانبداری اتحادیه میهنی از توطئه‌گران تنها محدود به تعریف واقعات فوق الذکر بنفع آنها نمیشود .

اتحادیه میهنی از همان اولین روز درگیری با قطع برنامه رادیو و پناه دادن به رهبر اصلی این باند یعنی مصطفی - مدنی که در سازمانت رفقای ما بسر میبرد و سراز آن آوردن عنصری از این باند در روز هفتم بهمن بسای تماس بسا رفقای ما در خارج از کشور و معرفی نمودن او بجای رفیق مسئول بسیم در حضور نماینده اتحادیه میهنی ، انتقال توطئه‌گران در روز نهم بهمن ماه به مقرر رادیو که خود علیرغم توطئه مسلحانه نتوانسته بودند به مقرر رادیو وارد شود . بکار گرفتن امکانات انتشاراتی سازمان در روز دهم بهمن و در جریان تحقیق کمیسیون جهت چاپ اطلاعیه‌های آنها که تاریخ ۴ و ۷ بهمن را داشت و علیرغم آنکه قرار بر این بود که در جریان تحقیقات استفاده از کلیه امکانات متوقف گردد و ... تنها گوشه‌دانی از این حمایت همه جانبه اتحادیه میهنی بوده است که مشروح آن بعداً به آگاهی عموم مردم ایران خواهد رسید .

اما اتحادیه میهنی کردستان به تعریف واقعات مربوط به رویداد ۴ بهمن ماه اکتفا نکرده بلکه مدعی شده است که



اطلاعیه شماره ۶ کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان و دخالت آشکار اتحادیه میهنی کردستان در امور داخلی سازمان

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

سازمانهای انقلابی و مترقی!

پس از شکست مفتاحانه طرح توطئه گرانه باندها و پانکها و مصطفی مدنی - حامد شیپانی بمنظور تصرف مرکز فرستنده رادیویی فدای فدایی و آشکار شدن مدخله برخی سازمانهای سیاسی در این ماجرا، هر روز که میگذرد حقایق بیشتری پیرامون این مسئله فاش و برملا میگردد.

اتحادیه میهنی کردستان که روز چهارم بهمن ماه پس از شکست حمله مسلحانه توطئه گران، با دخالت خودسرانه در امور داخلی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، مرکز فرستنده رادیویی سازمان را تصرف خود در آورده مانع از پخش برنامه های رادیویی سازمان گردیده، امکانات رادیویی، مخابراتی، انتشاراتی و تسلیحاتی سازمان را در اختیار خود گرفت و با تشکیل کمیسیون خاص خود موضع جانبدارانه ای را از این باند آشکار ساخت، اکنون مستقیماً سیاست دخالت آشکار در امور داخلی سازمان را در پیش گرفته است.

اتحادیه میهنی کردستان که در اطلاعیه خود اعلام کرده بود هدف او "متوقف کردن کشت و کشتار بوده و تمینخواست" بیشتن از این نقش دیگری بر عهده خویش بگیرد. روز ۲۶ بهمن ماه پیشمرگان خود را به مقر کمیته کردستان در منطقه گلانه اعزام نموده و با زور اسلحه امکانات سازمان را ضبط مینماید. همچنین روز نهم اسفندماه به همراه ناظرین کمیسیون تحقیق اشرافه رفقای مستقر در مرکز رادیویی سازمان مراجعه نموده و اعلام میدارد که دفتر سیاسی اتحادیه میهنی تصمیم گرفته است. امکانات و اموال سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را که به تصرف خود در آورده است تقسیم کند. این تصمیم اتحادیه میهنی کردستان دیگر بر هیچکس شک و شبهه ای باقی نمیگذارد که اقدامات اتحادیه میهنی از همان آغاز، دخالت مستقیم در امور داخلی سازمان بوده و با اهداف مشخصی صورت گرفته است. این تصمیم همچنین ماهیت رسوای همه سازمانهای ایرانی را که در کمیسیون اتحادیه میهنی بعنوان ناظر حضور یافتند فاش و برملا مینماید و نقش آنها را در این ماجرا روشن می نماید.

آنها دخالتی عسکی تر و آشکارتر از این ممکن است که نمابند. اتحادیه میهنی کردستان و نمایندگان گروهی سیاسی "ناظر" در کمیسیون او اعلام کنند که ما قصد داریم، اموال و امکانات رادیویی، مخابراتی، تسلیحاتی، و انتشاراتی - سازمان را در کردستان تقسیم کنیم؟ هر انسانی که اندکی آگاهی داشته باشد، بخوبی میداند که این تصمیم چیزی جز دخالت عسکی و آشکار در امور داخلی سازمان نبوده و نیست.

از اینرو نماینده سازمان در این اجلاس چنین اقدامی را از سوی اتحادیه میهنی دخالت آشکار در امور سازمان اعلام میکشند، بعنوان اعتراض جلسه را ترک میگوید و طی نامه ای بتاریخ ۶۴/۱۲/۹ به دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان به یاری دیگر این تصمیم را قویاً محکوم مینماید. در بختی از این نامه گفته میشود: "در پی تصمیم اتحادیه میهنی کردستان مبنی بر تقسیم امکانات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (فرستنده های رادیویی، امکانات انتشاراتی، تسلیحات) که از نظر ما دخالت آشکار اتحادیه میهنی کردستان و جریانات شوکت گننده در کمیسیون در امور داخلی سازمان ما محسوب میشود، من بعنوان نماینده کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در اعتراض به این تصمیم اتحادیه میهنی کردستان و کمیسیون جلسه ۹ اسفند ۶۴ را ترک نمودم و از آنجا که تقسیم امکانات سازمان بیپسوجه مورد پذیرش ما نبوده است، ما زیر بار این دخالت شکنج در امور تشکیلاتی خود نخواهیم رفت." اتحادیه میهنی کردستان و نمایندگان گروههای ناظر کمیسیون آن هنگامی که در میابند سازمان چریکهای فدایی خلق ایران هیچگاه باین سنگ تن نخواهد داد که بخشی از امکانات سازمان را که حامل دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران است در اختیار بوزو و بازی و عوامل آن قرار بگیرد. ظاهراً عقب نشینی میکنند و چند روز بعد نماینده اتحادیه میهنی اعلام مینماید که ما از تقسیم خود مبنی بر تقسیم امکانات سازمان منصرف شده ایم، و فعلاً آزاد اختیار غسود نگه میداریم. اما بمنظور پیشبرد سیاست و اهداف خود بر شدت تضییقات و فشار نسبت به رفقای مستقر در مقر رادیو می افزاید، و در همان حال بخشی از امکانات انتشاراتی سازمان را در اختیار مینماید. حاشا مدنی - شیپانی قرار میدهند و طی نامه ای به سازمان اعلام میدارند که ما این امکانات را به رسم امانت در اختیار آنها قرار داده ایم.

زنده باد سوسیالیسم



اطلاعیه

خوب توجه کنید! اتحادیه میهنی کردستان که در اطلاعیه خود از مهر و لاک کردن امکانات سازمان سخن گفته بود، اکنون امکانات سازمان را "به رسم امانت" در اختیار این باند خائن و جنایتکار قرار میدهد. اتحادیه میهنی کردستان در ادامه سیاست خود، در برابر اعتراض رفقای ما به این اقدامات به زور و فشارهای گوناگون متوسل میشود تا رفقای ما را در کردستان مجبور کند مقرهای خود را ترک نمایند.

اکنون ما اعلام بیداریم که اتحادیه میهنی کردستان، نه فقط مانع فعالیت سیاسی سازمان در منطقه علیه جمهوری اسلامی شده است بلکه امکاناتی را که روز چهارم بهمن ماه به تصرف خود درآورده است شامل امکانات رادیویی، مخبرانش، تسلیحاتی و انتشاراتی سازمان را معادل حدود ۱۰ میلیون تومان که حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران است همچنان در اختیار خود داشته و در تاریخ ۲۶ اسفندماه ۶۲ به دفتر سیاسی اتحادیه میهنی منتقل نموده است.

ما تاکنون تنها با این علت که مقابله جدی با این سیاستهای اتحادیه میهنی، مورد بهره برداری میربائسیم و ارتجاع قسور را تکمیرد و به جنبش خلق کرد لطفاً وارد نیاید، نسبت به تمام سیاستهای اتحادیه میهنی کردستان خویشتن داری نشان داده ایم. ما مسئولیت تمام عواقب بعدی ناشی از این سیاست را از هم اکنون برعهده اتحادیه میهنی کردستان قرار میدهیم.

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۲۳ اسفند ۱۳۴۲



و بهمین مناسبت افزایش نرخ استثمار اجباری است. و تنها با نشان دادن این امر میتوانیم نشان نعیم چگونه مبارزه طبقاتی در مسیر خود به مبارزه سیاسی درباره خود نظام سرمایه داری برمیگردد. پس زنده باد سوسیالیسم.

XXXXXXXXXX

بحران ...

و خصوصی از نظر بنیادی تضادهای نظام سرمایه داری سنتی را تغییر نینهد. تضادها فقط خود را به شکلهای جدید نشان میدهند. بدین ترتیب که پیوسته دولت برای "نجات" اقتصاد خصوصی "ادار" به مداخله در اقتصاد میگردد با این همه، مسئله به علت ماهیت متضاد این مداخله، پیچیده تر و وخیم تر گشته است. وضع طوری است که هم انقباض و هم انبساط بخش دولتی موجب بروز مشکلاتی میگردد. يك انقباض به بیکاری شدید و يك گسترش به افزایش تورم در هر دو حال رکود و تورم به صفت عمومی اقتصاد کشور تبدیل شده است.

تنها در نرون چنین قالبی میتوان به فهم مسئله و سیاستهای ظاهرآ متضاد دو جناح پی برد. سیاستهایی که تنها بیان تازه ای از تضادهای درونی سرمایه داری مانند رکود، تورم، افزایش بیکاری، سیاست درآمدها، کاهش هزینه های رفاه است. به دیگر سخن هجوم علیه طبقه کارگر، تنها پاسخ سیاسی و اقتصادی سرمایه داری است.



ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

را بخوانید



بحران ...

می پردازد. اما نه ماهیت سرمایه داری تغییر کرده است (زیرا سرمایه داری نمی تواند جز با استثمار نیروی کار توسط سرمایه تومیف گردد) و نه منطق آن (یعنی تقاضائی که بر آن حاکم است زیرا بیکاری ها مبریا لیسیم و بحران ها همواره تظاهر نموده اند) لکن شدت هر يك از این تضادها تغییر نموده است: بحرانها و بیکاری نسبت به قبل از جنگ جهانی دوم خفیفتر گشته اما از طرفی دیگر اشکال جدیدی از تضادها در حال ظهور بوده اند: از جمله وجود تورمی دائمی - که حتی در طول دوره هلی کسادی نیز ادامه مییابد - و بحران سیستم بین المللی پول (سیستم پولی بین المللی) و غیره .

دولتها ی سرمایه داری همواره در هنگام بروز بحران نسبت به اقداماتی در جهت تعدیل آن بمنظور کاهش فشار بر سرمایه و حفظ ماعین دولتی پاسدار آن و نیز به منظور تخفیف زمیندهائی که در اثر تداوم بحران برآمدهای توده ای را ممکن گردانیده و از این طریق حیات جامعه سرمایه داری را تهدید میکند به اتخاذ سیاستهای مختلف سیاسی مبارزت میوززند ما در اینجا به سیاست اقتصادی تعدیل بحران که برای اولین بار بعنوان طرح نوین اقتصادی ایالات متحده (NEW DEAL) نیودیل (روزولت) در سال ۱۹۳۳ بمورد اجرا درآمد اشاره میکنیم . این طرح که معروف به دخالتهای اقتصادی دولت در جهت خروج از بحران است در ابتدا شامل برنامه های آبادانی دولت (ساختن راه هسله شهر سد و سیستم آبیاری و غیره) بود بودجه این طرح از طریق استقراض دولت از بانک مرکزی و به این ترتیب ایجاد يك کسر بودجه دولتی تحقق یافت . این دخالت اقتصادی دولت نقش بسزائی در خروج ایالات متحده از بحران معروف ۱۹۲۹ داشت .

جان مینارد کینز اقتصاد دان انگلیسی که از این سیاست دفاع مینمود قادر به توجیه تئوریک این سیاست

و متقاعد کردن دولت انگلیس نکست چرا که تا آن زمان تئوری اقتصادی بورژوازی حاکم تنها راه خروج از بحران را کاهش میزان دستمزدها و کمک معاش بیکاری میدانست و معتقد بود که " اگر موانعی در راه کاهش دستمزدها ایجاد نگردد (منظور سندیکاهای کارگری) و اگر میزان کمک معاش بیکاری تا این حد بالا نباشد " دستمزدها آنقدر کاهش خواهد یافت که کارفرما - یان تشویق به استخدام کارگران جدید خواهند شد و بدین ترتیب مرحله رونق از سر گرفته خواهد شد و بیکاری بتدریج از میان خواهد رفت . بنا براین تئوری سندیکاهای کارگری را بمنزله چوبی تلقی مینمود که مانع گسستن طبیعی چرخهای سیستم میشود اتخاذ يك سیاست ضد سندیکائی را به دولت پیشنهاد میکرد . سرانجام کینز بسارد نظرات آدام اسمیت (نظریه عدم مداخله) و ریه (قانون سه) که قبل از وی توسط مارکس به نقد کشیده شده و نادرستیها را ثابت کرده بوده نظریه خود را در سال ۱۹۳۵ با انتشار کتاب خود " تئوری عمومی کار، بهره و پول " اعلام نمود . کینز با رنگ تئوریک که سیاست دخالت اقتصادی دولت از طریق افزایش بودجه های آبادانی داد و تا مین این بودجه میباید از طریق استقراض و ایجاد يك کسر بودجه انجام میگرفت . کینز اظهار میدارده فرض کنیم که خواست اقتصاددانان کلاسیک تحقق یابد و دستمزدها تا حدی کاهش یابد که کارفرمایان تشویق به سرمایه گذاری شوند و همگی آنها مجموعاً به تولید مثلاً ۱۰۰ واحد کالای اضافه بپردازنده و بفرض قیمت هر کالای اضافی ۱۰ تومان باشد، یعنی جمعا ۱۰۰۰ تومان کالای اضافی تولید کنند ما بایستد ببینیم آیا تقاضای کل درست بمیزان ۱۰۰۰ تومان افزایش خواهد یافت یا کمتر ژان پاتیسسه اقتصاددان کلاسیک فرانسوی میگوید " عرضه تقاضای خود را می آفریند " چرا که اگر بفرض ۱۰۰۰ تومان کالا اضافه تولید کنیم بخشی از این ۱۰۰۰ تومان بصورت دستمزدها عاید کارگران و بخش دیگر بصورت سود عاید سرمایه داران میشود، یعنی درست معادل ۱۰۰۰ تومان تقاضا ایجاد میگردد . کینز میگوید نکته همین جاست در اوضاع

اقتصادی سالهای ۱۹۲۹ به بعد بعلمت گسترش موسسات اعتباری و بورسی و بوجود آمدن طبقات متوسط ، اگر جامعه ۱۰۰۰ تومان کالای اضافی تولید کند (منظور از کالا هم کالای مصرفی وهم کالای تولیدی است) ، تقاضای کل حاضر به خرید کمتر از ۱۰۰۰ تومان افزایش خواهد یافت . در اینجا منظور از تقاضای کل هم تقاضای کالاهای مصرفی از طرف کارگران و اقشار متوسط و هم تقاضای کالاهای مصرفی و تولیدی از جانب سرمایه داران است) این همان چیزی است که وی میگوید گرایشی نهائی به مصرف کمتر از يك است . یعنی اگر تولید کل جامعه بفرض يك تومان افزایش یابد تقاضای کل جامعه همواره کمتر از يك تومان افزایش یابد . مثلاً ۹ ریال یا ۸ ریال افزایش یابد . بنا براین کینز علت طولانی شدن بیخ از حد مرحله بحران سال ۱۹۲۹ را در این امر میبندد که گرایشی نهائی به مصرف کمتر از يك است . بدین جهت است که سرمایه داران با مشاهده عدم کفایت تقاضای حاضر بخريد باز تولید خود را کاهش میدهند ، و بدین ترتیب مرحله رونق از سر گرفته نشده و بحران ادامه مییابد . بنا براین وی توصیه میکند که دولت باید با دخالت خود این نقص سیستم را برطرف نماید، یعنی با کارهای عمرانی تقاضای کل جامعه را افزایش داده و آنرا بسطح تولید کل ، یعنی در مثالمان به يك برساند و بدین ترتیب شرایط خروج از بحران را فراهم کند و با دخالت مستمر خود مانع بوجود آمدن بحرانهای اضافه تولید شود . کینز میافزاید : برای فراهم کردن شرایط از سرگیری رونق میباید نرخ دستمزدها را ارتقا داد و این امر را باید نه بخاطر خود دستمزده بلکه بخاطر اینکه تحقق شود وابسته بفروش و بنا براین وابسته به تقاضا است . انجام داد تقاضائی که خود وابسته به عواملی چند از جمله دستمزدها است .

کینز که معتقد بود بحرانهای رکودی و تورمی ذاتی نظام سرمایه داری است برای جلوگیری یا تعدیل بحران خواستار دخالت فعال دولت در امور اقتصادی بود و میگفت دولت عمدتاً از دو

۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



بحران ...

طریق اولاً با تعیین سیاست مالی، یعنی افزایش میزان مالیاتها و کاهش هزینه های دولت ... ثانیاً از طریق تعیین سیاستهای پولی یعنی تاثیر بر امور اقتصادی از طریق کاهش حجم پول در گردش و کاهش نرخ بهره این نقش را ایفا نماید. علاوه بر این دولت برای مقابله با بحران باید از طریق پروژه های عمرانی و سرمایه گذاری کار ایجاد و از بیکاری جلوگیری کند. هدف ما از ذکر این مطالب تطبیق سیاستهای اقتصاد دولت جمهوری اسلامی با نظریات کینز است و ذکر این نکته لازم است که این نظریه فقط برای بحرانهای رکودی تا حدی مجرب است و در مقابله با بحرانهای رکودی - تورمی کارایی نخواهد داشت.

طبق این نظریه عامل اصلی بحران سرمایه داری در عدم تناسب لازم بین تولید و مصرف قرار دارد. نظریه های مصرف نامکنی به رغم شکلهای گوناگون خود دارای یک نقص مشترک مهمی می باشد بدین معنی که آنها رابطه حیاتی بین فرایند تولید و مصرف را از هم گسیخته و نومی را مستقل و بمنابا محدودیتی برای اولی در نظر میگیرند. بدین قرار خواه تکیه بر فقدان بازارهای غیر سرمایه داری (روزالوکزا میورک) یا "گرایش ذاتی برای گسترش قدرت تولید کالاهای مصرفی سریعتر از تقاضا برای آنها" (پل سویزی) یا فقدان "تقاضای موثر" که انگیزه سرمایه گذاری را کم میکند (جوان رابینسون و سایر کینزگراها یی) باشد.

تاکید بر مصرف نامکنی بمنابا عامل بحران همواره بین اقتصاددانان مارکسیست شرق و غرب نیز دارای هواداران پروریا قرضی بوده است. در شوروی وارگا، از جمله اقتصاددانانی است که بر مسئله فقر نسبی و مستمر کارگران در سرمایه داری که در دورهای بحران به فقر مطلق تحول می یابد تاکید می کند او می نویسد: "کاهش نسبی قدرت مصرف جامعه، مسئله بازار را به شکلی حادث مطرح می سازد، و بدین سان فروش کالاهای را تسوارتر میکند چون همانگونه که

لنین میگوید، در تحلیل نهائی همواره وسائل تولید در تولید وسائل مصرف بکار میرود. ... بیکار ماندن مزممن بخش بزرگی از دستگاه مولد، بیکاری توده های مزممن پایه اقتصادی بحران عمومی سرمایه داری را تشکیل میدهد." (وارگا - بحران بزرگ و پیامهای سیاسی در آن ۱۹۳۵)

در غرب نیز در سالهای اخیر باران و سویزی از جمله هواداران مشهور نظریه مصرف نامکنی بوده اند. آنها استدلال میکنند گرچه نتیجه گیری مارکس درباره سرمایه داری پویا و شکوفایی رقابتی که در زمان مارکس حاکم بود صحیح است. اما حال با سلطه سرمایه انحصاری که نظامی ایستا و متعادل به رکود است. همپایست نظریه تازه ای تدوین شود. کاری که آنها در سرمایه انحصاری معتقد به انجام آن میباشند.

تذ اصل سرمایه انحصاری شامل تکامل و گسترش نظریه های است که سویزی در نظریه تکامل سرمایه داری و باران در اقتصاد توسعه نیافتگی عنوان کرده بودند.

سویزی در کتاب نامبرده به استناد گفته های از کتاب سرمایه، بویژه با اشاره به این قطعه که "علت نهائی همه بحرانهای واقعی همیشه فقر و مصرف محدود توده های مردم است" می نویسد که مارکس در واقع خود به نظریه مصرف نامکنی گرایش داشته است. در صورتیکه مارکس خود به شدت همه نظریه های مصرف نامکنی را که برایش شناخته شده بود (بویژه نظریه های مالتوس و خالمرزا) را مورد انتقاد قرار میداده است.

ما این بخش از مقاله را با یک قطعه طولانی از انگلس به پایان میبریم، انگلس در جواب دورینک که میگوید: "علت بحرانهای عظیم اضافه تولید نبوده بلکه عقب ماندن مصرف عمومی ... کاهش مصرفی که منوعاً ایجاد شده ... جلوگیری از رشد طبیعی نیاز عمومی میباشد امری که سرانجام اختلاف میان نخیره و تقاضا را به نحو خطرناکی گسترش میدهد" بوده است پاسخ میدهد: "اما متأسفانه کاهش مصرف توده ها یعنی محدود ساختن مصرف عمومی بمقداری که برای تامین معاش و زاد ولد ضروری است، پدیده ای تازه نیست."

این پدیده از زمانیکه طبقات استثمار خونده و استثمارکننده وجود داشته موجود است. حتی در مقاطع تاریخی که وضع توده ها نسبتاً مناسب بوده، مثلاً در قرن پانزدهم در انگلستان، توده ها نیز کاهش مصرف داشتند و از تراختیاری داشتن مجموعه تولید سالیان خویشتن فاصله زیادی داشتند. بنا بر این با اینکه کاهش مصرف پدیده ای تاریخی است که از هزاران سال پیش تا کنون وجود داشته، ولی تنزل فروش ناشی از اضافه تولید که به بحران عمومی منجر میشود. از پنجاه سال قبل نمودار شده، با این همه سطحی گری اقتصاد عامیانه آقای دورینک در این خلاصه میشود که این تلافی جدید را نه بکمک پدیده جدید اضافه تولید، بلکه به کمک کاهش مصرف که از هزاران سال پیش موجود بوده توضیح دهد. ... کاهش مصرف توده ها شرط ضروری همه اشکال اجتماعی مبتنی بر استثمار است، از جمله شکل سرمایه داریش، ولی تازه شکل سرمایه داری تولید است که به بحران میکشد. بنا بر این کمبود مصرف توده پیش شرط بحرانها نیز بوده و از مدتها قبل در این بحرانها نقش قابل ملاحظه ای ایفا مینماید. ولی این کمبود مصرف نه دربار علت ایجاد بحرانهای امروزی و نه دربار عدم وجود آنها در گذشته.

توضیحی نمیدهد. ... (آنتی دورینک - ص ۲۷۷)

حال برگردیم به اصل مطلب و نشان دادن تطبیق سیاستهای اقتصادی دولت موسوی در تعدیل بحران با سیاستهای اقتصادی تعدیل بحران که کینز مدافع آن بود همانگونه که قبلاً نیز متذکر شدیم کینز برای جلوگیری یا تعدیل بحران خواستار دخالت فعال دولت در امور اقتصادی است و میگفت دولت عمدتاً از دو طریق اولاً با تعیین سیاست مالی یعنی افزایش مالیاتها و کاهش مالی یعنی افزایش میزان مالیاتها و کاهش هزینه های دولت ثانیاً از طریق تعیین سیاستهای پولی یعنی تاثیر بر امور اقتصادی از طریق کاهش حجم پول در گردش و کاهش نرخ بهره این نقش را

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

بحران ...

ایضا نماید و علاوه بر این دولت برای مقابله با بحران باید از طریق پروژه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری کار ایجاد و از بیکاری جلوگیری کند.

نسخه فوق عینا مورد استفاده جناساز حاکمیت واقع گردیده و این جناح بر این اعتقاد است که تمرکز و کنترل تولید و توزیع و مصرف توسط دولت باعث کاهش قیمتتها خواهد شد یعنی پایان تورم و از طرف دیگر پائین آوردن نرخ بهره و افزایش مالیاتتها و کنترل توزیع داخلی باعث محدودیت سرمایه‌های تجاری خواهد شد و این سرمایه‌ها برای بقا خود مجبور به تغییر جهت به سمت سرمایه‌گذاری در تولید هستند با گسترش تولید و مشاغل بیشتری ایجاد و بیکاری کم خواهد شد یعنی پایان رکود. اما غافل از اینکه این سرمایه‌ها تا زمانیکه امنیت نداشته باشند یعنی از تسلیم نیروی کار و افزایش نرخ سود در بخش تولید به نسبت بخش تجارت اطمینان کسب نکنند سعی تولید سرزیر نخواهند شد. حال آنکه امنیت سرمایه با گسترش روزافزون مبارزه طبقه‌تی بین از هر زمانی به خطر افتاده است.

ثانیا دولت در اجرای این برنامه‌ها با مقاومتها و زیاده‌روی روبرو گردیده است. از آن جمله افزایش مالیاتتها است که نخست‌وزیر عدم موفقیت در وصول مالیاتها را چنین ابراز میدارد: "متاسفانه بخاطر وجود روحیه‌ای منفی برای دادن مالیات (اشاره‌ای است به نامه‌ای که در مورد ندادن مالیات در بازار پخش شد) در سطح جامعه از سوی همین قشر و نیز عدم طراحی موفقیت آمیز مکانیسمی کارا برای گرفتن مالیات، پیشرفت قابل توجهی در این زمینه بدست نیامده است" اما نخست‌وزیر طبق نظر کینز همواره میزان درآمدهای مالیاتی را در لوابیح بودجه افزایش میدهد بطوریکه درآمدهای پیشین یعنی شده از وصول مالیاتها در بودجه سال ۷۴ نسبت به بودجه سال ۷۳ قریب به ۲۲٪ افزایش نشان میدهد. حال آنکه تازه

این مالیاتها از حقوق بگیران دریافت میشود نه تجار و صاحبان مشاغل بطوری که آقای بانکی در مورد مالیاتهای مربوط سال ۷۳ اعلام میدارد: "حال این ۸۷ میلیارد تومان را هم خیال نکنید که مالیاتها را از کسانیکه پول دارند و پول درمیاورند گرفته میشود. نه اتفاقا از کسانیکه پول ندارند و زیر کلسیه دولت هستند و مهارشان دست دولت است از اینها مالیات گرفته میشود" و ی ادامه میدهد "در سال ۶۴ ما از مشاغل ۲۲ میلیارد تومان مالیات گرفتیم در حالیکه از حقوق بگیران ۵۹ میلیارد تومان گرفتیم. تقریبا ۲ برابر است ما حدود ۲/۵ میلیون شغل داریم در حالیکه یک میلیون پرونده مالیاتسی داریم". (اول آبان ۷۳ کیهان)

البته این هم مورد قبول آقایان تجار واقع نمیشوند و اعتراض میکنند که: "۰۰۰ قسمت عمده از بودجه بوسیله مالیات تامین میشود ولی در نرخ مالیاتها دقت بفرمائید اگر این رقمها در مواردی اگر قابل وصول هم باشد بصالح دولت اسلامی نیست". (عباس فرد)

در ادامه همین سیاست اقتصادی سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه سال ۶۴ مبلغ ۱۰۳۳ میلیارد ریال یعنی ۳۰/۶٪ از کل درآمدهای عمومی دولت تعیین شدن میگردد حال آنکه سهم درآمدهای نفتی ۷۰/۷٪ از درآمدهای عمومی را تشکیل میدهد تازه همانطور که نخست‌وزیر از آن داشته است تحقق همین درآمدهای نفتی نیز دچار مخاطرات شدیدی شده است. (سخنرانی نخست‌وزیر در مجلس در مورد بودجه سال ۶۴)

همانگونه که مشاهده میشود سیاستهای اقتصادی تعدیل بحران هم در خدمت تشدید بحران اقتصادی قرار میگیرد. سیاست افزایش مالیاتها بجای اینکه موجب تغییر سمت سرمایه‌های انگلی شود و در خدمت تعدیل بحران (رکود) قرار گیرد خود در خدمت کاهش قدرت خرید توده‌ها و از آنجا موجب تشدید بحران میشود. بودجه تنظیمی‌اش که متکی به درآمدهای نفتی است دچار مخاطرات شدید میشود و سیاستهای اقتصادی این روی کاغذ باقی میماند. ثالثا اقداماتی برای کاهش هزینه‌های دولت طبق نسخه کینز صورت گرفته از جمله حذف

سوسید، افزایش سرانه حق بیمه کارمندان و ۰۰۰ و کاهش دستمزها (حذف اضافه‌کاری) ۰۰۰ که در مقابل افزایش سرمایه‌آور هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم جنگ که از رقم ۶۱/۴ میلیارد ریال در سال ۵۹ به ۱۲۱۱ میلیارد ریال در سال ۶۲ و ۱۳۰۳/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۳ افزایش پیدا کرده رقم ناچیزی را تشکیل میدهد و بالاخره تغییر در سیستم بانکداری و کاهش بهره که کینز پیشنهاد میکند بستن عقود اسلامی توسط بانک است و عنوان سود سهام حلال از این معاملات تلافی است در جهت جذب سرمایه‌ها به سمت تولید و از آن طریق بالا بردن درآمدهای حاصل از تولید داخلی که دولت را از ورشکستگی اقتصادی نجات بخشد. دولت مردانی چون نخست‌وزیر هرفسنجانی، بانکی و تکنوکراتهای دیگر به این درک نائل آمده‌اند که برای حفظ سیستم و تداوم بهره‌کشی باید چرخهای تولید اقتصادی به گردش درآید، رکود شکسته شود تورم مهار گردد، بهره‌مین مبنای سیاستهای مالی و پولی فوق را می‌خواهند طبق نظر کینز به اجرا درآورند. غافل از این که این نیز با چپاولگری و بهره‌کشی خاص سرمایه عقب مانده بویژه تجاری آن در تضاد قرار دارد و فرصت پیشبرد سیاست بازسازی را بصورت گام بگام، هم در سیاست نزدیکی به امپریالیستها و هم در عرصه داخلی نخواهند یافت.

حال به سیاستهای اقتصادی که توسط جناح دیگر عنوان میگردد میپردازیم. زیم سیاستهایی که منطبق بر اصول اساسی الگوهای اقتصادی آقای میلتنون فریدمن کیسکه کتاب "سرمایه‌داری و آزادی" را نگاشته است میباشد. اصولی که اکثرشان را میلتنون فریدمن و آرتولد هاربرگر در دانشگاه شیکاگو پرورانده‌اند و به مکتب شیکاگو معروف شده است و خلاصه آن عبارتست از: "تنها چهار رچوب ممکن برای تکامل اقتصادی آن است که امکان میدهد تا بخش خصوصی آزادانه وارد عمل شود. اقتصاد آزاد سودمندترین شکل سازمان اقتصادی به حساب میآید. بنا بر این بخش خصوصی باید عامل مسلط در اقتصاد باشد."





بحران ...

قیمتها باید بر طبق قوانین رقابت آزادانه نوسان حاصل کند. تورم ، بدترین دشمن پیشران اقتصاد است و نتیجه مستقیم گسترش پولی است و تنها با کاهش یا فتن فوری و سریع مصرف دولت میتواند از بین برود . در مارس ۱۹۷۵ در سانتیاگو خبرنگاری به فریدمن گفته بود که " حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری ، مثل ایالات متحده ، آمریکا ، دولت از راههای مختلف بر اقتصاد نظارت میکند " . فریدمن در جواب گفته بود : " من همیشه مخالف آن بوده ام ، من بر آن صده نمی گذارم . من معتقد نیستم که چنین نظارتی اعمال شود . من مخالف دخالت دولت کشور خودم و با هر دولت دیگر در اقتصاد هستم " .

حال این گفتار را با گفتار سران این جناح از حکومت مقایسه کنیم تا ببینیم تفاوتی در سیاستهای اقتصادی آنها با فریدمن وجود دارد - ؟

بهزاد نبوی طرفدار دخالت دولت در امور اقتصادی سیاست اقتصادی جناح طرفدار آزادی تجارت را چنین جمع بندی میکند " بطور کلی به اعتقاد من یک تفکر وجود دارد که آن تفکر را بعنوان مقابل نام می برم که در مسائل اقتصادی به نوعی مسائل اقتصاد مهای بدتر از اقتصاد آمریکا معتقد باشد . معتقد است که حتی چاهای نفت را باید به دست بخش خصوصی داد ... " (مرداد ۳۳ روزنامه جمهوری اسلامی) . و با به گفتار رضا رضائی دوست در جلسه علنی مجلس که سیاستهای اقتصادی طرفداران آزادی تجارت چنین بیان میدارد گوش کنیم : " ما علیه لیبرالیسم شعار میدهیم و بطور ناشیانه الگوسازی می کنیم و لیبرال فقط آنهاست نیستند که بطور آگاهانه راه سرمایه داری وابسته را هموار میکنند یا روحیه سازشکاری بر آنها سایه افکنده است ، لیبرال آنهاست هستند که از سرمایه داری بزرگ و وابسته خصوصاً بخش عمده ای از بازاریان کنونی حمایت می کنند - لیبرال آنهاست هستند که برایشان صرف نمی کنند در برابر بازار

موضع بگیرند و اظهاراتشان دو پهلو است لیبرال آنهاست هستند که وقتی صحبت از ملی کردن تجارت خارجی میشود موی بر تنشان سیخ میشود و تلاش میکنند ملی کردن را در حد نظارت دولت خلاصه کنند . لیبرال آنهاست هستند که برای حفظ منافع بازار تلاش میکنند که بازاریان بجای چپاول تک نفره متحداً شرکت های تعاونی اسلامی بازار تشکیل دهند . " همانگونه که رضائی توضیح میدهد این جناح طرفدار بازار و پایگاه اصلی اجتماعیش میان بازاریان است . این جناح مخالف شدید هرگونه رفرم از جمله ملی کردن تجارت خارجی هستند و دخالت دولت را در حد نظارت محدود بر امور اقتصادی بر طبق نظریه فریدمن قبول ندارند . اهم اختلاف بر سر تعیین حد و حدود فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی شرکت های تعاونی و بخش دولتی است . آقای پوراستاد نماینده فکری این جریان خواهان آن است که دولت در امور اقتصادی از جمله توزیع و واردات دخالتی نداشته باشد و آنرا در اختیار کسانی که تجربه اینکار را سالیانست دارند بگذارد او میگوید : " نتیجه غرب زدگی در زمان سابق ، واکنش طبیعی آن غرق زدگی شد ... خط کمونیسم را چه کسی توی این مملکت انداخت آنوقت دم از تخصص میزنند . آقا این جوانها که تخصص ندارند بیایند لااقل از تجربه بازارها استفاده کنید ... من در این مجلس با صدای بلند اعلام میکنم که صنعت آهن فروش حاضر است ، بمن پیشنهاد داده که با همین ارزی که فعلاً دولت برای آهن اختصاص داده است حاضر است واردات آهن را در دست بگیرد ، نوبتها یکساله را از بین ببرد ، بازار سیاه را از بین ببرد ، قیمت آهن را هم از این که هست بیشتر نکند ده درصد بیشتر از این مبلغی که دولت از تجارت آهن سود می برد بدهد . دولت بدهد . بیایید این یک پیشنهاد را عمل کنید . اگر نتیجه گرفتید بقیه را هم همین طور عمل کنید - مگر ایمن توده ای ها نگفتند و اقرار نکردند ما طرح میدادیم ، ترور شخصیت میکردیم من از مسئولین میخواهم از این آقایان بپرسند چگونه و توسط چه اشخاصی و از چه کانالهایی برنامه های سوسیالیستی

خود را به دولتتها میرسانده اند . این خط را کشف کنید . خیلی حقایق معلوم خواهد شد . علت بازار سیاه معلوم خواهد شد ، ریفه گرانیها هم کشف خواهند شد ... " (هفته نامه اطاق بازرگانی ۲۶-۱۷ آذر ۶۲) . واقعیت این است که و خامست اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه بچنان مرحله ای رسیده است که طرفداران اقتصاد دولتی را بدین نتیجه رسانده است که بدون انجام یکسری رفرم در جنب سرکوب موجودیت رژیم بیش از پیش بخطر خواهد افتاد و زمینه سقوط آن فراهم خواهند شد . از اینرو این جناح در همان حال که سرکوب و اختناق راه یگانه راه نجات از بحران سیاسی موجود میداند انجام برخی رفرمهای اقتصادی را ضروری تشخیص میدهد و اما جناح دیگر حتی در آن حد که ممکن است انجام این رفرمها کمترین خدشه ای به حریم مقدس سرمایه و مالکیت خصوصی وارد آورد یا به بیان دیگر ضوابط اسلامی را نقض کند - با این رفرمها مخالف است این تضاد که بنا بر شرایط کنونی تشدید شده است تجلی خود را در تضاد میان دولت و بخش از مجلس با غورای نگهبان نشان میدهد . غورای نگهبان که حق و تو در امر تصویب قوانین دارد و بنظر میرسد از حمایت و پشتیبانی بخش خمینی نیز برخوردار باشد . غورای نگهبان عملاً در شرایط کنونی بصورت مانع اصلی بر سر راه است .

خمینی در دیدار با اعضا دولت در چهارم شهریور ۳۳ به حمایت از طرفداران فریدمن پرداخت و گفت : " کارها - نی که از بازار می آید جلوی رانگیر - ید یعنی مشروع هم نیست آزادی مردم نباید سلب بشود . دولت باید نظارت کند

مثلاً در کالاهائی که میخواهند از خارج بیاورند مردم را آزاد بگذارید ، آنقدری را که میتوانند هم خود دولت بیاورد هم مردم لاکن دولت نظارت کند برای آنکه یک کالائی که برخلاف مصلحت جمهوری اسلام است ، برخلاف شرع است آنها را نیاورد - . این نظارت است - این یک مسئله ای است که بسیار مهم است بنظر من . من

کراراً هم گفتم ، آقایان وعده دادند





بحران ...

ولی نمیدانیم چقدر عمل شد در هر صورت این هم از مسائلی است که بسیار اهمیت دارد و ما باید چه بکنیم... شما که میخواهید برای همه خدمت بکنید، برای ۲۰ میلیون جمعیت دولت محدود نمی‌تواند کار کند باید ۴۰ میلیون جمعیت را در صحنه نگهدارد و نگهداری به این است که شما بازار را میخواهید نگهدارید. بازار را غریک کنید در کارها، بازار را کنار نگذارید یعنی کارهایی که از بازار می‌آید... در هر صورت ما باید به دنبال این معنا باشیم که مردم را نگهداریم... بدون پشتیبانی مردم نمیشود کار کرد... پشتیبانی این است که همکاری کنید. همکاری این است که در تجارت همکاری کنید... و در خاتمه " عمده این است که برای مستضعفین که بشما خدمت کرده‌اند خدمت بکنید و خدمت هم به این است که اینها را، بازارها را در کار وارد کنید، غریک کنید... "

خمینی هیچگاه نظری را با این صراحت اعلام نکرده بوده که وظیفه دولت نظارت است و حد و حدود آن این است که کالاهای برخلاف مصلحت جمهوری اسلامی وارد نشود. تاکید بر اینکه سیاستهای اقتصادی با مشارکت بازار تدوین و به اجرا درآید. مترادف کردن مردم با بازار و اینکه دولت باید در خدمت مردم باشد یعنی دولت خدمتگذار بازار باید باشد.

سخنان خمینی در تأیید طرفداران آزادی تجارت و ضرورت شرکت دادن آن در کارها را میتوان نقطه آغاز تعدیل سیاستهای دولت دانست. دولت موسوی و هاشمی رفسنجانی در ابتدا کوشش کردند با تفسیر نظر خمینی و تاکید بر اینکه منظور وی نه سرمایه داران ز الوصفت بلکه شرکت عامه مردم بوده است. رفسنجانی در چند سخنرانی حملات گسترده‌ای بر علیه بازاریان کرد بطوری که جناح طرفدار بازار در جلسات خصوصی تصمیم گرفتند رفسنجانی را در کنار دولت مورد حمله قرار دهند. که رفسنجانی در یکی از سخنرانیهای خود به این مسئله اشاره کرد و پس از آن عقب نشینی کرد و حملات به بازار قطع گردید.

بدنبال سخنان خمینی نخست وزیر بختنا معای در پنج ماده صادر کرده و به وزارتخانه‌ها ابلاغ میکند در بند ۲ آن تصریح شده که: روند ایجاد اطمینان جهت سرمایه‌گذاریها ی بخش خصوصی در چهارچوب ضوابط اسلامی تسریع گردد و از تغییرات پی در پی و کوتاه مدت در ضوابط حاکم که منجر به کاهش اطمینان در سرمایه‌گذاری میشود اکیدا پرهیز شود. " در بند ۴ این بخشنامه وزارت بازرگانی را ملزم به اجرای رهنمودهای خمینی نموده و میگوید: " به شرکت کسبه متعهد و مومن در امر واردات کالاهای غیر استراتژیک اهمیت ویژه داده شود " (۵ شهریور ۳۳)

در این میان شورای نگهبان که نمیتوانست مرت خود را از فتوای صریح امامی پنهان دارد بلافاصله صاحب رادیو تلویزیونی ترتیب میدهد و امامی کاشانی سخنگوی آن ضمن محکوم کردن آن " نسته از عناصر مشکوک که فشارها و جوهانی علیه شورای نگهبان می‌ساختند. " و " شورای نگهبان را بطرفداری از سرمایه‌داران متهم می‌ساختند " مقاومت شورای نگهبان را در مقابل با دولتی شدن تجارت خارجی امری اصولی و اسلامی و در خدمت اسلام عزیز میداند و بسا استناد به سخنان خمینی می‌گوید: " دولت در این مطلب که کالاهای با چه قیمتی و از چه کشوری خریداری شود تنها حق هدایت و نظارت دارد. " (کیهان ۳۳/۷۷) یعنی همانگونه که فریدمن گفته است " من مخالف دولت بودم... در اقتصاد هستم " .

شورای نگهبان که پیشاپیش نمابندگان این جناح حرکت میکنند وظیفه دولت را در رابطه با تجارت خارجی محدود کرده به این مسئله که نوع کالا قیمت و کشور صادر کننده را تعیین نماید. نمایندگان دیگر این جناح چون پسر - استاد عسکر اولادی، خاموش، امامی و... حداقل خواهان آزادی تجارت در محدوده کالاهای غیر استراتژیک هستند نه کلیه کالاهای بیشتر توضیح میدهم. استدلال شورای نگهبان بر رد لایحه تجارت خارجی چنین است " ... در مواردی که کالاهای صادرات و واردات را در اداره مستقیم و منحصر دولت قرار داده شده و همچنین در موارد مربوط به هماهنگی و نظارت بر امر توزیع به تأیید اکثریت فقهای شورای نگهبان نرسید " (۱۳/۳/۶۱)

یعنی شورای نگهبان حتی به اینکاه صادرات و واردات در مواردی چون نفت گندم، قند و شکر و ... (کالاهای استراتژیک) در انحصار دولت باشد اعتراض دارد و خواهان آزادی نامحدود در واردات و صادرات و توزیع میباشد. و با هرگونه انحصاری در تجارت مخالف است. بدنبال سخنرانی خمینی تبلیغات وسیعی در تضعیف و علیه دولت شروع شد. کمیته امور صنفی (طرفدار بازار) و روحانیت مبارز تهران ... اطلاعیه‌ها - تی در تأیید سخنان خمینی و علیه دولت منتشر کردند. اعلامیه‌های شدید الحثی بر علیه دولت بدون امضا در سطح تهران مخصوصا بازار پخش شد. تا جائیکه خمینی در سخنرانی بعدی خود اعلام نمود: " من يك مسئله‌ای را به دولت تذکر دادم تا همه با هم تفاهم کنند ولی يك عمده مغرض همین را بهانه قرار داده تا اختلافات را تشدید کنند. " (نقل به معنی)

سیاستهای اقتصادی این جناح بطور خلاصه بر محورهای زیر و منطبق بر تئزهای مکتب شیکاگو استوار است:

- ۱- کاهش هرچه بیشتر دخالت دولت در امور اقتصادی و برداشتن کنترل در زمینه‌های مختلف اقتصادی.
- ۲- کاهش مالیاتها جهت تشویق سرمایه‌گذاری بیشتر.
- ۳- مخالفت با هرگونه رفم.

بر مبنای این نظر دولت با تشویق سرمایه‌داران به سرمایه‌گذاری بیشتر. مشاغل جدیدی ایجاد خواهد کرد در نتیجه بیکاری کاهش خواهد یافت (پایان رکود) در نتیجه سرمایه‌گذاری بیشتر تولید و عرضه بالا رفته و در اثر رقابت قیمتها کاهش خواهند یافت (پایان تورم) و علاوه بر این باعث شکوفایی اقتصاد نیز میگردد. عدم تعادل بین عرضه و تقاضا نیز از طریق رقابت حل خواهد شد. از طرفی کاهش مالیاتها منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر شده است. تعداد زیادی از بیکاران استخدام میشوند. کاهش مالیاتها باعث پائین آمدن مخارج تولید میشود در نتیجه قیمتها کاهش خواهد یافت.

همانگونه که مشاهده میشود برنامهای که توسط این جناح برای اجرا پیشنهاد میشود، تحقق آرزوهای گروهی از اقتصاددانان دانشگاه شیکاگو میباشد.



جنگ...

جنگ چیست؟ خطر فلاکت عمومی مردم افزون تر میگردد ناراضی‌بیتی وسیعاً در میان توده‌های مردم گسترش یافته است. بورژوازی تجاری با توجه به شرایط اقتصادی سیاسی نظامی موجود به این واقعیت پی برده است که جناح رقیب (که در هیئت دولت تبلور یافته) نه تنها قادر نیست به پیروزی‌های کیفی نوینی در جنگ با عراق نائل آید بلکه اگر جنگ ادامه یابد آنرا با بحرانی و وخیم‌تری روبرو خواهند ساخت و قادر به پاسخگویی مسائل توده‌ها نخواهد بود.

لذا تحت این شرایط و بر مبنای آن و با بهره‌گیری رندانه از آن است که بورژوازی تجاری میتواند سیاست‌های اقتصادی خود را بعنوان تنها راه نجات از بحران عمومی، فقر، فلاکت، بیکاری و گرانی به توده‌ها بقبولاند. تا از آن طریق به کسب قدرت سیاسی یعنی یکی از مهمترین اهداف دست‌یافتنی کسب قدرت سیاسی با بهره‌گیری از جنگ یکی از مواردی است که اهداف سیاسی بورژوازی تجاری را از "ائتلاف جدید" که در هیئت دولت مسلط است متمايز میکند.

بورژوازی تجاری که فاقد ارگان‌های اجرایی است و بیرون از قدرت (اجرایی) قرار دارد مهمترین ارگان‌های تحت تسلط اشعورای نگهبان و نهاد ریاست جمهوری خامنه‌ای است و از طرفی نیز موفق گردیده حزب جمهوری اسلامی را قبضه کند، هیچگونه تمایلی به برقراری صلح ندارد و خواهان ادامه وضع موجود است که از قبل آن با احتکار کالاها با ایجاد بازارهای سیاه و قحطی دروغین هرچه بیشتر چون زالی سیری ناپذیری خون زحمتکشان را به زرداب فقر بدل سازد.

از آغاز جنگ بین ایران و عراق تاکنون بر کمتر کسی پوشیده است که بازاریان محترم چگونه با جنگ انداختن به شپکه توزیع کالاها چه مبالغه‌های هنگفتی (فقط سال ۵۹ برابر ۱۲۰ میلیارد دلار تومان) به کیسه‌های گل و گفاد خود سرازیر کرده‌اند.

این درست است که "سرمایه از سر و صدا فرار میکند و طبیعتاً ترسو است ولی هنوز تمام حقیقت نیست... اگر

غوغا و دعوا بهره‌آور باشد وی (سرمایه)

هر دو آنها را تشویق میکند (سرمایه جلد اول - تاکید از ما) این سرمایه تجاری بر زمینه غوغا و دعوا است که نمیتواند به سودهای هنگفت دست یابد منافع بورژوازی تجاری در همین هرج و مرج اقتصادی نهفته است و این ادامه جنگ است که چنین هرج و مرجی را و بتبع آن چنین مافوق سودی را برپا

آن تضمین میکند. ضمن آنکه جناح بورژوازی تجاری بهر حال ترجیح میدهد

مهار جنگ در دست آنان باشد تا اگر با تغییر شرایط داخلی و بین‌المللی برقراری صلح الزامی گردید صلح را در انطباق با منافع خویش عملی ساخته مزایای آن را با توجه به شرایط حاکم بر جامعه و نهضت توده‌ها در خدمت تحکیم و تثبیت حاکمیت سرمایه تجاری قرار دهد صلحی که بتواند رکود سیاسی را بر توده‌ها فائق گردانیده بحیران انقلابی را در هم شکسته و شرایط استثمار و ستم اقتصادی را برای آنها جاودان سازد.

اما چنانچه بحران انقلابی موجود ابعاد گسترده‌ای بیابد که حیات کل سرمایه را با خطری جدی مواجه سازد در آن صورت مخالفت با صلح را به کناری نهاده اما در انعقاد پیمان صلح (همچون آزادی گروگان‌ها) شرکت نخواهد کرد تا حق انتقاد از مفاد پیمان را برای خود حفظ کرده و بر بستر آن نفوذ خود را در بین طرفداران پان اسلامیس و رژیم گسترش و زمینه کسب قدرت سیاسی را مهیا نماید.

فشار بحران اقتصادی موجود هر روز زندگی فلاکت‌بارتری را به توده‌ها تحمیل میکند. فقر اکنون بصورت پدیده‌ای عمومی درآمده است روشن است که سیاست سرکوب و اختناق در شرایطی که فقر و فلاکت بر زندگی توده‌های مردم سایه افکنده است نمیتواند راه حل بحران باشد.

واقعیت این است که و خامنه‌ای و اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه بچنان مرحله‌ای رسیده که "ائتلاف جدید" را به این نتیجه رسانده است که بدون انجام یکسری رفرمها در جنب سرکوب موجودیت رژیم را بیش از پیش به خطر افکنده و زمینه سقوط آن ستابان فراهم میشود. آری وحشت از سقوط بر زمینه

تشدید بحران اقتصادی و چشم‌انداز مبارزات توده‌ها "ائتلاف جدید" را هر دم چون خوره میخورد.

"ائتلاف جدید" درمانده و ناتوان از انجام هرگونه سیاستی برای تثبیت وضع موجود است. "ائتلاف جدید" که حداکثر توان اقتصادی و نظامی خود را در خدمت به سازمانی جبهه‌های جنگ قرار داده بخوبی آگاه است که با توجه به این امکانات از یکطرف و سیاست‌های بین‌المللی از طرف دیگر توانا نیستی پیروزی‌های کیفی نوینی در این جنگ را فاقد است.

آری "ائتلاف جدید" خطر را هم چانه احساس کرده. خود را با اشکال مختلف اعتراضات توده‌ای در تهران و دیگر شهرهای ایران روبرو می‌بیند میداند که دیگر حیلۀ استفاده از تبلیغات جنگ جهت سرپوش گذاردن بر ناراضی‌بیتی وسیع توده‌ها قدرت تعمیقی خود را از دست داده است. بحیران انقلابی که در پناه جنگ می‌یابست تخفیف یافته و حل‌شود این کارائی خود را از دست داده به دامنه بحران انقلابی مردم می‌افزاید.

بر زمینه چنین واقعیتی است که "ائتلاف جدید" صلاح تداوم و تثبیت و تحکیم حکومت خود را در صلح جستجو میکند.

این جناح اقدامات متعددی هرچند ناموفق جهت پایان دادن به جنگ انجام داده است از جمله سفر نخست‌وزیر به الجزایر و متعاقب آن میانجی‌قرار دادن سوریه برای انجام مذاکرات صلح را میتوان ذکر کرد.

آخرین اقدام این جناح همزمان با سفر دبیرکل سازمان ملل به تهران بود که شرایط آتش‌بس تعدیل‌شده ایران به اطلاع دبیرکل سازمان ملل رسید ایشان نیز در مصاحبه‌ای پس از پایان دیدارش از ایران که در سطح جهانی انتشار یافت پیشرفت مذاکرات جهت پایان دادن به جنگ ایران و عراق را امیدوار کننده و درخواست‌های ایران را بیان نمود.

همزمان نیز عراق بمب باران تهران و دیگر شهرهای ایران را متوقف کرد. اختلاف دو جناح بالا گرفت عمیق‌ترین مواضع جناح بورژوازی جنگ طلب را تا نید کرد.





جنگ ...

تبلیغات بر علیه صلح آغاز گردیده، مفاد مصاحبه دبیرکل سازمان ملل پس از چندی (۱۵ تا ۳۰ روز بعد) تکذیب شد.

" ائتلاف جدید " تلاش خواهد کرد با پایان جنگ از یکسو به وضعیت اقتصادی و خامت بار خود سر سامان بدهد و از سوی دیگر با توسل به نیروهای که از جنبه های جنگ آزاد خواهد شد هم چنان هرگونه ناراضی تری توده ها را در هم کوبیده و بخش وسیعی از این نیروها را به سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد اختصاص دهد و در یک کلام تلاش خواهد کرد موقعیت سیاسی و اقتصادی خود را مستحکم سازد و بر بحران فائق آید پایان یافتن جنگ نتایج اقتصادی دیگری را برای " ائتلاف جدید " بربر خواهد داشت.

امنیت سرمایه گذاری در صنایع تولیدی و سوده های سرمایه آوری که از بازسازی مناطق جنگی چه در بخش صنایع و ساختمان و چه در بخش خدمات و غیره نصیب این جناح خواهد کرد را میتوان بعنوان مهمترین اهداف اقتصادی " ائتلاف جدید " قلمداد کرد.

این هاست آن زمینهای اساسی بن بست جنگ که اجازه نمیدهد جناحهای مختلف بورژوازی با اتخاذ این سیاست به آن خاتمه داده آنها در خدمت حل بحران موجود قرار دهند.

تضاد منافع جناحهای بورژوازی رژیم و تضاد منافع امپریالیسم آمریکا با امپریالیستهای اروپائی و ژاپن است که موجب بن بست جنگ گردیده است. ادامه جنگ با توجه به توازن موجود منطبق بر اهداف و خواسته های بورژوازی تجاری ایران و امپریالیسم آمریکایی و صهیونیسم میباشد. اما صلح تحت شرایط کنونی در خدمت و تأمین کننده منافع طبقاتی " ائتلاف جدید " و امپریالیستهای اروپائی و ژاپن میباشد. صلح نیز همانند جنگ مفهومی طبقاتی دارد و ما سعی کردیم منافع طبقاتی جناحهای بورژوائی درون حاکمیت را در این شماره و امپریالیستها را در بامی

استار شماره ۳۸ هر چند مختصر بیان کنیم.

حال پاسخ به سوال اصلی یعنی جنگ چگونه خاتمه می یابد؟ منوط است به اینکه جناح جنگ طلب یعنی بورژوازی تجاری و امپریالیسم آمریکا تحت چه شرایطی ممکن است تن به صلح دهند؟ تمام شواهد بر آن است که این جناح بنا به میل خود جنگ را متوقف نخواهد کرد. این جناح تحت شرایطی همچون خطر نیروهای اپوزیسیون و نیروهای انقلابی، تشدید بحران عمومی و برآمدهای توده ای گسترده و پرمایه که در چشم انداز آن پس از سرنگونی رژیم برقراری یک حکومت دمکراتیک قرار گیرده ممکن است تن به صلح دهد.

ثانیا در صورت حل تضادهای درونی، به تبع آن انجام درونی حاکمیت در کنار آن تکامل روابط روبه گسترش رژیم با امپریالیستها که تضمینی برای سیاستهای آمریکا در منطقه باعده امپریالیسم آمریکا در راه صلح گام بر خواهد داشت.

ثالثا - در صورت تغییر و تحولات جهانی که مستقیما بر جنگ و خاتمه آن موثر باشد. در هر صورت ادامه جنگ در خدمت به اهداف امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و صلح در شرایط کنونی در خدمت به منافع امپریالیستهای اروپائی و ژاپن خواهد بود. پرولتاریا در این میان منافع خاص خود را در د پرولتاریا برای رهائی دمکراسی و سوسیالیسم مبارزه میکند و تنها راه انقلابی برای کسب آزادی و رسیدن به اهداف خود را خاتمه دادن به جنگ و تبدیل جنگ به جنگ داخلی بر ضد رژیم و امپریالیسم میداند. تبدیل جنگ به جنگ داخلی تنها راه انقلابی خاتمه دادن به جنگ در مقابل راه ضد انقلابی بورژوازی است. توده ها خواهان صلح و خواهان سرنگونی حکومتند.

« در این دوره در جلسه هیئت دولت نظری مبنی بر اینکه فقط با گرفتن یکصد میلیارد دلار (ادعای ایران ۴۰۰ - ۳۵۰ میلیارد دلار است) خسارت به جنگ پایان داده شود مورد بررسی و توافق قرار گرفت که این نظر به اطلاع دبیرکل رسید.

بحران ...

آنها به عبث می گویند که تعان دهند که در ایران بوسیله رقابت می توان قیمتها را کنترل کرد. در ایران قانون عرضه و تقاضا و رقابت نمیتواند کنترلی روی قیمتها داشته باشد، در صورتیکه طبق امیال این اقتصاددانان وطنی، صنایع به صاحبان آنها برگردانده شود و دولت در امور اقتصادی هیچگونه دخالتی نداشته باشد و حتی واردات کالا های اساسی همچون گندم، قند و شکر و... را به بخش خصوصی واگذار نماید یا آنگونه که شورای نگهبان خواستار آنست شرکت نفت هم به بخش خصوصی واگذار شود، در آن صورت قیمتها در اثر رقابت چه شرکتها یا بائین خواهد آمد، مثلا لوازم خانگی را در نظر بگیرید و واردات و توزیع آن در دست چند شرکتها قرار خواهد گرفت آیا آنها در رقابت با یکدیگر قیمتها را کاهش خواهند داد یا آنطور که الگوی فریدمن تجویز میکند " انحصارها و گروههای انحصاری داخلی در معرض رقابت خارجی قرارخواهند گرفت " خیر هیچگاه شرکتهای خارجی که شعبه های آنها در داخل کشور به تولید مشغولند، علاقمند نیستند کالاهایی را به ایران صادر کنند که با محصولات این شعبه ها رقابت نماید. نتیجه بکار گرفتن نظریه های اقتصادی فریدمن در ایران آن خواهد بود که صاحبان صنایع بزرگ بتوانند " آزادانه " در تعیین قیمتها با هم توافق نمایند.

از دیگر جنبه های نظریه اقتصاد " پیروان عینکاگو " که طرفدارانسی وطنی آنها نادیده میگویند این است که بازار را به مثابه موثرترین وسیله توزیع منابع در نظر میگیرند در صورتی که همه میدانند که در آن صورت عملی هیچ گونه سرمایه گذاری تولیدی در اقتصاد انجام نخواهد گرفت و سفته بازی سود آورترین سرمایه گذاری خواهد شد. همانگونه که تا بحال بوده است.

اما نکته اصلی نسخه فریدمن در مهار تورم است که پرفسورها بر برگردن سال ۱۹۷۵ درباره اقتصاد غیلی چندین آنرا اعلام کرد " کسر بودجه دولت باید بر طرف شود و گسترش پولی متوقف گردد " در ادامه ایشان میافزایند " من میدانم که در مورد "بیکاری" از



جمع‌بندی ...

مختلف بورژوازی بروز کرد و تمام مائین دولتی را فرا گرفت. از یکطرف مبارزات بی‌وقفه توده‌ها، و از طرف دیگر تضادهای ترونی ارگان سازین، مانع از آن بود که هیئت‌حاکمه بتواند بر بحران موجود فائق آید. از این رو پس از چندی، تضادهای به چنان مرحله‌ای از تکامل خود رسیدند که اختلافات ترونی هیئت‌حاکمه هرروزوسمت بیبتری می‌یافت. و سرانجام به طرد لیبرالها از حاکمیت انجامید. پس از برکناری بازرگان و دولت موقت، دوباره این تضادهای در عکلی دیگر بروز کرد. شکافهای تازه‌ای نمایان شد. این بار محور ترگیریها و اختلافات یکسویی‌صنر و سوی دیگر حزب‌جمهوری اسلامی بود. تعدید این تضادهای درنت در هنگامی بروز کرده که بخش وسیعی از توده‌های مردم از حاکمیت رویگردان شده بودند. اختلافات پیرحملاه‌ای از تکامل خود رسیده که میرفت به چنان شکاف عمیق در ترونی هیئت‌حاکمه منجر شود. که نارضایتی عمومی از ترونی این شکاف زبانه کشد، و رژیم را متلاشی و سرنگون سازد. اما جناحی از هیئت‌حاکمه، یعنی سران حزب جمهوری اسلامی توانستند با استفاده از اهرمهای مائین دولتی، با تکیه بر ارگانهای سرکوب غیر رسمی دولت، یعنی باندهای سیاه و با استفاده از نفوذ خمینی، بر این شکاف ترونی فائق آیند. اما تضادهای همواره بر چگونگی پیشبرد اعمال رهبری سیاسی و تسلط بر مائین دولتی در جریان بوده است. تضاد فراکیونهای بورژوازی در این نقطه بود، دعوا بر سر اعمال رهبری و قبضه قدرت، دعوا بر سر تسلط بر مائین دولتی، و در راس آن قوه مجریه. سران حزب‌جمهوری اسلامی، که ایندک بلامنازع همه اهرمهای قدرت را به قبضه خود درآورده بودند، به سرکوب هرگونه صدای اعتراضی پرداختند. حتی تریبونهایی که میتوانست منعکس کنند، تضادهای ترونی هیئت‌حاکمه باعده، به تعطیل کشانند. رژیم جمهوری اسلامی توانست با توسل به چنین تاکتیکی موج رعب و وحشت را ایجاد کند، و نه تنها بر شکاف ترونی هیئت‌حاکمه فائق آید، بلکه گامهایی نیز هر چند کوتاه، درجهت

حل بحران عمومی سیاسی جامعه بردارد. کابینه رجائی - باهنر، محصول این مرحله است. " کابینه وحدت "، " فرزند مجلس "، " مقلد امام " جناحهای مختلف بورژوازی در پشت " خط امام " سنگر میگیرند. تا جایی توده‌های برخاسته از بطن جامعه را سرکوب کنند. " خط امام " در این مرحله دورانی از شکوفائی را تجربه میکند. تسلط همهجانبه آن بر تمامی دستگاه دولتی، دست‌او را در به پیش بردن رسالتش، که همانا، نابودی هرچه بیشتر نتایج انقلاب است، یاری میدهد.

این پروسه، دوران اضمحلال کامل آزادیهای دمکراتیک و منفرد ساختن و ضربه زدن به پیشگام انقلابی است. " خط امام " در این دوره رسالت خود را به انجام میرساند و از این رو ضرورت وجودی خویش را از دست میدهد. انجام موقت ترونی هیئت حاکمه نابود میشود. کابینه رجائی، باهنر سقوط می‌کند. حلیرغم تمام کوششها انجام شده از سوی سران، بخصوص شخص خمینی جهت پرده پوشی تضادهای درون رژیم و حلیرغم کوششهای بیبوده جهت حفظ " وحدت کلمه " و به نمایان نهادن یکپارچگی و در نتیجه ثبات هیئت حاکمه تضادهای ترونی رژیم آنچنان ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد که از جانب سخنگویان رژیم نیز مورد تأیید واقع گردید.

ظاهر تضاد این دوره با مراحل قبل متفاوت است. اگر در مراحل قبل اوجگیری تضاد بالائیها، بیان آشکار خود را در تضاد بین بازرگان و پیروان " خط امام " در تضاد بین ضد ولایت فقیه و ولایت فقیه نمایان میساخت، اینبار محور ترگیریها و اختلافات مابین کابینه و مجلس تبلور یافته بود.

بعلت ترکیب لیبرال - بوروکرا - تیک ادارات و وزارتخانه‌ها، ارتش و بطور کلی مائین دولتی خلف لیبرالها به معنی حذف آنها از معادلات سیاسی نبوده، به این علت، که نهادهای رسمی رژیم و مائین دولتی بورژوازی پیوسته در ترونی خود نمایندگان سیاسی خاص خود را می‌پروراند. بهمین علت نیز تضاد کابینه و مجلس در این دوره بازتاب تضاد فراکیونهای مختلف بورژوازی مجدداً تکرار میگردد، مضمون اصلی این تضادهای گذشته از نمودهای گوناگون و تغییر

و تحولاتی که در این صفتندی پدید آمده است همواره در وجه غالب خود تضاد مابین نمایندگان مناسبات پیشرفته سرمایه‌داری و نمایندگان مناسبات عقب مانده سرمایه‌داری است که بر چگونگی بازسازی سیستم ضربه خورده به ارث رسیده از رژیم قبل و برقراری روبنای سیاسی آن ترگیر میشوند. در این دوره مجلس از سنگر وحدت به سنگر تضاد بدل میشود. اکثریت قاطع مجلس که تاکنون در تمامی مسائل هم‌رای می‌نمود، درهم می‌شکند. انجمن حجتیه مورد حمله قرار میگیرد. انجمن حجتیه معتقد است " حکومت اسلامی تا زمان ظهور امام زمان قابل پیاده شدن نیست " و از همین رو با حاکمیت مستقیم دین مخالف است. جدائی دین از سیاست جزواصول آنهاست. این جناح که بخشی از نمایندگان تندرو طرفدار تجارت‌آزادرا متفکک کرده خمینی را بعنوان " ولی فقیه " و " امام " قبول ندارد. اما در خرابی فعلی با پذیرش ولایت محدود او از شورای رهبری دفاع میکند. جناح حجتیه بر مبنای اصل مالکیت نامحدوده هرگونه حرکتی را در جهت تجدید مالکیت محکوم می‌کند از این زاویه با هرگونه رفسم مخالف است. این جناح مدافع سرسخت احکام اولیه اسلام است و احکام ثانویه را جز در موارد استثنای آنها برای مدت محدود نمی‌پذیرد. تا نیمه دوم سال ۶۰ که در مقابل بنی‌صنر همه با هم متحد شده بودند اختلافات آنها در مورد مالکیت سرپوش نهاده میشد، علوایحی که در این مورد بود یا مسکوت می‌ماند و یا حلیرغم تصویب، در شورای نگهبان رد میشد. طرح اصلاحات ارضی و لایحه اراضی شهری از آن جمله‌اند.

در این دوره اشتقاقی بین طرفداران مالکیت نامحدود و " تجارت‌آزاد " در هیئت دولت شکل میگیرد. در این اشتقاقی توکلی وزیر کار، پرورش وزیر آموزش و پرورش، ... از انجمن حجتیه، عسکراولادی وزیر بازرگانی و ... از گروه مؤلفه اسلامی (که در حزب جمهوری اسلامی ادغام شد و بالاخره از شاگردان قدیم شیخ حلب (بنیان گذار انجمن حجتیه) ناطق نوری وزیر کشور شرکت دارند. بدین سان کماکی قدرت اوج میگیرد و مبارزه در جریان اولیه خط امام بصورت روبروئی رسمی و علنی



جمع بندی ..

بروز کرد و وارد مرحله نوینی شد و صف بندیها روز بروز مشخص تر شد. " بورژوازی مولف " در ائتلاف جدید عزم جزم کرده است که تمامی امور را در دولت و مکانیزم بوروکراتیک آن متمرکز و قبضه کند و بقول خویشیها دولت سالاری را پیشه کرده است. ولی در اولین گام برای پیشبرد این سیاست با موانع جدی مواجه میشود. زیرا استقرار دستگاه های دولتی و تشکیل دولتی قوی و مطلق العنان ممکن نیست مگر آنکه بر تضادهای نیروی خود فائق آید. اما فائق آمدن بر تضادهای نیروی بدون فائق آمدن بر تناقضات روبه گسترش اجتماعی چگونه ممکن است بدون تخفیف بحران اقتصادی چگونه ممکن است! این بحران دیگر با " آزاد کردن " سرمایه های احتکاری و انگلی نیز تخفیف نمی یابد.

" بورژوازی مولف " عزم جزم کرده است نهادهای را به بند دولت بکشد و قدرت را یکسخت کند، اما نهادهای انقلابی " نیز عزم جزم دارند " آزادانه " به بند دولت نیفتند. " بورژوازی مولف " نیز قادر نیست به آسانی آنها را به بند کشد. کشاکش بین دولت و نهادهای بورژوازی شدن مسلحانه برخی از زوائد مسلح رژیم در اینجا و آنجا رژیم را با سرعت روز افزونی بر گرداب مرگ می کشاند و خوابهای پلاستی کابینه نشینان را نقش بر آب میگرد. در این زمان طرفداران رفرفر هیئت دولت را متهم میکنند که مانع اجرای قوانین هستند. هاعلمی رفسنجانی کابینه دولت را مورد حمله قرار داده و تهدید میکند " اینگونه تاخیرها در عدم اجرای برخی مصوبات مجلس در شان دولت نیست مسئولین این تذکر را جدی تلقی کنند. به مصوبات مجلس احترام بگذارند که ما مجبور نشویم دائما برخوردهایی از این جدی تر بکنیم. " فتواد کریمی نماینده مجلس انتقاد رفسنجانی از دولت را با صراحت بیشتری مطرح میکند: " این برخوردهای ضعیف در شان جمهوری اسلامی نیست. علت این برخوردها خط فکری دولت از مجلس است. " (۶۱/۲/۲۷)

فریاد اشکوری نماینده تنکابن

در مجلس بلند میشود که " ۰۰۰ قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب به سرنوشته میهمی دچار شده تجارت خارجی در محاق فرو رفت و طرح " ۰۰۰ " و قوانین مهم و تعیین کننده هم چنان بسر روی کاغذ باقی مانده اند در مقابل حاج سعید امانی رئیس کمیسیون مجلس در رابطه با قانون تجارت خارجی میگوید: " ۰۰۰ تا قانون قلمرو و ضوابط را تعیین نکرده امکان پیاده شدن این قانون نیست " اولی دومی را متهم می سازد که عمدا در اجرای قوانین تعلل میورزد دومی اولی را متهم می سازد که قوانین بسودن ضابطه و قلمرو اجرائی است.

در سال ۱۳۶۰ تعداد ۱۰۱۵ تن از نمایندگان مجلس طی نامه ای به خمینی خواستار رفع موانع اجرای مصوبه شورای انقلاب در مورد مسئله ارضی شدند اما آیت الله خمینی در این باره پاسخی نداد چندی بعد رفسنجانی طی نامه ای به خمینی از طرف مجلس تقاضای افزایش حیطه اختیارات مجلس در تشخیص و تصویب احکام ثانویه که تا آن موقع به عهده شورای نگهبان بود میشود، خمینی با تنقید اعمال ولایت مشروط به مجلس با این خواست موافقت میکند.

جناح دیگر با محدود دانستن آن در مورد مسائلی بجز مالکیت و ۰۰۰۰۰۰ اختیارات مجلس را در این رابطه بسی استفاده نهاده و از حریم مالکیت نامحدود دفاع میکنند. از سوی دیگر خمینی در عمل به حمایت همه جانبه از مالکیت پرداخته در آنرا همان سال از شورای عالی قضائی و دانتانسی انقلاب میخواهد کسانی که حریم مالکیت را محترم نشمده و نسبت به مسأله اموال سرمایه داران ز الوصف زده اند مجازات کنند او میگوید: " افراد غیر مسئول و احتمالا از گروههای منحرف و گاهی مقامات مسئول که برخلاف مقررات اسلامی و قانونی معترض اموال و املاک محترم مردم میشوند و بطور سر خود به تقسیم املاک و مسأله اموال اعراض می پردازند ۰۰۰۰ باید احضار و پس از اثبات جرم به مجازات برسند "

کشاکش میان جناحهای مختلف رژیم بر سر مسائل گوناگون اما، کلا بر سر تاکتیک و شیوه حل بحران و نحوه بازسازی نظام سرمایه داری جناحهای درونی هیئت حاکمه را به رویارویی مستقیم حتی در هیئت دولت میکشاند.

توکلی وزیر کار موضع جناح ائتلافی را جهت حل مشکلات اقتصادی چنین بیان میکند " ایجاد کار رابطه مستقیمی با مسئله سرمایه دارد هرچه سرمایه گذاری افزایش پیدا کند شغل بیشتری خواهیم داشت و همچنین باید رژیم سرمایه گذاری بعنوان یک نظام اقتصادی و ثروت و کسب درآمد فرقی گذاشت. اسلام و قانون اساسی به دولت چنین اجازه ای نمیدهد که تمام سرمایه گذاری را در دست گیرد دولت به یک کارفرمای بزرگ تبدیل شود. پس بنابراین ملت باید در این راه کمک کند و آنها که سرمایه حلال دارند باید پولهای خود را سرمایه گذاری کنند و دولت نیز آنان را یاری خواهد کرد وظیفه دولت کارهایی است که بخشهای مختلف اقتصادی را نظم دهد. " (اطلاعات ۶۱/۵/۲۷)

این است اعلام مریخ نقش دولت در سیستم. نظم بخشیدن به کارهای بخشهای مختلف اقتصادی یعنی ایجاد هماهنگی تا سرمایه داری با نظم بکارش ادامه نهد.

اختلافات ناشی از ماهیت طبقاتی متفاوت جریانات درونی هیئت حاکمه نیست بلکه عینا بازتاب اجتناب ناپذیر بحران اجتماعی وحدت تضادهاست اختلافات موجود بیاتر دو تاکتیک و دوراه حل جهت بیرون رفتن از بحران است. اختلافات زمانی تشدید شد و دامنه آن به گسیختگی در هیئت دولت کشید که نخست وزیر حملات گسترده ای را به طرح نظارت محدود دولت بر تولید و توزیع کرد. البته حملات تحت عنوان گرافروشان و محرکان صورت گرفت. اختلاف بر سر کنترل و نظارت دولتی بر تمامی فعالیت های اقتصادی از جمله تولید و توزیع به منظور جنب سرمایه ها به روند تولید از یک طرف و تجارت آزاد و سیستم آزاد عرضه و تقاضا و باز گذاشتن دست تجار و نفی کنترل دولتی از طرف دیگر خود را در مسئله برنج نمایاند. یک طرف دارو بسته عسکر اولادی وزیر بازرگانی که آزاد شدن معاملات برنج با کنترل و نظارت وزارت بازرگانی و بسیج حق العمل کاران و تجار را علم کرده طرف دیگر دارو بسته موسوی نخست وزیر کابینه که پس از سپردن مشکل برنج به این و آن و عاجز ماندن





جمع‌بندی...

از حل آن و ناتوانی در کنترل تولید و توزیع از سوی دیگر می‌خواهد با اعلام کنترل دولتی و برقراری نظم سرمایه‌دلی هرچه بیشتری را جنب تولید نماید .

پس نخست وزیر و وزارتخانه‌های را متهم به بازکردن مرزها میکند ، دعوا بالا می‌گیرد کار به مجلس و بر ملا شدن بیشتر حقایق توسط هواداران دو جناح در مجلس کشیده میشود . عسکر اولادی تمام کاسه و کوزه‌ها را بر سر شورای عالی اقتصاد می‌شکند - آفازاده که غافلگیر شده به نمایندگی دولت محترمانه عسکر اولادی را به نروغکوئی متهم میکند . سپس نخست وزیر در تاریخ ۱۳/۴/۱۴ اعلام میکند " توزیع برنج امسال در دست دولت خواهد بود . مرزهای گیلان و مازندران برای خروج برنج باز نخواهد شد " در این برهه اختلافات در ارگانهای مختلف حاکمیت و عرصه‌های اجتماعی بصور گوناگون گاهی لفظی و گاهی بصورت درگیری حاد بروز می‌کند ، از آن جمله اختلافی بود بین وزارت مسکن و شهرسازی (گناآبادی) و حاکم شرع دادگاههای مستقر در شهرداری (آیت الله طباطبائی) بر سر تقسیم اراضی مسانره شده که قانونا بعهده وزارت مسکن بود . اما حاکم شرع انعا می‌کرد " هرکه مسانره کرده ، تقسیم هم میکند من اگر صلاحیت مسانره کردن دارم صلاحیت تقسیم را هم خواهم داشت " (نقل به معنی) که شکایت آن توسط وزیر مسکن پس از جندی نزد خمینی برده شد . او هم بشورای عالی قضائی احاله کرده پس از رسیدگی حاکم شرع عزل و در پی آن گناآبادی از کار برکنار گردید .

اختلافات در این دوره چنان ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد که وزرا پی در پی جهت پاسخگویی به انتقادات و سوالات نمایندگان مجلس فرا خوانده میشوند درگیری کابینه و مجلس بعنوان حادثترین کانون تشنجات درمیآید . تا آنکه خمینی دخالت کرده و تذکر میدهد : " مجلس نباید محلی برای بحث و ساختن اخلاق جامعه باشد ، انتقاد و استیضاح حق مجلس است . اما برخورد با متخلف با آرامی و طرح مسائل اخلاقی بهتر رفع میکند تا با الفاظ نیشدار و مقابله با یکدیگر " فنار نمایندگان مجلس بر

جناح مولفه بورژوازی از یکطرف و سخنرانی خمینی علیه انجمن حجتیه و کلا علیه آنان که در این مجموعه می‌گنجد از طرف دیگر شکاف نروغی هیئت حاکمه را هرچه عمیقتر کرد .

کابینه که تا مدتها بعنوان یک مجموعه (نامتجانس) در مقابل اکثریت مجلس قرار گرفته بود گسست جناح بورژوازی مولفه در مقابل جناح دیگر قرار می‌گیرد و تضادها کاملاً بشکل علنی و رویارویی مستقیم برای قبضه کامل قدرت دولتی عیان میگردد . موسوی نخست وزیر از حمایت ضمنی خمینی و رفسنجانی در این مقطع برخوردار است تلاش میکند در عین تسویه محدود برای جلوگیری از سقوط کابینه با بیرون راندن عناصر جناح مقابل از هیئت دولت ، کابینه مطلوب خویش را بوجود آورد . شدت و دامنه تضادها را تنظیم و کنترل نماید تا جریان امور از دستن خارج نشود . نخست وزیر به هنگام ارائه برنامه پنج سال اول به مجلس اظهار میدارد " که در تدوین این برنامه تمامی ارگانها و نهانها بجز وزارت بازرگانی و وزارت کار و امور اجتماعی همکاری کرده‌اند " تشدید اختلافات منجر به برکناری دو وزیر بازرگانی و کار گردید . در نتیجه گرایشی در کابینه که خواهان کنترل دولت بر تولید و توزیع میباشد و سرمایه‌گذاری در تولید را ترجیح میدهد مسلط گردید . بدینگونه مرزبندی و گروه‌بندی‌های نرون هیئت حاکمه مشخص گردید .

" بورژوازی مولفه " که بدلیل عدم توازن قدرت خود را در شرایط قبضه قدرت دولتی نمی‌بیند ، یک گام عقب می‌نشیند تا در لحظه مناسب ، تهاجم قطعی را علیه کابینه جدید آغاز کند و آن لحظه مناسب زمانی است که بتواند بار تقام مسئولیت بحران و نارسائی‌ها و برآورده نشدن نیاز توده‌ها را بر گردن دولت بیاندازد و با جلانی دولت خود تمام اهرمهای قدرت را در اختیار بگیرد .

عسکر اولادی وزیر بازرگانی در جلسه تودיעی در مجلس اظهار می‌دارد : " من برطبق وظیفه شرعی به وزارت باز - رگانی آمده بودم و طبق وظیفه شرعی دیگر استعفا نمودم " (۱۳/۵/۱۵)

فراوانی برای پرده پوشی اختلافات نرون مجلس و به تبع آن تضاد

های نروغی رژیم و به نفی هرگونه اختلاف در مجلس می‌پردازد و میگوید : " اکثریت نمایندگان مجلس که دولت منبعث از اراده و رای اعتماد آنهاست يك مجموعه یکپارچه ، هم خط و هم دل است یعنی در مجلس به هیچ وجه دو جناح سیاسی مساوی تفنرو و کنتر و یا میانرو وجود ندارد که با هم اختلاف کرده باشند تا دولت وابسته به آنها نیز ترکیبی اختلافی با دو طرز تفکر باشد " (اطلاعات ۱۳/۵/۱۶) از همین زاویه است که فراوانی در ادامه سخنان خود به متن استعفاي دو وزیر مستعفی نیز اعتراض میکند و آنرا بدلیل آنکه نگران کننده و مسئله‌ساز بوده است و باعث تشدید شایعات گشته مورد انتقاد قرار میدهد و از نخست وزیر میخواهد که ترمیم کابینه به نحوی باشد که " باعث کاهش اختلاف و مشکلات و گشایش در امور دولت ... شود " و اظهار میدارد " برای انتخاب و معرفی وزرا جدید باید شرایط عمومی کشور ... دیدگاه‌های روشن مجلس را در نظر گرفته و به‌همین وجه افراد ضعیف و یا مسئله‌سازي که در عمل ممکن است باعث ادامه کفکها و درگیریهای دیگر شوند به مجلس معرفی ننماید " . پس از آن کابینه که اکثریت آن از بوروکراتها تشکیل شده است تحت عنوان پیاده کردن و اجرای قوانین قدرتی یکی پس از دیگری از بورژوازی تجاری سلب کرده و می‌رود تا آنرا از هر گونه قدرتی محروم سازد .

اختلاف جدید :

اختلاف جدید بر زمینه رشد تضاد دو جناح در خط امام شکل گرفت . بهتر است جهت دقیق تر شدن مسائل به بررسی مقولات اساسی مورد اختلاف دو جناح بپردازیم .

اختلاف بر اساس سلب قدرت از بورژوازی تجاری بر اساس وزارتی کردن ارگان های غیردولتی نظیر سپاه جهاد ، و ادغام آنها در قوه مجریه و بر اساس و متکی به عواری عالی اعم از اقتصاد تا نظارت صورت گرفته بود . این اختلافات را بردوش رسالت نابودی قطعی نتایج انقلاب که يك جناح آن هیئت وزیران و جناح دیگر قوه قضائیه بود که سردمدارانی چون موسوی اردبیلی ، موسوی نخست وزیر

جمع‌بندی ...

و رفسنجانی، خویشی‌ها ... و تحصیل کرده‌ها، آمریکائی چون بانکی ... نمایندگان سیاسی آن بودند. این ائتلاف در ارگان‌هایی چون شورای عالی قضائی، هیئت دولت غالب، اما در پارلمان کما بیش غالب است.

از آنجائیکه ائتلاف جدید در صورت تسلط کامل بر مابین دولتی قادر است سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی و ... خود را پیش برد در این مقطع تلاش آن عمدتاً در جهت اعمال تسلط بر ماشین سرکوب، تثبیت نظام وزارتی و ارگان‌های قضائی متمرکز شده بود. این مسئله باعث می‌گردد که برخورد بر سر چگونگی اعمال رهبری و قبضه قدرت محور حرکت قرار گیرد و معیار مناسبی را جهت شناسائی نمایندگان سیاسی " ائتلاف جدید " بست دهد.

شرح چگونگی تسلط این گرایش بر کابینه قبلاً توضیح داده شد حال با استفاده از این معیار به چگونگی تسلط این گرایش بر قوه قضائیه می‌پردازیم.

قوه قضائیه از دو بخش دادگستری و دادگاه‌های انقلاب تشکیل یافته است. تشکیلات دادگستری بعلمت ترکیب لیبرال بوروکراتیک همواره در درون خود نمایندگان سیاسی جدید خود را می‌پرورد. اند و بهمین علت نیز زمینه‌های قدرت‌گیری نمایندگان بورژوازی پیشرفته را مهیا می‌کنند.

بخش دیگر قوه قضائیه هرچند در ابتدا با سیستم سنتی و قرون وسطائی سازماندهی شد، اما با گسترش روزافزونی حرکات توده‌ای از یک طرف و سرکوب لجام گسیخته نیروهای انقلابی از طرف دیگر لزوم سازماندهی یک تشکیلات اداری گسترده را به شورای عالی قضائی تحمیل نمود.

گسترش سازمان اداری از یکسو و تماس با نیروهای انقلابی و آشنائی بیشتر با خواسته‌های آنها که از زبان توده‌ها سخن میگفتند از طرف دیگر باعث گردید آنها خواستار اجرای یکسری رفرم برای از بین بردن زمینه عمیان توده‌ای شوند. بدین سان زمینه پذیرش نقطه نظرات هیئت دولت در این ارگان مهیا گردید.

کشمکش جناح‌های مختلف در دوره اخیر بین فراکسیون‌های مختلف بورژوازی تا آنجا پیشرفت که شرایط حاکم بر زندانها و شکنجه‌گاه‌های رژیم مورد اعتراض گاه بگاه بعضی از سردمداران رژیم واقع گردید. عده‌ای خواهان آزادی زندانیانی که " آزادی‌شان خطری برای جمهوری اسلامی بربر ندارد " میشوند و عده‌ای دیگر داستانی را مورد حمله مستقیم قرار میدهند و میگویند " دادستان خوب داستانی نیست که زندانی زیاد داشته باشد " (نقل به معنی) پانفاری عده‌ای برای کاستن از تعداد آنها هزار زندانی اگرچه تاکنون نتایج مهمی نداشته اما ظاهرانرموارتی به محدود شدن قدرت کسانی که زمانی یک تاز میدان جنایت و آدمکشی و قهرمان اعدام و شکنجه بوده‌اند، انجامیده است.

حتی خمینی در سخنرانی خود به این مسئله اشاره میکند و میگوید: " متصدیان امور و ستاد پیگیری کوشش نمایند که با سرعت به زندانها و حال زندانیان رسیدگی نموده و کسانی که عفوشان ضروری به جمهوری اسلامی نمی‌خورد ... (رسیدگی به وضعشان) را تسریع نمایند ... لیکن با مفسدان و گروهبانهای فاسد و مفسد با عدت عمل رفتار کنند " ستاد پیگیری هیئت رسیدگی به وضع زندانیان را از طرف منتظری تشکیل میدهد. گزارشات هیئت تقدیم امبام و منتظری میشود. تاکید بر اجرای قوانین، اهرم شورای عالی قضائی برای از میدان بدر کردن رقیب میشود. شورای عالی قضائی جهت بهبود وضع سرپرستی و مدیریت زندانها اقدام به تشکیل شورای سرپرستی با پنج عضو میکند. شورای سرپرستی زندانها، زندان اوین را از لاجوردی و زندان قزل‌حصار را از حاج داود رحمانی (تاجر آهن) و ... تحویل میگیرد. و سرانجام با اقدام تشکیلات داستانی انقلاب و داستانی کل لاجوردی از کار برکنار میشود طبیعی است که این اقدامات نه از سر دلسوزی برای آزادی، بلکه صرفاً نتیجه منطقی تضادهای درون هیئات حاکمه برای تضعیف جناح مقابل بوده است و به موفقیت نسبی این جناح انجامید.

بدین ترتیب وحدت نظر میان هیئت دولت و شورای عالی قضائی حاصل شد. ائتلاف جدید در تداوم قبضه اهرم‌های

دستگاه حکومتی و تحت پوشش مبارزه با گرانفروشی و احتکار توسط حاکم شرع دادگاه ویژه امور صنفی دست به بستن سلسله دستگیری و پرونده سازی از عناصر جناح رقیب زد. از جمله شفیق معاونت وزارت بازرگانی کسی که عسکراولادی را فقیه الوزرا می‌خواند بجاوان منصوری معاونت سیاسی وزارت امور خارجه، رخ مفت رئیس سازمان اقتصاد اسلامی (متشکل از تجار بزرگ بازار)، بورا - استادها موهبی نمایندگان مجلس، رفیق دوست رئیس دایره سیاسی ایدئولوژیستک سپاه و برادر محسن رفیق دوست وزیر سپاه، لاجوردی برادر نرخیس اوین ... و غیوران معاون نخست وزیر در امور اصناف مستقر در نخست وزیری، ناظری (مدیر عامل سابق شرکت تعاونی تاکیرانی) و مدیر عامل شرکت همیشه میرال را میتوان نام برد تعدادی از بازداشت‌شدگان چندی بعد با دادن وثیقه و ضمانت از زندان آزاد شدند. همانطور که متذکر شدیم این دستگیریها ظاهراً در ارتباط با مسائل مالی صورت گرفته اما در واقع چیزی نیست جز تضعیف جناح رقیب قبل از انتخابات دوره دوم مجلس.

ائتلاف جدید جدا از اقداماتی که تاکنون در جهت تسلط کامل بر ماشین دولتی انجام داده بموازات و همسو با آن با اتخاذ سیاست‌های مالی و پولسی به نقاط حیاتی جناح رقیب نیز چنگ انداخته است یعنی به کنترل در آوردن تجارت خارجی و داخلی، کانالیزه کردن سرمایه بسوی تولید و ایجاد هماهنگی هائی بین بخش‌های مختلف سرما به و رفرم هائی در حد مناسب با روند تکاملی سرمایه‌داری وابسته. که با مقاومت‌های زیادی توأم بوده است که بشرح مختصر آن می‌پردازیم.

خامنه‌ای در یک مصاحبه مطبوعاتی در مورد ماهیت اختلافات دو جناح میگوید: " ... نیروهای پیرو خط امام (که اصطلاحاً این نام روی جناح‌های حاضر در صحنه اطلاق میشود) از لحاظ اصولی با یکدیگر هیچگونه اختلافی ندارند ... اما همینها در شیوه‌ها در بعضی تاکتیکیها و تعبیرات و در مسائل فرعی و درجه دو اختلافاتی با هم دارند که آنها طبیعی است. " خامنه‌ای





جمع‌بندی...

بیان میکند که اختلافات موجود بینا نگر دو تاکتیک و دو راه حل برون رفت از بحران است. رفسنجانی در جلسه اعضای حزب اختلافات جناحهای مختلف را چنین بیان میکند: "شورای مرکزی حزب متأسفانه از آن یکبارچگی لازمی که بتواند فعال باشد و کار را به پیش ببرد برخوردار نیست و لذا آن قاطعیت لازم را برای تصمیم‌گیری نمیتواند داشته باشد و این عیب الان در حزب وجود دارد و من برای این اشکال جواب روشنی ندارم... اما نظور که من بارها گفته‌ام و سخت به این مسئله پای بند هستم... در میان مسلمانان خوب که هر دوی آنها پیرو خط امام هستند دو طرز تفکر در مسائل اقتصادی و اجتماعی وجود دارد و این اختلافات بواقعی سابقه‌ای است... این مسئله منحصر به قشر خاصی هم نیست و در میان علما هست در طلبه‌هاست، در کارگران هست، در دانشجویان و همه وجود دارد... آن طرف طرز تفکر این دو جناح اسلامی دو طرف فاسدی هم هستند که آنها به این مسائل دامن می‌زنند... آن یکی کمی تندتر فکر میکند و کمونیستها و سوسیالیستها به کار آن دامن می‌زنند... آن طرف که مقداری محافظه‌کارتر و بازتر در مسائل اقتصادی فکر میکند... سرمایه‌دارها و مستکبرین به کار آنها دامن می‌زنند." (۲۵ شهریور ۳۳)

تفاها برخاسته از بحران لاینحل دوران انقلابی به چنان عدت و حدت رسید که شکافی عمیق در سر تا پای رژیم ایجاد کرده است. بهزاد نبوی که به عنوان پایه‌گذار تفکر "ائتلاف جدید" همواره مورد شدیدترین حملات از سوی جناح رقیب بوده به هنگام طرح رای اعتماد به دولت می‌گوید: "من سمبل یک نوع تفکر هستم که بعنوان خاکریز اول مورد هجوم قرار گرفته است..." (مرداد ۳۳) بهزاد نبوی سمبل این تفکر در پاسخ به سؤال یکی از خوانندگان روزنامه جمهوری اسلامی در توضیح نظر کسانی که بعنوان خاکریز اول مورد هجوم قرار گرفته گفت: "بطور کلی به اعتقاد من یک تفکر وجود دارد که آن

تفکر را بعنوان مقابل نام می‌برم که در مسائل اقتصادی به نوعی مسائل اقتصادی نماید بدتر از اقتصاد امریکا معتقد باشد... معتقد است که حتی چاههای نفت را باید به دست بخش خصوصی داد... محور عمده نظر و تفکر من که ممکن است خیلی از بزرگان این مملکت هم داشته باشند این است که جامعه اسلامی باید یک جامعه مبتنی بر قسط و عدالت اسلامی باشد و طبیعا یک چنین جامعه‌ای نمیتواند دو قطبی باشد و کاخ نشینی و کوخ نشینی در چنین جامعه‌ای وجود داشته باشد..." (مرداد ۳۳) نبوی محور نظریات جناح مخالف را که در تفکر شورای نگهبان تبلور یافته درست بیان میکند که بعدا به آن می‌پردازیم اما خودخواهان جامعه مبتنی بر قسط و عدالت، برابری و برابری میشود جامعه‌ای که در آن د و قسط کاخ نشینی و کوخ نشینی وجود نداشته باشد... اما دیگر این تبلیغات عوام - فریبانه راه به جایی نخواهد برد... "ائتلاف جدید" خواهان اجرای برخی رفرمهای پروکراتیک در جهت حل بحران است... این جناح مقابل با بحران موجود را در تمرکز و کنترل ارتجاعی بوروکراتیک دولت بر تولید و توزیع و مصرف و انجام برخی رفرمها نرزمین ارضی میداند... اما هرگام در جهت اجرای برنامه‌های آن نه تنها در تئوری بلکه در عمل نیز با سد مقابله‌ها و مخالفتها جناح دیگر روبرو میگردد.

سعید امامی نایب رئیس کمیسیون بازرگانی مجلس در مباحثه‌ای با کیهان طرز تفکر این جریان را چنین بیان می‌کند: "... فکر اول در حرکت و عمل خود یک نوع بازرگانی سوسیالیستی دولتی را ارائه و اشاعه میدهد... و بدون توجه به شاغل بودن ۲۰ درصد مردم در امر خدمات بازرگانی و توزیع یک بازرگانی به تمام معنی دولتی از مرحله تولید تا مصرف دنبال میکند و از موقعیت فعلی برای پیشبرد افکار خود بالاترین استفاده را میخواهد ببرد..." سعید امامی طرفداران مخالفت دولت در امور اقتصادی را سوسیالیست می‌نامد تا از این رهگنر هم جناح مقابل را آماج قرار نهد و همسویا - لبس واقعی را در نزد توده‌های آبرو سازد و به عنوان سرمایه‌داری دولتی

جا بزنند.

"ائتلاف جدید" تاکنون سیاستهای رنگارنگی بمنظور تعدیل بحران به اجرا درآورده و یا به اجرا نر می‌آورند در حقیقت این جناح تمامی فوت و فنی سرمایه‌دارانه را در تشدید استثمار، ریاضت اقتصادی و... را یکجا بکار بسته است... نمونه‌های مختلفی را میتوان برشمرد... سهمیه‌بندی کالاها، لغو سبید قوانین توزیع، افزایش مالیاتها، تغییر در سیستم بانکی و غیره اخیرا پاداش بهبود کیفیت کالا به آن لیست اضافه شده است.

این جناح برای بقا حکومت، بلزوم تعدیل بحران اقتصادی پی برده است... اما تفاها و تناقضات راه را بر هر راه حل متداول سرمایه‌دارانه سدود کرده و سیاستهای اقتصادی نمایندگان سرمایه پیچیده را عقیم میگذارد بطوریکه دبیرکل شورای اقتصاد که برای اقتصاد کشور برنامه‌ریزی میکند جناب بانکی، رئیس سازمان برنامه و بودجه دست پرورده دانشگاه هوستون آمریکا را پس از شش سال وادار به اعتراف میکند که: "ما هنوز در مورد دامنه فعالیت بخش خصوصی، تعاونی و دولتی هنوز به یک جمع‌بندی نرسیده‌ایم..." اگر هم یک وزارتخانه‌ای یک پیشنهاد داده و در جایی یک کاری کرده است معلوم نیست در نهایت یعنی به شورای نگهبان می‌رود به نتیجه برسد... یک لایحه‌ای الان در مجلس مطرح است بنام نحوه فعالیت بخش تعاونی طرح دیگری در سازمان برنامه تهیه شده بنام نحوه فعالیت بخش تعاونی... این دو تا را بگیرند... ببینید هیچکدام با هم تناسب لازم را ندارد... فرض کنید ما فهمیدیم سیاست، اهرم‌هایی را که بتوانیم این سیاست را اعمال کنیم چیست... بالاخره این اهرمها مورد قبول مسئولین قرار میگیرد و میتوانیم استفاده کنیم و اعمال نمائیم یا با ارزشهای اسلامی مان مغایر است... مسئله دیگری که الان گیر کردیم این است که قسط اسلامی عدالت اسلامی و توزیع چیست... مسئله دیگری را که ما الان سخت دست به گریبان آن هستیم و واقعا خیلی





جمع‌بندی ...

مشکل داریم این نظام بانکی است، " مسئله دیگر که سخت‌تر گیر آن هستیم و کار کردیم و نتوانستیم چیزی که مورد قبول است تهیه کنیم مسئله توزیع کالا در مملکت است " عملکردها نشان داده که این ناتوانیها بیست از اندازه‌ای است که ما فکر میکردیم و نهایتا خیلی از مسائلی که در سال ۶۰ داشتیم هنوز که هنوز است پابرجاست و جواب مشخصی داده نشده است " (گزارش به سمینار دانشجویان اول آبان ۱۳۳۳) پس از ۷ سال تبلیغ برای عدالت اسلامی برائری و برابری هنوز بانکی برنامهریز اقتصاد جمهوری اسلامی نفهمیده آنها چیستند. آقای بانکی اقرار میکند رژیم ناتوانتر از آن است که بتواند قدمی در جهت حل بحران اجتماعی بردارد. هنوز با همان مشکلات سال ۶۰ دست بگریبان است. تازه اگر تظاهرات مورد قبول واقع شوند میداند اهرم اجرایش چیست.

از آنچه از زبان بانکی ذکر شد میتوان به مشکلات لاینحل رژیم حتی در زمینه ابتدائی‌ترین مسائل پی‌بورد. مجموعه توضیحات نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم ادعای خود مبتنی بر رسیدن به ثبات، بیست از پیش‌برتر بحران عمیق سیاسی اقتصادی درگیر تظاهرات لاینحل درونی شده است. حال باید دید جایگاه خمینی در این اختلالات کجاست.

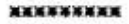
محمد یزدی غیرمستقیم سیاستهای خمینی را چنین میگوید: " در محضر آیت‌الله منتظری به ایشان گفتم، شما مقامتان بالاتر از این است. اگر بند "ج" فتوای شماست مردم مقلد شما نیستند، مقلد امام و سایر مراجع هستند... گفته شما نمی‌تواند به اندازه امام جابقیقتد و آنوقت شما خرد میشوید... آقای منتظری خوشبختانه بخود من گفتند که حالا چه پیشنهادی میکنید. گفتم از امام یاد بگیرید، گفت چطور؟ گفتم امام هرچه میشود به عهده مجلس میگذارند. میگویند مجلس درست میکند هر کوتاهی هم که پیش میآید به

عهده مسئولین می‌گذارند میگویند بروید ببین مسئولین با آنها صحبت کنید. حالا امام اینرا بعهده شما گذارده خوب شما هم به عهده مجلس بگذارید. " همانگونه که محمد یزدی بیسان میکند خمینی هر مسئله مهمی که پیش میآید، تصمیم‌گیری آنرا به عهده یکی از ارگانهای حکومتی مخصوصا مجلس واگذار میکند از جمله مسئله ارضی، کروگانها، و در آینده جنگ خمینی کمتر در مورد رئوس اختلافات اظهار نظر مستقیم کرده است. او با کنار کشیدن خود سعی در حفظ انسجام و وحدت نموده است. همیشه نقش میانجی و هماهنگ کننده سیاستهای طرفین درگیر را داشتند. او سیاستهایش را بوسیله عواملش در حاکمیت همچون اعضای شورای نگهبان پیش میبرد.

برای شناخت سیاستهای ارتجاعی خمینی کافی است سیاست شورای نگهبان دست‌پرورده وی را باز شناخت. که در دفاع از آن به مجلس اعلام کرد که: " اگر چند مرتبه مردم ببینند که در مجلس آنها را که فرستاده اند در مجلس و همه را به لیاقت می‌شناسند اینها رای‌هایی میدهند که فقهای شورای نگهبان برای خاطر مخالفتش با اسلام رد میکنند. خوب در شان شبهه پیدا میشود باید بشکلی رای داده شود که حداکثر

در سال ۲ لایحه از شورای نگهبان رد شود رای‌هایی که شما میدهید، مشورتها زیاد باشد. بلکه گاهی وقتها با بعضی افراد شورای نگهبان مشورت کنید و بعد از اینکه مشورت شد و این امر آنطور شد دیگر نه شورای نگهبان رد میکند و نه مردم ناراضی میشوند، اگر يك وقتى مردم تو خیابان ریختند و شعار بر ضد ما دادند، شعار بر ضد کسانی دادند آنوقت چه مصیبتی است. " نطق‌های وی همیشه بر این پایه استوار بوده که هر دو جناح را از افناگری علیه یکدیگر برحذر بدارد و تذکر این نکته که منافع مشترك هر دو جناح در حفظ رژیم کنونی است و بهتر است مجلس بشکلی رای دهد که شورای نگهبان بپذیرد. خمینی هر گامی که خواسته در جهت حل بحران بردارد (مثل سخنرانی ۳۱/۷۵) الزاما منجر به تفاضات جدید شده و

شکاف هیئت‌حاکمه را عمیقتر کرده است در نتیجه کل نظام را با خطر تلافی روبرو کرده است، اگر بنا بر ماهیت خود بر له بورژوازی عقب مانده فتوی بدهد و علنا از تقدس مالکیت نامحدود و تجارت آزاد همچون شورای نگهبان به دفاع برخیزد اتوبی طرفدارانش از بالا تا پایین درهم خواهد شکست. در آن صورت در نهادهای غیر رسمی شکاف عمیقی خواهد افتاد و حیات رژیم را که این نهادها را علیه انقلاب بکار میگیرد با خطر جدی مواجه میسازد.



خلاصه کلام در مراحل اولیه پس از قیام تظاهرات و درگیریهای جناحهای مختلف بورژوازی خود را در تظاهرات و تقابلها میان دولت بازرگان و شورای انقلاب نشان داد و تمامی ماشین دولتی را فراگرفت دوباره این تظاهرات در شکلی دیگر بروز کرده، شکافهای تازه‌ای پدید آمد و این بار محور درگیریها، اختلافات بنیوتر و حزب جمهوری اسلامی بود. وقایع ۲۰ خرداد منجر به حذف بنیوتر و دارو و دستاخی از قدرت حاکمه شد. در این دوران اوجگیری مبارزات توده‌ها، خطری جدی برای بقا حکومت میشود. از این رو وحدت همه جانبه فراکیونتهای مختلف بورژوازی در جهت سرکوب عساکر گسیخته توده‌ها صورت میگیرد تا مدتی پس از آن یعنی تا مقطع سقوط کابینه رجائی - با هنر این وحدت بطور نسبی حفظ میشود. پس از آن مجلس و کابینه از سنگر وحدت به سنگر تضاد بدل میشود عمده‌ترین نمود تضاد در این دوران خود را در دعوی کابینه و بخشی از مجلس نشان میدهد.

جناح حجتیه با همراهی عناصری دیگر از طرفداران بازار دولت را قبضه کرده‌اند. نخست‌وزیر فاقد قدرت است. انجمن حجتیه در ضمن اینکه از بورژوازی تجاری حمایت میکند. رهبری و ولایت خمینی را نیز بنوعی زیر سوال برده است. در پی سخنرانی خمینی علیه آن مورد حمله قرار میگیرد. در نتیجه عناصری از انجمن حجتیه به همراه تعدادی دیگر از طرفداران بورژوازی تجاری از ارگانهای مختلف کنار گذاشته میشوند.



پیروزی باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



رژیم...

رژیم برای دستیابی به چنین مناطقی و قلع و قمع مخالفین مسلح از هیچ جنایتی فروگذار نکرده است و حتی خوانین را نیز تسلیم نموده است تا بدین هدف خود دست یابد. هدف دیگر رژیم از دامن زدن به اختلافات طایفه‌ای متفرق کردن صف زحمتکشان و سرگرم کردن آنان با اختلافات و عداوت‌های قبیله‌ای و جلوگیری از شکل‌گیری مبارزه طبقاتی و اتحاد زحمتکشان بمنظور تداوم حکومت ننگین خود برای چند صباح دیگر است.

زحمتکشان باید بدانند که عداوت‌های قبیله‌ای نه تنها بِنفع آنان نیست بلکه در خدمت رژیم و منافع استثمارگران میباشد. و حکومت عمداً این نوع نگرانیها را دامن میزند و آنها را که ناآگاهانه به دام این سیاست‌شوم

انحلال مائین سرکوب، ارتش میپا، و ژاندارمری و سایر نیروهای سرکوبگر و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و خوراها و مسلح گشتن خلق و انتخابی بودن مناصب و مقامهای دولتی هستند، سرمایه‌داران و رژیم پاسدار منافع آنها خواهان استثمار و بهره‌کشی زحمتکشان و بجیب زدن حاصل دسترنج زحمتکشان و تداوم نظم استثمارگرانه خود هستند و پابرجائی حکومت خود را در پراکندگی، جهل، نادانی، نگرانیهای قبیله‌ای و مذهبی با همدیگر می‌بینند، تنها راه برافتادن نظم استثمارگرانه و برپائی حکومت زحمتکشان، پرهیز از پراکندگی و عداوت‌های میان خود، اتحاد و دست زدن به مبارزه‌ای متشکل و هم‌آهنگ و قیام برعلیه جمهوری اسلامی میباشد. پس برای این منظور لازم است که زحمتکشان برعلیه تمام عواملی که صفوف متحد آنها را خدشه دار میکند بجانبانند.

رژیم می‌افتند عملاً در مرداب گندیده سیاست‌های هیئت‌حاکمه آلوده میشوند به جاسوس و ضد انقلاب تبدیل میشوند زحمتکشان باید تمام عناصری را که در جهت عملی کردن سیاست‌های رژیم در قبال پول و رعبه حرکت میکنند بدون در نظر داعت وابستگی قبیله‌ای و خویشاوند بودن از میان طایفه خود طرد کنند، این امر در نخست وظیفه افراد همان طایفه میباشد و چنانچه این امر توسط انقلابیون و مخالفین مبارز جمهوری اسلامی انجام گرفت از انتامجوبی پرهیز کنند و بدانند که همکاری با جمهوری اسلامی نشانی با تمام زحمتکشان میباشد زحمتکشان سعادت و زندگی بهتر می‌خواهند زحمتکشان بهداشت و درمان رایگان مسکن مناسب، راه مناسب میخواهند، زحمتکشان آزادی و کار دائم میخواهند آنها میخواهند که بلوچستان صنعتی شود، کشاورزی مدرنیزه گردد، زحمتکشان خواهان برافتادن نظم سرمایه‌داری،

جمع‌بندی...

موازنه قدرت به سود نخست‌وزیر در کابینه به هم می‌خورد از طرف دیگر تضادهای نیروی عواری عالی قضائی موجب کنساره‌گیری عناصر طرفدار بازار از این ارگان میشود بالآخره "ائتلاف جدید" شکل می‌گیرد. ائتلافی بین طرفداران اقتصاد دولتی که در قوه مجریه و قوه قضائیه مسلط ولی در مجلس کما بیش برتری دارد.

مشخص‌ترین ارگان رسمی جناح دیگر عواری نگهبان است - عواری نگهبان اکثر مصوبات مجلس که در رابطه با محدود کردن مالکیت و تجارت صورت می‌گیرد از آن جمله اصلاحات ارضی، تجارت خارجی، توزیع ۲۰۰۰ را بعنوان مغایرت داشتن با احکام اسلام و تسو میکند.

پاسخ روشنی نمیدهد ولی تکذیب هم نمی‌کند او فقط راجع به نقش مهم حزب در سه سال اول بعد از انقلاب سخن می‌گوید (آخر ۳۰) و همانگونه که در انتخابات نشان داده شد خامنه‌ای رئیس‌جمهور نیز با توجه به مواضع که در مورد جریان حجتیه اتخاذ کرده است در این جناح قرار دارد.

نتایجی که از نگرانیها و تفرقه‌ها در میان بالائیها گرفته میشود اینست که عمق بحران اقتصادی و سیاسی موجود چنان است که به هیئت‌حاکمه اجازه نخواهد داد برای مدتی هرچند کوتاه فارغ از نگرانیها و تضادهای شدید به حکومت خود ادامه دهد. گسترش بحران بنحو اجتناب ناپذیری تضادهای نیروی هیئت‌حاکمه را تشدید کرده است. تشدید تفرقه‌ها در هیئت‌حاکمه که خود تجلی تفرقه‌ها و بحران عمومی جامعه است. زمینه بسیار مناسبی برای رشد و گسترش مبارزات توده‌ها میباشد.

اما برای توده‌ها بمنظور ریشه‌کنی کلیه زمینه‌هایی که بحران اقتصادی بر بستر آن ایجاد میشود بمنظور رفع قاطع زمینه‌های فقر، فلاکت و سرکوب بمنظور حرکت در راستای برپائی جامعه آزاد و عاری از استثمار فقط یک راه وجود دارد، برقراری جمهوری دمکراتیک -

تیک‌خلق و حرکت در راستای ساعتگرد - سوسیالیسم

« اگر کابینه طبق قانون اساسی از یک حدی وزرایش استعفا دهند منحل میشود و باید کابینه جدید معرفی کند »

« لاجوردی در هنگام تحویل زندان اوین حدود ۸۰۰ زندانی طبق دفتر آمار اوین کم داشته است. باند لاجوردی بیا گرفتن رعبه مبارزه به آزادی زندانیان می‌کرده است. پس از تحقیقات ستاریان حسینی هلالی ۳۰۰ از این باندها بازداشت شده‌اند. ستاریان بعد از انتقال بهمت‌داستانی خوزستان - اهواز منصوب شد و از اولین کسانی بود که احکام اعدام را صادر کرد و بالآخره توانست به اوین راه یابد. ستاریان و کیسل بوده و توانست سیستم اداری و تشکیلات اوین را سازماندهی کند. او همدیسف لاجوردی بوده است. ستاریان حدود ۲۰۰۰ حکم اعدام صادر کرده است. یکی از آخرین سمت‌های وی رابط داستانی اوین (نماینده) یا دادگاه عالی قضائی قم بوده. احکام اعدام باید به تأیید دادگاه عالی میرسید »

XXXXXXXX

کمکهای مالی

۴۰۰۰ ریال	نظام
۴۵۰۰۰ ریال	الف ۱۹
۴۵۰۰۰ ریال	الف ۲۰
۴۵۰۰۰ ریال	م - ل - الف
۲۲۵۰ ریال	ع - ط
۴۵۰۰۰ ریال	در محمد سرودی
۲۰۰۰۰ ریال	م - ز - ۱۳
۵۰۰۰۰ ریال	م - ز - ۱۴
الف ۱۹ - سه عدد بادگیر رسید.	
م - سه عدد بادگیر رسید.	
رفقای دبی نوزین ارسال شما رسید.	

XXXXXXXX



بندک است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست پرزگر

☆☆☆

گرامی باد خاطرۀ فدائی

رفیق شهید

صدیق دیده‌ور

(بهرام)

بحران اقتصادی رژیم

نظائر خصلت بلاواسطه جهانی انباشت سرمایه است. ادامه مییابد بعد از آن نیز، دولت همواره، تحت اشکال گوناگون، دخالت نموده است. لیکن بویژه بعد از بحران سالهای دهه سی قرن حاضر، و از جنگ جهانی دوم به بعد است که دخالتهای اقتصادی دولت‌های بورژوازی وسعتی بی‌همتای اشکال جدیدی بخود گرفته است.

این دخالتها به توضیح علل تضعیف بعضی از تفاهات در گردش سیستم سرمایه‌داری، از جنگ جهانی دوم به بعد، در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته

بقیه در صفحه ۱۲

تصادمات طبقاتی در آنجا منحرف‌کننده و موقتا بنفع بورژوازی حل شود. دولت ابزار ممتازی است که توسط بورژوازی برای حفظ تقسیم جامعه به دو طبقه و بنا بر این برای حفظ شرایط کار مستمندی، بکار می‌رود. تاسیس دولت بورژوازی تابع نحوه بهره‌برداری مورد نظر بورژوازی بوده است و نمیتواند مورد بهره‌برداری طبقه کارگر قرار گیرد، بنا بر این دولت در عین حالیکه وارد جریان عمومی مبارزه طبقاتی میگردد، ابزار سرکوب قانونی آن نیز میباشد.

از بدو تشکیل سرمایه‌داری، بورژوازی تازه متولد سعی نموده است از دولت برای تحکیم مواضع طبقه خود استفاده کند. این استفاده اشکال متعددی بخود گرفته که از تدارکات جنگی، ایجاد کارخانه‌های دولتی، توسل به سیاستهای حمایتی و قانونگذاری علیه دهقانان، تا تأمین مالی و تحقق بخشیدن به لشکرکشی‌های استعماری، که

بر خلاف آنچه که ایدئولوگهای بورژوازی و فرمیستهای مختلف اظهار میدارند، دولت آلتی بیطرف نیست، کسانیکه از م - ل حتی اندکی سرور می‌آورند میدانند که دولت مفهومسی طبقاتی دارد. لنین میگفت " وجود اعضای از طبقه مخصوص که حاکمیت در دست آنها متمرکز شده است نشانه دولت میباشد " دولت وسیله و آلت مبارزه طبقاتی، ارگان مستعمری یک طبقه روی طبقه دیگر است. هر دولتی دولت دیکتاتور طبقه معینی است. دولت تا زمانی که موجود است نمیتواند مافوق طبقات باشد. این بورژوازی و حزب سیاسی آن و دولت بورژوازی است که سعی نموده بهر وسیله ماهیت طبقاتی حاکمیت دولتی را روپوشی کند، برای بورژوازی معرفی دستگاه دولتی را که در دست مییابد ضروری است که بعنوان آلتی بیطرف و ماوراء طبقات معرفی نماید. این ظاهر بیطرفی شرط واجب است تا دولت بتواند محلی باشد که

با کمکهای مالی خود



سازمان رایاری رسانید

و تنی عاقبت دست‌گراگ کومانی الهین حق انت

اخبار عملیات پخش در زاهدان



متوالی بطور منظم در آن محدوده به گشت زنی پرداخته اند .

۱۰ اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

تعدادی برجیب تبلیغاتی سازمان در کوی کارگران زاهدان توسط هواداران سازمان نصب شده است (روزهلی بعد گشت کمیته چند مورد تردد در آن منطقه داشته است) .

۱۴ اسفندماه ۶۴ - زاهدان :

پخش نشریات و اعلامیه سازمان :
تعدادی برجیب تبلیغاتی سازمان در منطقه خانه های مسکونی جام جم چسبانده شد . این عمل انقلابی مزدوران ساوا و مائو رژیم را که تعدادی از آنها در این مجتمع مسکونی ساکن هستند نگران و وحشت زده کرده و اکثر کسانی که خیرپخش این عمل انقلابی را شنیده خوشحال شده اند . در همین تاریخ تعدادی اعلامیه مربوط به سرکوب خلق بلوچ در همین منطقه با موفقیت پخش گردیده است .

بقیه در صفحه ۸

۱۰ اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

تعدادی برجیب تبلیغاتی سازمان در کوی کارگران زاهدان توسط هواداران سازمان نصب شده است (روزهلی بعد گشت کمیته چند مورد تردد در آن منطقه داشته است) .

۱۴ اسفندماه ۶۴ - زاهدان :

پخش نشریات و اعلامیه :
در این تاریخ تعدادی نشریه با می استار و اعلامیه در رابطه با سرکوب توده های بلوچ در کوی متحدین زاهدان با موفقیت پخش گردید . این عمل انقلابی با استقبال فوق العاده توده ها و خوشحالی آنها روبرو شده است . مزدوران رژیم از این عمل وحشت زده شده و روزهای

مدنی چه میگوید؟

مدنی نوکر حلقه بگوتن سرمایه داران و نماینده انتصابی بر مردم سراوان در تاریخ ۱۱/۱۱/۶۴ در پاسخ خبرنگار جمهوری اسلامی اراجیبی بیان داشت که نشانه های ماهیت این مزدور و رژیم خون آخام جمهوری اسلامی است . او در پاسخ خبرنگار که می پرسید مسائل و مشکلات شهرستان سراوان چیست ، ا بقتدا جغرافیا ی سراوان را تعریف کرد و حدود و ثغور تیول خویش را تعیین نمود و سپس گفت : " از نظر سیاسی الحمدلله فعلا مسئله خاص و حادی نیست ۱۰۰۰ الحمدلله ما الان از يك موقع خوبی آنجا برخوردار هستیم و نظام جمهوری اسلامی ایران مثل جاهای دیگر تثبیت شده است " و سپس گفت اگر چه این شهرستان از نظر اقتصادی واقعا عقب افتاده است و مسائل

بقیه در صفحه ۲

اخبار

اسفند ماه ۶۴ :

توده ها شده بود ، بطرزی که مجبور شد برای جلوگیری از آبروریزی بیشتر آنها را پس از دو روز بی سرو صدا آزاد کند .

بقیه در صفحه ۳

چند نفر جوان که برای چیدن گیاهان غذایی همراه خانواده های خود به اطراف منطقه کهن داوود سراوان رفته بودند توسط گروهان ژاندارمری دستگیر می شوند . علت دستگیری گزارش آقای فرماندار است که هنگام عزیمت به سراوان آنها را می بیند و فوراً گزارش می کند که عده ای از افراد مسلح مشغول کندن سنگر در کهن داوود هستند بعد از دستگیری به آنها می گویند که با گروه های مسلح ارتباط دارند و علیه رژیم اعتراض آنها در بازداشت نگهتان میدارند . این عمل باعث تمسخر رژیم از سوی

با کمکهای مالی خود

سازمان رایاری رسانید



پروشات اسلامی جمهوری اذ ببيت راجی دمکراتیکین جمهوری



مدنی

اقتصادی و مشکلات عدیده دارد که ثمره حکومت طاغوت است منتها مردم با تمام مشکلات اقتصادی اونجا با يك وسعت قلبی از مهمانی خود پذیرائی می‌کنند ... حتی بعضی اوقات دیده شده که اگر مهمانی به یکی از این پلانسها و چارترها رفته و اونجا مهمان شده اگر اونجا - حب چارتر بهی زبان يك گوسفند بیست - نداشتن همون يك گوسفندشو هم برای مهمان گذرته و این چیزی است که اونجا خیلی به چشم دیده می‌شه و چیزی است که تقریباً مردم اونجا اخلاقی که نسبت به بقیه انسانها دارند و انسان دوستی که دارند و همت عالی که دارند این اونجا مشاهده میشه. این اساس و استخوان بندی سخنان مزدورانه ایت که مدنی خائن در پاسخ به خبرنگار می‌گوید. اراجیفی که نماینده مزدور شهرستان سراوان در تاریخ ۲۸/۱۱/۶۴ در پاسخ خبرنگاران صدام جمهوری اسلامی بیان داشت نشاندهنده ماهیت این مزدور و جمهوری اسلامی است. برای هر شنونده یا بیننده‌ای که از مشکلات مردم بلوچستان کمترین اطلاعی داشته باشد روشن و آشکار است که عمق فقر و سیه روزی مردم این استان بمراتب بسی بیشتر از سایر مناطق ایران است اگرچه عمومیت این سیه‌روزی در سراسر ایران بالای خانما نسوزی بجان همه است اما هیچکس نمی‌تواند این مسئله را انکار کند. جز شعبده‌بازی بنام مدنی خائن که علناً و آشکاراً در روز روشن در حضور هزاران مردم رنج‌دیده بلوچستان و میلیونها مردم سراسر ایران بسا کمال وقاحت و بیشرمی مشکلات مردم را لاپرواخی می‌کند. البته هم او و هم رژیم می‌دانند که مردم زحمتکش در پنجه چه مشکلاتی فشرده میشوند و در اندیشه چه آینده‌ای هستند. و می‌دانند که در پس دیوار هر خانه‌ای اندک اندک تدارک سرنگونی آنان ریخته می‌شود. آنها بخوبی میدانند که احدی از مردم با هیچ ترفندی حاضر به حمایت یا قبول این جمهوری با نمایندگان خود فروخته‌ها نیست. لذا مدنی امیدی ندارد که مردم نره‌ای به او میل کنند تا چه رسد به

حمایت پس لزومی هم ندارد که حتی بظاهر از مشکلات آنان سخن بگوید او. از سفره سرمایه داران و خوانین و عمال و سردمداران جمهوری اسلامی سرمایه داران چنان سرمت است که از بازدید پلانس فقیران تنها بوی کباب تنها گوسفند مرد عیسیره در دماغش مانده است و افسوس می‌خورد که این "صاحب چارتر بهی زبان" حتی تنها گوسفندش را برای میهمان میکشد در حالیکه خود فقیر است و دیگر چیزی نمی‌بیند و بغاطرش نمی‌ماند. او نمی‌بیند که پلانس نشینان در چنگال بیماریهای گوناگون دست و پا می‌زنند و بچه‌ها بیگانه جلوی جمعشان می‌مرد و او نمی‌بیند که هزاران انسان فقیر و آواره در کوههای بلوچستان بیکار و بی‌نان و بی‌تنپوش بسر می‌برند و برای لقمه‌ای نان از تانزانیا تا کویت و تمامی قاره اریتریا پا می‌نهند و نمی‌بینند که هزاران چشم حسرت زده پلانس نشینان منتظر مختصر پولی است که از خلیج خون آلود برایشان برسد و نمی‌گوید که ارتش و مزدوران آنها هر روز چندتن از اینان را به جرم فقط حمل دو کارت پست پودر رختشویی یا چند کیلو موز به رگبار می‌بندند و او نمی‌بیند و نمی‌گوید و آنکه از کشتن تنها گوسفند برای میهمان دل رحیمی بندد می‌آید از کشتن تنها پسر خانواده توسط جمهوری خم به ابرو نمی‌آورد زیرا که خود از فرماندهان کشتار است. آری ای بسا نماینده مزدور همچون تمامی سرمایه داران دنیا فریبکارانه چنان دل نازکی از خود نشان میدهند که گوئی آزارشان به مورچه‌ای نرسیده است. مور و ملخ و سگ و فیل و گاو را مورد حمایت قرار میدهند و دست نوازش بر سر حیوانات می‌کشند زمانیکه گلوله‌ها ایشان قلب مردم را نشانه می‌رود و کودکان را بسی هیچ ترحمی به رگبار می‌بندند و زندان‌ها ایشان مملو از شکنجه‌های قرون وسطانی است و مدنی اینها را نگفت. او گفت عقب ماندگی مربوط به دوران طاغوت است. و مردم بلوچستان خوب میدانند که طاغوت هم می‌گفت عقب ماندگی مربوط به وضع آب و هوا و هزاران مسئله دیگر است و همانطور که شما آقای مدنی گوشت تنها گوسفند مرد پلانس نشین را تناول کردید آن لکاته دربار شاه هم نشان زن پلانس نشین را به تنور زد و عوام -

فریبانه خود را همراه مردم و دانای درد مردم جلوه‌گر ساخت و دیدی که مردم نپذیرفتند و چه بروزش آوردند دوران مکاران و رویاهان دغلكار دیگر گذشته است. شما به همت عالی انسان دوستی مردم اشاره کرده‌اید آری مردم زحمتکش بهمین خاطر که دوستان واقعی همديگرند و علاقه‌ای عظیم نسبت به همدران خود دارند به دشمنان مردم که شما باشید نیز کینه‌ای عمیق دارند زیرا نمیتوان انسان دوست بود و بسا دشمنان انسان کینه نوزید. بهمین خاطر مدنی و رژیم می‌دانند که آنسوی سکه "انسان دوستی" مردم دشمنی خلل ناپذیر با رژیم سرمایه داران انسان دوست است.

در این مصاحبه عمده ترین مسئله‌ای که نماینده مزدور رژیم به آن اشاره کرد و می‌خواست آنرا حقه کند همان تثبیت رژیم بود. آرزوی محالی که همه سردمداران رژیم به انواع مختلف در حسرت آن می‌موزند. اختلافات داخلی مردم فزاینده‌شان بحران عمیق اقتصادی مهارنشده، سیاستهای سوپر ارتجاعی و تفکر فسیل شده قرون وسطایی و مبارزات مردم فزاینده توده‌ها بسی تاثیر شدن یا کم اثر شدن ارباب و تهدید بدرجات مختلف در نقاط مختلف مسلح بودن بخشی از توده‌ها و حضور نیروهای انقلابی در اقصا نقاط کشور بروز اعتصابات و تظاهرات انقلابی همه و همه حسرت تثبیت را بدل حکومتی نهاده است از اینرو هر روز ناچارند با قسم و آیه به مردم تفهیم کنند که تثبیت یافته‌اند تا دل‌های ست‌رابلرز-انند و آن‌خدمه‌خویش را که در ترون صفوف انقلاب جا خوش کرده‌اند دل‌داری نهند و علم تثبیت و شکست انقلاب بست‌آنان بسیارند که علمدار شکست انقلاب و تثبیت حکومت گردند. اما امروز حتی آن علمداران که روزی علم شکست انقلاب برافراشتند در مقابل خیل عظیم حرکات انقلابی و مردم فزاینده و پایده‌های خاکستر نشسته تخت جمهوری چنان پا پس کشیدند که گوئی زیر خوارها لفاظی گناه خویش مدنون می‌کنند و امروز پایه لرزان رژیم

بقیه در صفحه ۸

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم



اخبار

ایران شهر، منطقه بزمان، نما نشیر
اسفند ماه ۶۴ :

گروگانگیری برانر نماینده شهرستان
بم بنام همت ناروئی به علت تضادهای
حاکمیت و کشتن وی پس از مدتی : این
عمل به علت تسویه حسابهای مزدوران
رژیم با یکدیگر و در اثر تشدید
تضادهای نیروی جناحهای حاکمیت میباشد
برانر نماینده بم که قبلاً عضو فعال
سیاه و کمیته بوده از منزل ربوده
عده و به گروگان گرفته میشود و خود
نماینده بم بنام حاتم ناروئی به
منطقه عشایری بلوچ نشین نما نشیر
وارد عده و وحشیانه جهت پیدا کردن
برانر ش به اذیت و آزار توده های پرادا
و توسط سیاه عده زیادی را دستگیر
میکنند که سرانجام بعد از ۴۰ روز از
گم شدن برانر نماینده جسد او را در
فاصله ۱۵۰ کیلومتری جاده بم به
ایران شهر پیدا می کنند .

اسفند ماه ۶۴ - ایران شهر و سراسر استان

بیرامون جابجائی منازل امام
جمعه های جنایتکار : مدتی است که در اثر
بحران انقلابی و خیزش توده های مزدوران
به وحشت افتاده اند و بی ترسی ترسند
تغییر منازل خود می نمایند تا از غم
توده های خود را نجات دهند در نتیجه
پس از جابجائی عبادی مزدور امام جمعه
زاهدان اینک امام جمعه مزدور ایران شهر
نیز از منزل خود نقل مکان نموده است .

اسفند ماه ۶۴ - ایران شهر :

رژیم جمهوری اسلامی که قادر به
مقابله با افراد مسلح نمی باشد و بر
مناطق مسلط نیست در اسفند ماه تعدادی
اسلحه را بین مزدوران منطقه دلگهان
و اسفند جهت مقابله با فعالیت نیروهای
انقلابی و افراد مسلح توزیع نموده تا
در مواقع ضروری در جهت اهداف رژیم
گسیل شوند .

اسفند ماه ۶۴ - ایران شهر :

در اثر انفجار کپسول گاز که
باعث از بین رفتن چند نفر از یک
خانواده گردید رژیم به هراس افتاده

و با پیاده کردن نیروهای زیادی در
محل بمب گذاری و انفجار را عنوان نمود
ده اما بعد از متوجه شدن مسئله
سرافکننده ترس خود را از توده های پنهان
داشته و نیروهای خود را به مراکز
سرکوب برمیگرداند .

نیمه اول اسفند ماه ۶۴ - ایران شهر :

در اثر تشدید فعالیت های انقلابی
بالاخره هواداران رزمنده سازمان در منطقه
رژیم مبارز به ایجاد پایگاه مقاومت
در مسجد آل رسول ایران شهر نموده تا
از این طریق جلوی فعالیت نیروهای
انقلابی را سد نماید .

اسفند ماه ۶۴ - سراوان :

بدنبال ترگیریهای افراد مسلح
با رژیم فرمانده ناحیه ژاندارمری
استان به سراوان آمده و به کلیه
ماورین مزدور ژاندارمری اعلام میکنند
مگر شما خون در رک ندارید که امنیت
رژیم به هم خورده شما موظف هستید که
امنیت را هر طوری شده باز گردانید .

اسفند ماه ۶۴ - جالی :

هلیکوپترهای رژیم در هنگام
گشت زنی به چند توپوتا که در تردد
بودند مشکوک می شوند و فوراً در جلوی
آنها به زمین می نشینند و راننده ها
را پائین آورده و موثر ماعینها را به
رگبار می بندند و فوراً خود پرواز میکنند

اسفند ماه ۶۴ - سراوان :

کمیته ایها در هنگام گشت زنی در
شهر سراوان به ماعین حامل نیروهای شهر
بانی تیراندازی میکنند که تیر به ماعین
امابت نمی کند ، فوراً نیروهای رژیم
کمیته مزبور را خلع سلاح نموده که
بعداً کمیته وساطت می کند و اظهار میدارد
که اشتباه شده است .

اسفند ماه ۶۴ - خاش :

دستگیری چوپانها به جرم همکاری
با افراد مسلح مخالف رژیم در تاریخ
۱۵ اسفند چند چوپان بلوچ که در اطراف
کوه های دهبابید (۶۰ کیلومتری خاش)
به چرای گوسفندان مشغول بودند توسط
کمیته چوپان مظنون تشخیص داده شده و
دستگیر میشوند و آنها را با خود
می برند تا بحال از وضعیت آنها خبری
در دست نیست .

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

دستگیری گسترده مردم عادی توسط
کمیته چوپان : ۵ نفر جوان بلوچ که در
تاریخ ۱۷ اسفند برای گردش و تفریح به
کوه های اطراف زاهدان رفته بودند توسط
کمیته چوپان دستگیر و به زاهدان زندان
ساوا ما برده شده اند . در جواب اقوام
و کان دستگیرندگان مزدوران کمیته
گفته اند که به آنها مطمئنند و تا
تحقیقات و تخصیص هویت آنها بایسد در
اسارت و زندان بمانند .

اسفند ماه ۶۴ :

در پی صدور بخشنامه از سوی
آموزش و پرورش روسای مدارس به
دانش آموزان اعلام می کنند پولهای
(عیدی) خود را در ایام عید جمع آوری
و در قلم نگهداری کنند . و پس از
ایام عید جهت کمک به جبهه های جنگ
تقدیم دارند . و تهدید می کنند در
صورت نیاوردن قلم خود نمره انضباط
آنها کم خواهد شد .

اسفند ماه ۶۴ - زابل :

در پادگان آموزشی زابل که
سربازان دیپلمه و عادی مشغول آموزش
نظامی هستند ، اعلام شده که بایسد
هزینه خانواده سربازان متاهل را از
طریق جمع آوری کمک از سربازان دیگر
تامین نمود . این اعلام بدنبال مراجعه
یکی از سربازان متاهل که نان آوری
خانواده با چهار فرزند است به فرمانده
پادگان صورت گرفت فرد اخیر که دستگیر
و بزور به سربازی فرستاده شده از
هزاران سربازی است که بالاجبار
و علی رغم میل باطنی به سربازی آورده
شده و کینه خالی رژیم توانائی حسی
پاسخگویی به شکم گرسنه زن و بچه این
قربانیان را هم ندارد . و چشم
طمع به جیب خالی سربازان نیز میدوزد .

اسفند ماه ۶۴ - ایران شهر :

در اثر ترگیری بین ماورین
مزدور ژاندارمری با مردم منطقه
راسک که مدتی است ادامه دارد ، سیاه
و بسیج به یاری و نجات ماورین
ژاندارمری به منطقه ترگیری رفته اند
در نتیجه ترگیری شدت یافته و یک نفر
از نیروهای بسیجی رژیم به هلاکت میرسد



اخبار

اسفندماه ۶۴ - خاش :

باز هم پاسداران سرمایه جفاست
آفریدند : در تاریخ ۱۵ اسفند ۲ نفر
که سوار بر موتور بوده در ابتدای
جاده خاش توسط پاسداران به رگبار
بسته می‌شوند و هر دو نفر در دم جان
می‌پارند. خبر این عمل جنایتکارانه
عمال رژیم سرعت در شهر زاهدان پخش
گردید و بر نفرت و انزجار توده‌ها
علیه رژیم افزوده است.

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

در پی اعتراض مردم زاهدان علیه
کمبود ارزاق عمومی و سایر لوازم ضروری
فرماندار و شهردار زاهدان مالکسی و
جعفری مزدور در مسجد ابوذر در تاریخ
اول اسفند به توجیه نارسانه‌ها و
مشکلات پرداخته و همه را به بهانه‌چنگ
قابل توجیه دانسته و مردم را به صبر
دعوت کردند.

۶۴/۱۲/۵ - زاهدان :

شمار مرگ بر کمیته‌ای بصورت درشت
در جلوی دبیرستان دخترانه پروین نوشته
می‌شود. مزدوران رژیم وحشت زده و هراسان
از تاریخ فوق (۱۵ اسفند) برگشت زنی
و مراقبت خود افزوده و فشار را بر
دانش آموزان دختر دبیرستان افزون
کرده‌اند.

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

در پی عملیات والفجر ۸ و تلفات
زیاد رژیم میل کشته‌ها به منطقه
سرازیر شده روزی نیست که در شهرهای
استان تشییع جنازه‌ای صورت نگیرد، مشت
نمونه خروار آن ۴۶ نفر از پرسنل
رادیو تلویزیون بوده که به جبهه
رفتند که ۶ نفر کشته و بقیه آنها
در جریان بمبارانها شدیداً مجروح
شده‌اند.

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

اخازی از توده‌ها و چپاول و غارت

آنها تحت توجیهاتی نظیر کمک
به جبهه‌ها : مزدوران جهاد سازندگی
رژیم از روستائیان محروم و فقیر چاه
احمد و قلعه بید از توابع بخش نصرت
آباد شهرستان زاهدان ۱/۵ تن گندم
بزور و اجبار برای جبهه‌ها اخازی
کرده‌اند. این در شرایطی است که
بر اثر سیاستهای ارتجاعی رژیم در ابعاد
اقتصادی روستائیان محروم سطح زندگی
بسیار پایین می‌باشد.

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

قطع پی در پی آب و ناراضی‌تبی
توده‌ها: مدتی است که آب زاهدان روزانه
بمدت ۱۰ الی ۱۲ ساعت از طرف رژیم قطع
می‌گردد، این امر باعث ناراضی توده-
ها و تلفن زدن‌ها و شکایات زیادی به
اداره آب و برق شده که این اداره قول
داده در اسرع وقت این نقص را رفع
نماید رژیم خیانت‌پیشه جمهوری اسلامی
حتی از برآورده کردن اولین نیازهای
حیاتی مردم مثل آب عاجز است.

اسفند ماه ۶۴ - ابرانشهر :

تغییر پی در پی در فرماندهی کمیته:
چون مدتی است در منطقه ابرانشهر
درگیری بین افراد مسلح رژیم جمهوری
ادامه دارد و در پی این درگیری‌ها
فرمانده کمیته نتوانسته با قاطعیت
در جهت اهداف رژیم عمل نماید. بنا بر
این فردی بنام ورزدار را بعنوان فر-
مانده جدید کمیته ابرانشهر منصوب
نموده تا با قاطعیت در جهت سرکوب
و اذیت و آزار توده‌ها حرکت نماید و از
این طریق ثبات بیشتر برای رژیم ایجاد
نماید. آری رژیمی که به هیچ وجه
قادر به ایستادگی برابر مبارزه توده‌ها
نیست با تغییراتی در پی مهره‌های
خود سعی دارد چند صیاحی دیگر به عمر
سراسر ننگین خود بیفزاید.

اسفندماه ۶۴ - زاهدان :

سینار دو روزه فرمانداران استا
با حضور اشجع استاندار و معاون استا-
نداری در محل استاندار برگزار گردید
که این جلسه بیشتر به خاطر مسائل
سیاسی و امنیتی تشکیل شده بود و فرما-
نداران شهرستانها طی گزارشی هر کدام

وضعیت سیاسی و امنیتی منطقه خود را
بیان کردند و سرانجام تصمیم‌گیریهای
لازم در مورد برخورد با مسائل سیاسی
و امنیتی گرفته شد. این جلسات هر ماه
یا هر ۱۵ روز یکبار با حضور مسئول
اطلاعات استان تشکیل می‌شود.

اسفند ماه ۶۴ - چابهار :

بر اساس برنامه‌های سریع بندرچا-
بهار و اسکله‌های مربوطه رژیم اخیراً
جهت گسترش گمرک چابهار مشغول به احداث
۱۶ دستگاه واحد مسکونی جهت کارمندان
گمرک گردیده است تا نیروهای لازم را
در این بندر مستقر تا بهتر بتوانند
ترخیص کالاها را سرعت بخشند. اجرای
این طرحها صرفاً در جهت اهداف و منافع
مبرم رژیم انجام می‌گیرد در صورتیکه
در چابهار حدود ۸۰٪ کارمندان ادارات
دیگر فاقد منزل سازمانی می‌باشند و
هزینه سنگینی را بابت اجاره به-
می‌پردازند.

۶۴/۱۲/۳۳ - زاهدان :

عبادی خائن طی خطبه‌های نماز جمعه
که در گذشت کاشانی ارتجاعی را با آب
و تاب بیان میکرد او را در حد يك
قهرمان بالا برده بود و بعنوان مبارزی
پیگیر با استعمار انگلیس از او یاد
کرده و در مقابل صدق را فردی خائن
و مزدور انگلیس یاد کرد و طی سخنانی
با کتمان تاریخ کاشانی را رهبر ملسی
کردن نفت معرفی نموده و از زحمات
او در مورد ملی کردن نفت قدرانی کرد

اسفند ماه ۶۴ - ابرانشهر :

درگیری مزدوران پاسدار با مردم
منطقه زردکوه : مدتی است رژیم دیوا-
نوار سعی دارد جیبونی و وحشت‌خود
را پوشیده نگه‌دارد بنا بر این برای
عکس العمل در مقابل اعتراضات
بمناطق عشایری رفته و به اذیت و آزار
توده‌ها مشغول می‌شود که به علت
درگیریهای همیشگی سپاه با مردم در منطقه
زردکوه يك نفر از عشایر بلوچ بنام
عبدی زردکوهی کشته شده است.



ضد امپریالیستی جیره‌خوار چه جیره‌په‌دمکراسی‌آنهاست



اخبار

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

کارهای عمرانی رژیم از قبیل غارت و چپاول توده‌ها : اسفالت کردن کوچه و خیابانها که رژیم به عنوان اقدامات رفاهی و عمرانی در بلندگوها تبلیغات خود اعلام می‌کند تماماً از جیب توده‌ها پرداخت می‌شود. رژیم از هر خانه مبلغ ۵۰۰ الی ۱۰۰۰ تومان برای اسفالت کوچه‌ها بزرگ و اجبار می‌گیرد. در این مورد اعتراضات زیادی به شهرداری شد. اما شهردار مزدور اعلام کرده فقط در صورتی می‌تواند این کار را انجام دهد که پولش را مردم پرداخت کنند. رژیم ورشکسته حتی در این زمینه هم توده‌ها را غارت و چپاول می‌کند.

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

فرار جوانان از سربازی، فرار سربازان از جبهه و پادگانها و سایر اقدامات انقلابی پرسنل انقلابی ارتش علیه رژیم و جنگ ارتجاعی قوه قضائیه رژیم را وادار کرده که تشکیل دادگاه‌های نظامی و برپا کردن جوخه‌های اعدام را تدارک ببیند. در پی این فرمان در استان سیستان و بلوچستان دو دادگاه نظامی در لشکر ۸۸ زرهی زاهدان و در پادگان آن توسط فرماندهان مزدور ارتش و با همکاری دایره ایدئولوژیک سیاسی ارتش بوجود آمده است. تا در آینده توسط این نهاد و ارگان ضدانقلابی و ارتجاعی پرسنل انقلابی و مبارزی را که علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم در ارتش قیام کنند به اعدام محکوم سازند. تشدید گشتزنی‌های گشت‌چنداله و دستگیری جوانان جهت رفتن به خدمت سربازی و کمک با عوامل سرکوبگر کمیته درمرزها و نواحی جنوبی بلوچستان نمونه‌ای دیگر از عملکرد ضد انقلابی ارگانهای سرکوب مادی رژیم است.

زاهدان :

تجمع مزدوران رژیم در گلوگاه هلی شهر زاهدان و تفتیش و بازرسی توده‌ها : این گلوگاهها شامل جاده ابتدائیی ورود به شهر زاهدان که گردانندگان آن کمیته‌ها می‌باشند. گلوگاه میرجاوه که شامل یک کمیته می‌باشد که افرادی را که از زاهدان بطرف میرجاوه و مرز مرز حرکتند بدقت واری می‌نماید. گلوگاه

دروازه خاخر که اکثراً در حال حرکتند و جایگاه ثابتی ندارند، این گلوگاه جبهه بیشتر فعال است و تا ۲۰ کیلومتری زاهدان را بدقت کنترل و چک می‌کنند. در پی آمدن توده‌های شهرستان زاهدان و احتمال اینکه بخواهند افرادی خارج بشوند این مزدوران در گلوگاهها به اقدامات ضد انقلابی خود که آزار و اذیت توده‌ها است، ادامه می‌دهند.

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

در پی افشاگری بامی استار در مورد فرستادن ۲۰٪ کارمندان دولت به جبهه‌ها در اواخر اسفند ماه ادارات دولتی این بخشنامه را بصورت درشت در محل تأیید و اطلاعات ادارات نصب کرده‌اند. تا در آینده بتوانند کارمندان را به زور و اجبار به جبهه‌های جنگ ارتجاعی گسیل دارند. اکثر کارمندان بعد از دیدن این بخشنامه با ابراز تنفر از جنگ عدم تمایل خود را مبنی بر رفتن به جبهه نشان داده‌اند.

اسفند ماه ۶۴ :

یکی از محصولات قابل کشت در بلوچستان هندوانه است. اما رژیم برای جلوگیری کشت هندوانه و اشاعه کفایت گندم از دادن بذر هندوانه به زحمت کشاورز خودداری می‌نماید. زحمتکشان ناچار می‌شوند که بذر مورد لزوم خود را با قیمت گرانتر از سایر مناطق وارد کنند و بدنبال این عمل رژیم از تحویل گازوئیل به آنان خودداری می‌کنند.

اسفند ماه ۶۴ :

بدنبال کسر بودجه مستمری‌سالمندان که بموجب طرح رجائی مبلغ ۴۰۰ تومان الی ۶۰۰ تومان بود اخیراً قطع یا به نصف مبلغ تنزل یافته که موجب اعتراض مسئولین این قانون قرار گرفته است.

اسفند ماه ۶۴ - خاش :

زاهدان منطقه قطار خنجک : ماسین سیمرخ اداره کشاورزی در حال برگشت از ماوریت به کمین تعدادی افزاد مسلح می‌افتد و آنها را نند که قصد فرار داشته زخمی و سایرین را آزاد می‌کنند و ماسین را با خود می‌برند. راننده ماسین در بیمارستان جان سپرده است.

اسفند ماه ۶۴ - خاش :

طبق گزارش رسیده از خاش توپوتیا کرورز پاسداران که از خاش بسوی سراوا می‌رفته و دانش آموزی به نام لال بخش آرام ساکن دستوک را که در تربیت معلم خاش تحصیل می‌کرده سوار کرده در منطقه کوههای استخر با عده‌ای مسلح درگیر شده و دانش آموز کشته می‌شود. در اینحال یک ماسین شخصی سر رسیده و پاسداران که یکی از آنها زخمی عده بوده است توسط آن ماسین منظره‌ها ترک می‌گویند و در این درگیری لندکرورز سپاه آتقی زده شده است. بدنبال این واقعه در تاریخ ۱۲/۱۲/۶۴ استاندار استان جهت دلداری به خانواده دانش آموز و در واقع بخاطر جنب آنها و ایجاد درگیری و قرار دادن آنها جلوی افراد مسلح عبهنگام با برخی از مسئولین به خانه آنها می‌رود. در این دیدار او کوش می‌کند که تمام افراد مسلح را دشمن بلوچها وانمود کند و به آنها می‌گوید: برای مقابله از طریق بسیج سپاه با رژیم همکاری کنید تا هرچه زودتر انتقام بگیریم. غافل از آنکه مردم بلوچ به خوبی میدادند که بین گروههای مسلح چه تفاوتی است و کدام گروهها دوستان و کدام گروهها دشمنان آنها هستند و آنها فریب جنگ زرگری میان رژیم با خوانین را نخورده از گروههای مسلح انقلابی حمایت می‌کنند.

اسفند ماه ۶۴ :

طبق گزارش رسیده از خاش تعدادی افراد مسلح در بین روزهای ۱۹ و ۲۰ اسفندماه به کارگاه راهسازی جهاد ویرانگر واقع در ایرندگان حمله نموده و ماسین و امکانات مستقر در کارگاه را به آتش می‌کشند و عده‌ای از جهادیشان مزدور را بهلاکت می‌رسانند.

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

یک جوان که قصد فرار از جهنم خمینی را داشت در ۲۰ کیلومتری زاهدان به میرجاوه توسط کمیته بازداشت و به مرکز ساواما برده شده است. وی توسط کمیته ابونر که یک پاسگاه استقراری کمیته در ۲۰ کیلومتری زاهدان به میرجاوه است شناسائی و دستگیر شده است.





اخبار

زاهدان :

قبلا در زندان دروازه خاش زندان - نیان سیاسی نگهداشته می شدند ولی اینک زندانیان سیاسی در زندان شهر بانی در یک بند مستقل نگهداشته می شوند و نگردانندگان زندان کمیته ایها می باشند. اما مدتی است که دوباره نورافکن های زندان دروازه خاش روشن می باشد. این نورافکنها طوری نصب شده اند که فقط داخل زندان را روشن می کنند، این نصب مجدد نورافکن در این زندان بیجا - نگر دوباره به راه انداختن زندان با توجه به کمبود جای می باشد که بارها مزدوران رژیم اعلام داشته اند .

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

" تردد وسیع مزدوران اطلاعاتی رژیم در سطح شهر زاهدان جهت شناسایی و دستگیری عناصر انقلابی " : در پی تداوم انتشار نشریه بامی استار و پخش نشریات و اعلامیه های سازمان مزدوران اطلاعاتی رژیم در سطح شهر زاهدان پراکنده شده تا بحیال خام خود انتقال بیون را بدام بیندازند. این مزدوران اطلاعاتی رژیم در سطح شهر زاهدان پراکنده شده و در مکانهای مشخص در اتومبیلهای پیکان با رنگهای متفاوت و در منازعه ها در مراکز اصلی شهر با لباس شخصی مسلح به اسلحه و بیسیم بطور مرتب حضور می یابند و رفت و آمده ها را در نظر می گیرند . تا شاید چهره ای لو رفته به تورشان بخورد و
وقیحانه ندای پیروزی سردهند. این پیگیرها از وقتی بیشتر شده که مزدوران کمیته ای مسئولیت امور زندانها و مسئولیت برخورد با نیروهای انقلابی را عهده دار شده اند . هرچند بر اثر هوشیاری نیروهای انقلابی به ویژه هواداران رزمنده و فعال سازمان این مزدوران همیشه ناکام مانده اند .

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان و سراسر استان

در پی فرمان خمینی فرمانده کل قوای رژیم مبنی بر آموزش، قانون نظامی به زنان و اجرای سیاستهای بسیج

روز بعد از این عمل منصرف شد. (چون صفهای طولی تشکیل میدهد مرکب از ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر و این صفها حالتی افکارگانه داشت و برای رژیم رسوائی و بی اعتباری بیخ از پیش در پی داشت .) حتی از اطراف شهر زاهدان و روستاهای نزدیک افراد بلوچی که برای گرفتن کمک آمده بودند ناکام دوباره برگشته اند .

۱۷ اسفند ماه ۶۴ - زابل :

مراسم روز زن در زابل و عدم استقبال توده ها از آن مسئولین ادارات و نهادهای دولتی و تعداد معدودی زن کارمند بزرگ و اجبار در سالن شهرداری زابل گرد آمده بودند ، روز زن را گرمی داشتند ، مراسم بقدری سرد و بیروح بود که اکثر شرکت کنندگان جرت می زدند و بعضی در نیمه مراسم سالن را ترک کردند رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی که بیشترین متمگریها را نسبت به زن روا میدارد برای عوامفریبی و فریب زنان به بزرگداشت فرمایشی روز زن توسط کارگزاران اقدام می کند .

۱۸ اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

در پی آمدن راهبان نور (ظلمت) اینک افراد کمیته ای شروع به دستگیری و اذیت و آزار توده های عادی بلوچ تحت عناوینی چون احرار و قاجاق چی می کنند در همین رابطه اعلام کرده اند که طی چند روز ۶۸ نفر به جرم قاجاقچی مواد مخدر دستگیر شده اند که عده زیادی بیگناه دستگیر شده اند . این حیلۀ رژیم است که حتی افراد عادی را قاجاقچی معرفی کند .

۱۸ اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

میرشکار مسئول بسیج استان اظهار داشت آموزش نیروهای رزمی استان که قبلا در کرمان انجام می گرفت در خود استان انجام می گیرد . وی ضمن بسیج جنگی رژیم خواستار مشارکت بیشتر ادارات و مدارس در این زمینه شده و در این رابطه قرار است با صرف بودجه های کلان محلها برای آموزش نیروهای خوششان درست کنند. در این



جنگی رژیم برای مواقع ضروری و اعزام به جبهه ها و جبهه ها را که به علت کشته شدن نیروها در حال خالی شدن می باشد دولت خامنه ای مزدور جهت حمایت از فرمان خمینی روز جمعه مورخه ۱۴/۱۲/۳۳ را روز راهپیمایی زنان جهت حمایت از جنگ و فرمان خمینی اعلام کرده بود که در زاهدان و اکثر شهرها - نه ای استان به علت عدم حمایت زنان با تعداد قلیلی از زنان حزب اللهی و وابسته به حزب جمهوری فقط در زاهدان برگزار شد .

نیمه اول اسفند ماه ۶۴ - ایرانشهر :

جمع عدن مردم ایرانشهر در مسجد جامع سنجا به عنوان اعتراض به عملکرد شهرداری : چون شهرداریها بر اساس درماندگی رژیم که قادر به تامین بودجه شهرداریها نمی باشد و با طرح خودگردانی توسط شهروندان سعی دارد هزینه های شهرداری را تامین نمایند در نتیجه شهرداری ایرانشهر در جهت اهداف فوق با گرفتن عوارض تعاعدی و جریمه ها و تخریب منازل مسکونی مردم و عدم اجازه کوچکترین فعالیت احداثی بدون اجازه شهرداری باعث اعتراض مردم گردیده و بر ضمن حملات شدید به شهرداری طوماری از استانداري خواهان رسیدگی به عملکرد شهرداری می شوند که در اثر فشار مردم دو نفر از استانداري به عنوان بازرس جهت پیگیری مسئله و بالا بودن عوارض به ایرانشهر وارد شده و مشغول تحقیقاتی می باشند و به مردم قول داده اند که به اعتراض آنها جواب خواهند داد و اما مردم خوب می دانند که جز با سرنگونی رژیم نردی دوا نمی شود .

۱۲ اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

در پی حملات رژیم به عراق تحت عناوین والفجر ۸ و ۹ رژیم برای اینکه وانمود کند در این عملیات موفق شده ، در زاهدان اعلام نمود به شکرانه این پیروزی به مردم صدقه و کمک میدهد . این کمک شامل یک کارتون که در آن مقداری قند و روغن و برنج و نخود بود می باشد . سیل توده های مردم چنان به هلال احمر محل توزیع این مواد سرازیر شد که رژیم چند

مرگ بر ایپورتونیسیم، زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

اخبار

زمینه‌بیشتهائی به ادارات و سازمانها و نهادهای دولتی از طرف بسیج شده است.

۱۸ اسفندماه ۶۴ - زاهدان :

در پی ریزش باران و آمدن سیل خانه‌های زیادی در حوالی کریم آباد و بابائیان فرو ریخته و ساکنین آنها که جعلگی از محرومترین اقشار جامعه بوده‌اند سرگردان و آواره شده‌اند رژیم سرمایه‌داران تا بحال برای این محرومان کاری انجام نداده است. مردم این مناطق طی طومار بلندی که به شهرداری نوشته‌اند خواهان رسیدگی به وضعیت نابسا مان ناشی از خرابی سیل شده‌اند مجموعاً حدود ۱۵۰ منزل مسکونی برای این دو منطقه از بین رفته و تعدادی از منازل در محاصره سیل قرار داشته که به آنها هم خساراتی وارد آمده است.

۲۰ اسفند ماه ۶۴ - خاش :

سربازگیری اجباری رژیم توسط مزدوران گشتهای رنگارنگ : در این تاریخ ۵ جوان که در مسیر جاده خاش تردد می‌کردند توسط گشت‌جنداللسه زندامری برای اینکه منحصی کنند به سربازی رفته‌اند یا نه مجلد شده و آنها را به پادگان برده‌اند. این روزها مزدوران رژیم به هر جوانی برخورد کرده از وی سوالاتی مبنی بر اینکه خدمت کرده یا نه و در موارد زیادی جوانان را داخل ماعینها انداخته و با خود به پادگانها برده‌اند.

۲۲ اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

بین دو تیم فوتبال از کمیته و دو تیم از ادارات زاهدان در سالن تیز مسابقات گل کوچک برگزار گردید. در این مسابقات مزدوران کمیته چهره کریه و نکبتار رژیم و عملکرد ضد انقلابی خود را به معرض تماشاچیان گذاشتند به شکلی که نفرت تماشاچیان را برانگیخته و هو شده و مورد تمسخر قرار گرفتند. کمیته‌ایها می‌زدور که از نظر بازی فوتبال در سطح فوق العا

پائینی از تکنیک و تاکتیک بودند در مدت زنی و لگد زنی معرکه کردند. در این دو بازی چند نفر از بازیکنان تیم مقابل بصدت ضرب خورده و مجروح شده و با فحش و ناسزا به کمیته‌ایها زمین را ترک کردند. اعمال زننده کمیته‌ایها خشم و نفرت تماشاچیان را برانگیخت و باعث اعتراض آنها شد و باعث گردید که بازی تا انتها ادامه نیابد. آری توده‌های مردم از هرفرصتی علیه رژیم و مزدورانش به اعتراض و مقاومت برمی‌خیزند و بیزاری و تنفر خود را از رژیم و جاسوسان نشان میدهند. یک نمونه عینی آن در جریان ایمن سابقه به معرض دید گذاشته شد.

۲۲ اسفندماه ۶۴ - زاهدان :

جلسه ستاد مرزها به ریاست اجمع استانداری مزدور در زاهدان برگزار گردید. در این جلسه اولویت طرحهای احداث راهها و پاشگاههای مرزی سیستان و بلوچستان مطرح شد. در این جلسه تا مین اعتبار لازم برای احداث راهها به ستاد مرزهای کل کشور اعلام شد. احداث راهها و پاشگاههای مرزی اخیراً عدت گرفته و رژیم برای ایمن امر بوجه زیادی را اختصاص داده است. سیل روز افزون کمیته‌ایها به منطقه و استقرار آنها در این پاشگاهها بعد دیگری از سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم علیه خلق بلوچ است.

اواخر اسفند ۶۴ - زاهدان :

کریم بخش سعیدی مزدور که می‌خواست به دامان رژیم برگشته و عفو امام شامل حال شود اکنون در زندان سپاه پذیرائی میشود. دادگاه ایرانشهر طی اطلاعیه‌ای از مردم و کشاورزانی که به آنها ظلم شده و یا طلبی از سعیدی دارند خواستار شد تا شکایات خود را به دادگاه تحویل دهند. سعیدی که به تهران رفته بود و می‌خواست در کنار رژیم به حیات خود ادامه دهد اینک در چنگال رژیم می‌باشد. در شماره ۲۹ یاسی استار ص ۳ خبری در باره سعیدی و درخواست رژیم برای آمدن لرح شده است.

فروردین ماه ۶۵ - میرجاوه، لولکان :

در اوایل فروردین ماه طی یک درگیری بین افراد مسلح با رژیم تعداد از طرفین کشته شده‌اند و رژیم بعد از درگیری منطقه را محاصره نظامی کرده‌اند (روستای لولکان در چند کیلومتری میرجاوه و مرز قرار دارد).

اوایل فروردین ۶۵ - میرجاوه :

خان محمد چاه : در اوایل فروردین ۶۵ تن سر نشین تویوتای عازم میرجاوه توسط کمیته خان محمدچاه دستگیر و در مدت بازداشت مورد ضرب و شتم شدید قرار می‌گیرند پنحویکه تاکنون آثار شلاق بر بدنشان مانده است. فرمانده عملیات این کمیته فرد بیسوادی بنام موسک آبادی اهل مشهد است که شبها در کلاس سواد آموزی میرجاوه شرکت می‌کند.

فروردین ماه ۶۵ :

با مستقر شدن نیروهای کمکی کمیته در سراوان روز بروز گشته‌ها و پیگردهای آنها افزایش یافته است و صدای شلیک گلوله در گوشه و کنار جاده‌ها و روستاها کراراً به گوش میرسد. ایمن تیراندازیها عمدتاً بسوی ماعینهای حامل قاچاق است. بعنوان مثال تیراندازی مورخه ۶۵/۱۳ که در برخورد ماعین کمیته به تویوتای حامل لاستیک ماعین انجام شد یکی از موارد ایمن تیراندازیهاست که در این حادثه تویوتا موفق بفرار شده است و کمیته ایها تا صبح در روستای زیارت مستقر شده‌اند تا شاید بتوانند ماعینهای در حال تردد را توقیف نمایند.

فروردین ماه ۶۵ :

بدنبال ورود " کاروان راهبان نور " و عقیم ماندن تلاشهایشان در بستن مرزها برای ارباب و انتقامجویی از مردم در موارد بسیاری کالاها بعنوان قاچاق ضبط میشود و یا با اخذ جریمه بعنوان کمک اجباری به جبهه‌ها اجازه حمل‌ونقل میشود بیشتر این کالاها متعلق به کسبه جزء و عبارتست از مواد غذایی و غیره که بیسکویت و مابون و پودرهای رختشویی و ...



حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست



اخبار

مدنی



ریشه این باور راحتی در عقب مانده تر - بین افکار شکسته است و جز رقاصان صحنه حکومتی کسی این اراجیف را باور نمی کند و ناله های آقای مدنی نماینده مردم (ببخشید رژیم خمینی) در سراسر هیچ اثری در اراده مصمم انقلابیون نخواهد داشت .

مسئله دیگری که به آن اشاره شد قلع و قمع انقلابیون بود و خصوصاً در بلوچستان که تنها نیروی فعال سیاسی هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق هستند . در این باره دیگر توده ها نسبت این مزدوران را خوانده اند هر گاه که اعتراضات مردم اوج می گیرد و نیروهای انقلابی رژیم را بوحشت می اندازند این مکاران به صحنه آمده برای دلداری دادن به همپالگهای خود و فریب مردم از قلع و قمع نیروهای انقلابی سخن می گویند . لذا هر گاه که سخن از تثبیت خود می گویند بمعنای هر چه ست تر شدن پایه های حکومت و هر گاه که از قلع و قمع صحبت می کنند نشاندهنده ضربصت جدیدی است که از انقلابیون خورده و گرنه کوره مبارزه در بلوچستان هرگز خاموش نگذشته روز بروز شعله ورتس می شود .

و تا روزی که جمهوری سرنگون نشود و حاکمیت انقلابی مردم برقرار نگردد و کلیه مقامات انتخابی نشود ، این آتش گریبان سرمایه داری را تا بزرگ کیدندن از آریکه اقتدار رها نخواهد کرد .

فروردین ماه ۶۵ - زاهدان :

بر اثر شدت بیکاری جوانان زیادی به دایر کردن مغازه رادیو فروشی و تکثیر و ضبط نوار روی آورده اند . اما رژیم اخیراً اکثر این مغازه ها را بسته و به آنها گوزد کرده که نوارهای انقلابی ضبط و تکثیر می کنند . در زاهدان حتی چند نفر را که با این عمل مغا - لفت کرده و به اعتراض برخاسته اند علاوه بر ضبط مغازه ، دستگیر و به زندان انداخته اند . طبق اخبار موثق در سراوان هم مغازه ها را تعطیل و نوارها را جمع آوری کرده اند . پخش نوار بلوچی آشوبی دیوان رژیم را در مانده و زبون ساخته ، رژیم خیال می کنند تهیه این نوار کار همین نوار فروشیهاست . نوار فوق بدست توده ها حتی خارج از منطقه به سایر شهرهای ایران راه یافته است .

۶۵/۱/۲ - جابهار :

یک کامیون ده تن با ۲ سر نشین آن توسط افراد مسلح به رگبار بسته میشود . ۲۰ برادر که سر نشین آن بوده اند کشته شده اند . این عمل خشم مردم را علیه کسانی که توده های بیگنا را آماج حملات خود قرار میدهند برانگیخته است . ۲ برادر فرزندان صمد یکی از زحمتکش ترین افراد شهر زاهدان می باشند . این افراد در طول جاده ایرانشهر به جابهار و در نزدیکی جابهار در ساعات اولیه شب به قتل رسیده اند .

خاطره سرخ

رفقای فدایی

احمد جلیل افشار
محمد چوپانزاده
حسن ضیاظریفی
عزیز سرمدی
عباس سوزکی
سعید کلانتری

و

رفیق کبیر بیژن جزنی

و همه شهدای

فروردین ماه سازمان

جاودان باد

در محل مکونی جام جم خانه های سازمانی مجتمع خدمات حمایتی انقلاب در خیابان جام جم به اماکن عمومی و داخل کیوسک تلفن چسبانده شده است . خبر این عمل انقلابی بی هواداران وسیعاً در محل پخش اشاعه شده و مزدوران رژیم را وحشتزده کرده است . (در این محل تعداد زیادی از عوامل اطلاعاتی و ساوا مانی زندگانی می کنند)



مطلع می شوند . و مزدوران رژیم که تیمهای سیاه و کمیته را هم به بازی آورده بودند از این جریان شدیداً وحشتزده شده و از آن تاریخ تعدادی مزدور با لباس شخصی در بین تماشاچیان جهت شناسائی و دستگیری عاملین این عمل انقلابی دیده شده است .

اسفند ماه ۶۴ - زاهدان :

بخش برجسبهای سازمان : در تاریخ ۲۷ اسفندماه تعدادی برجسبهای تبلینا - تی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

عملیات پخش ...

اسفندماه ۶۴ - زاهدان :

در تاریخ ۲۵ اسفندماه تعدادی برجسبهای تبلینا - تی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران متحد شوید در استادیوم ورزشی ۷ تیر که در آن مسابقات فوتبال گل کوچک ادارات انجام می پذیرد توسط هواداران سازمان به محل دستشوییها و دیوار چسبانده شده است . روز بعد همه از این جریان

وتی عاقبت دست گریگ کومانی المین حق انت